

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تفسیر آیات حج

«ویژه جوانان»

محمدعلی رضایی اصفهانی

فهرست

۹.....	دیباچه.....
۱۱.....	درآمد.....
۱۳.....	فصل اول : کلیات
۱۵.....	مفهوم‌شناسی تفسیر و تاریخچه آن.....
۱۵.....	۱. تعریف تفسیر.....
۱۵.....	۲. اشاره‌ای به تاریخچه تفسیر.....
۱۶.....	روش‌ها و گرایش‌های تفسیری.....
۱۸.....	منابع استنباط و استخراج اسرار حج.....
۱۸.....	۱. قرآن.....
۱۸.....	۲. سنت.....
۱۹.....	۳. تاریخ.....
۱۹.....	۴. عقل.....
۲۰.....	۵. سخنان دانشمندان و عارفان.....
۲۱.....	سیمای کلی آیات حج در قرآن.....
۲۳.....	فضایل و سیمای سوره حج.....
۲۵.....	رابطه قرائت قرآن و حج.....

۲۹	فصل دوم: عمره
۳۱	احکام عمره
۳۲	آیات مرتبط با عمره
۳۵	فصل سوم: حج
۳۷	شرط استطاعت در وجوب حج
۴۱	فراخوان جهانیان به حج
۴۴	فواید و اهداف حج
۴۶	اقسام حج (تمتع، قران و افراد)
۴۹	زمان حج
۴۹	ماه‌های مخصوص حج
۵۲	گاه‌شمار طبیعی حج
۵۵	حج در ماه‌های حرام
۵۷	اعمال حج
۵۷	خلاصه‌ای از اعمال حج
۵۸	دعای حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small>
۶۱	اعمال حج از نشانه‌های الهی
۶۳	احرام و محرمات آن
۶۳	چیزهای ممنوع در حال احرام
۶۷	طواف
۷۰	سعی بین صفا و مروه
۷۳	اسرار صفا و مروه در آئینه احادیث
۷۸	وقوف در عرفات و مشعر و منا
۷۸	یاد خدا در عرفات و مشعر
۸۱	یک‌رنگی با مردم در حرکت حاجیان به سوی منا
۸۲	اسرار و معارف توقف در عرفات
۸۲	اسرار عرفات
۸۴	اسرار عرفات در آئینه روایات
۹۶	اسرار و معارف توقف در مشعر

۹۶	اسرار مشعر در آئینه قرآن.....
۹۷	اسرار مشعر در آئینه روایات.....
۱۰۰	اسرار و معارف توقف در منا.....
۱۰۰	اسرار منا در آئینه قرآن.....
۱۰۳	اسرار منا در آئینه روایات.....
۱۰۴	قربانی.....
۱۰۴	تقسیم‌بندی گوشت قربانی.....
۱۰۶	نوع حیوان قربانی.....
۱۰۸	اعمال حج همراه با اخلاص.....
۱۱۰	یاد خدا هنگام قربانی کردن.....
۱۱۱	قربانی از نشانه‌های الهی و تقسیم‌پذیر.....
۱۱۳	هدف از قربانی کردن.....
۱۱۷	فصل چهارم: اماکن و ایام مقدس مرتبط با حج
۱۱۹	درآمد.....
۱۱۹	مکه.....
۱۱۹	مکه، مادر شهرها (ام‌القری).....
۱۲۱	کعبه نخستین عبادتگاه بشر.....
۱۲۴	مکه حرم امن الهی.....
۱۲۵	مکه شهر با امنیت و پربرکت.....
۱۲۷	مکه شهری که می‌توان به آن قسم خورد.....
۱۲۹	مکه شهر پر جاذبه و پربرکت و محل برپایی نماز.....
۱۳۲	ماجرای حمله فیل سواران به مکه و دفاع الهی از آن.....
۱۳۶	پرستش پروردگار کعبه و فلسفه آن.....
۱۳۸	مسجدالحرام.....
۱۳۸	مسجدالحرام پایگاه اول معراج.....
۱۴۱	مسجدالحرام قبله مسلمانان.....
۱۴۵	جنگ در مسجدالحرام ممنوع.....
۱۴۹	پاسدداشت مسجدالحرام.....

- کیفر حرمت شکنان مسجدالحرام..... ۱۵۰
- کعبه..... ۱۵۲
- کعبه، نخستین عبادتگاه مردم..... ۱۵۲
- نشانه‌های الهی اطراف کعبه و امنیت آن..... ۱۵۳
- بازسازی کعبه..... ۱۵۳
- آماده‌سازی و پاکسازی کعبه..... ۱۵۵
- مقام ابراهیم علیه السلام محل نماز..... ۱۵۶
- کعبه، خانه‌ای باستانی برای عبادت بشر..... ۱۵۸
- یاد خدا در ایام نورانی..... ۱۵۹
- مدینه (یثرب)..... ۱۶۱
- یثرب نام قدیمی مدینه..... ۱۶۱
- مدینه شهر احزاب و گروه‌ها..... ۱۶۳
- مساجد خوب و بد در مدینه..... ۱۶۵
- مباهله..... ۱۶۷
- غدیر..... ۱۷۲
- برائت..... ۱۷۵
- ذکر و دعا در ایام حج..... ۱۷۷
- کتابنامه..... ۱۸۰

دپاچه

از دیرباز تاکنون، در میان کتاب‌های آسمانی و غیر آسمانی، هیچ کتابی مانند قرآن کریم مخاطبان را به خود جلب نکرده است؛ به گونه‌ای که تاکنون صدها شرح و تفسیر بر آیات آن نگاشته شده است. با این حال، هیچ مفسری نتوانسته ادعا کند که به تمام محتوای قرآن و مقصود خداوند دست یافته است. بلکه هر مفسری که به تفسیر قرآن پرداخته، مطالب جدیدتری از قرآن استنباط کرده است؛ به عبارت دیگر، قرآن کریم، اقیانوس بی‌کرانی است که هر غواصی مروارید جدیدی از آن صید می‌کند.

امیرمؤمنان علی علیه السلام درباره شگفتی‌های قرآن کریم می‌فرماید:

إِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَبَاطِنُهُ عَمِيقٌ لَا تَفْتَى عَجَائِبُهُ وَلَا تَنْقَضِي عَرَائِبُهُ وَلَا تُكْشَفُ الظُّلُمَاتُ إِلَّا بِهِ.^۱

به درستی که قرآن، ظاهرش دوست‌داشتنی و باطنش عمیق است؛ عجایش از بین نمی‌رود و سخنان ژرفش پایان نمی‌یابد و تاریکی‌ها کشف نمی‌شود، مگر به قرآن.

از این رو در هر روزگاری، پژوهشگران علوم قرآنی با بهره‌گیری از سخنان ائمه معصومین علیهم‌السلام به شرح و تفسیر آیات قرآن پرداخته و سطوح مختلف جامعه را با این کتاب ارزشمند آشنا ساخته‌اند.

اثر پیش‌رو با عنوان «تفسیر آیات حج ویژه جوانان» به آیات حج - اعم از مناسک، اسرار و تاریخ آن - اشاره دارد که با قلمی روان، برای استفاده بیشتر جوانان، جمع‌آوری شده است.

در اینجا لازم می‌دانیم از زحمات حجت الاسلام و المسلمین آقای «محمدعلی رضایی اصفهانی» و همکاران محترم‌شان که در تدوین این اثر تلاش کرده‌اند، تشکر و قدردانی کنیم. امیدواریم خوانندگان عزیز، به‌ویژه جوانان گرامی، با مطالعه این اثر ارزشمند، بیشتر با سیمای حج از دیدگاه قرآن آشنا شوند.

انه ولی التوفیق

پژوهشکده حج و زیارت

گروه اخلاق و اسرار

درآمد^۱

اگرچه حج، در تعالیم پیامبران پیشین ریشه دارد، اما قرآن، حج را از انحرافات جاهلی عرب پیراست و به صورت یک عمل عبادی کامل به بشر عرضه کرد.

آیات حج، نه تنها ما را با تاریخ کعبه و اعمال حج آشنا می‌کند، بلکه ضمن بیان احکام و مناسک، به حکمت‌ها و آثار آن نیز اشاره می‌کند و روح حقیقی و معنوی آن را در دل‌ها می‌دمد.

حج عبادتی انسان‌ساز است که موجب پاکی و رشد معنوی انسان‌ها می‌شود. از آنجا که مجموعه اعمال حج یکی از روش‌های تربیتی دین مبین اسلام است، شایسته است که ابتدا از منظر قرآن بدان بنگریم؛ قرآنی که حج ابراهیمی را کامل به تصویر کشیده و بدون هیچ‌گونه تحریف، بشر را به انجام دادن فرائض و مناسکش، دعوت کرده است.

۱. این مقدمه در تاریخ ۱۳۹۰/۸/۲۷ در مسجدالحرام نگاشته شد و در تاریخ ۱۳۹۰/۹/۴ در مسجدالنبی ﷺ تکمیل گردید. بخشی از این کتاب در مکه مکرمه و بخش دیگر در مدینه منوره، در ایام حج (ذی‌الحجه ۱۴۳۲ هـ.ق) نگاشته شد.

در این نوشتار، آیات مستقیم حج و آیات غیرمستقیم که موضوعات مرتبط با حج را مثل مکه، کعبه، براءت و... بیان می‌کند، بررسی می‌کنیم. البته مقدمات لازم برای شناخت قرآن، تفسیر و شیوه استنباط اسرار حج، در فصل کلیات بیان می‌گردد. همچنین برخی نکات عرفانی آیات حج از آثار امام خمینی رحمته الله علیه به مباحث اضافه شده است.

گفتنی است مخاطب این کتاب، جوانان حج گزارند که می‌خواهند با بیانی شیوا و روان با حج از دیدگاه قرآن آشنا شوند. بسیاری از تفاسیر آیات حج از تفسیر «مهر» نگارنده، و ترجمه آیات نیز از نخستین ترجمه گروهی گرفته شده است.^۱

شایان ذکر است که ضمن تفسیر آیات حج، نخست به نکات تفسیری آیات حج می‌پردازیم، سپس به آموزه‌ها و پیام‌های آیه براساس قاعده بطن آیه، با الغای خصوصیت از آیه، اشاره می‌کنیم که این روش می‌تواند برای نسل جدید آموزنده و کاربردی باشد.

امید است این نوشتار مورد قبول خدای متعال و عنایت امام عصر علیه السلام قرار گیرد و قرآن‌دوستان و قرآن‌پژوهان و خادمان حج از آن بهره‌برند. به یقین، این نوشتار با پیشنهادهای دوستان کامل‌تر خواهد شد.

والحمد لله رب العالمین

محمدعلی رضایی اصفهانی

ش. ۱۳۹۰/۹/۴ ه. ش.

۱. این ترجمه ضمن تفسیر قرآن «مهر» است و با همکاری جمعی از قرآن‌پژوهان تهیه شده است که انتشارات دارالذکر آن را به صورت مستقل در سال ۱۳۸۴ ه. ش. و انتشارات بین‌المللی المصطفی در سال ۱۳۸۷ ه. ش. چاپ کردند.

فصل اول

کلیات

مفهوم‌شناسی تفسیر و تاریخچه آن

۱. تعریف تفسیر

تفسیر در لغت، به معنای کشف، پرده‌برداری و بیان است^۱ و در اصطلاح، به معنای توضیح ابهامات کلمات و جمله‌های قرآن و بیان مقاصد و اهداف آنهاست.^۲

۲. اشاره‌ای به تاریخچه تفسیر

نخستین مفسر قرآن، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود که خداوند به او دستور داد قرآن را برای مردم بیان کند.^۳ از این رو ایشان ضمن توضیح آیات، به پرسش‌ها نیز پاسخ می‌داد. سپس امام علی علیه السلام، امامان معصوم علیهم السلام و برخی صحابیان و تابعان به تفسیر قرآن پرداختند و در دوره‌های بعد،

۱. ر.ک: مفردات راغب اصفهانی و قاموس قرآن، ماده «فسر».

۲. ر.ک: المیزان، طباطبایی، ج ۱، ص ۴ و درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، از نگارنده، ص ۹۳۵.

۳. نحل: ۴۴.

احادیث تفسیری آنان نوشته شد و تفسیرهای روایی پدید آمد؛ از جمله در شیعه: تفسیر «عیاشی»، از محمدبن مسعود عیاشی (متوفای ۳۲۰ ه.ق.)، تفسیر «صافی»، از فیض کاشانی (متوفای ۱۰۹۱ ه.ق.)، تفسیر «البرهان»، از بحرانی (متوفای ۱۱۰۷ ه.ق.)، تفسیر «نورالثقلین»، از عبدعلی عروسی حویزی (متوفای ۱۱۱۲ ه.ق.) و از اهل سنت: تفسیر «جامع البیان»، از طبری (متوفای ۳۱۰ ه.ق.)، تفسیر «الدرالمثور»، از سیوطی (متوفای ۹۱۱ ه.ق.).

سپس مفسران در قرن‌های بعدی افزون بر احادیث، دیدگاه‌های تفسیری خود را نیز بیان می‌کردند؛ از جمله در شیعه: تفسیر «تبیان»، از شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ ه.ق.)، تفسیر «مجمع البیان»، از شیخ طبرسی (متوفای ۵۴۸ ه.ق.)، تفسیر «روض الجنان»، از ابوالفتوح رازی (قرن ششم)، تفسیر «المیزان»، علامه طباطبایی (متوفای ۱۴۰۲ ه.ق.)، تفسیر «نمونه»، آیت‌الله مکارم شیرازی (معاصر)^۱ و در اهل سنت: تفسیر «کشاف»، از زمخشری (متوفای ۵۳۸ ه.ق.)، تفسیر «مفاتیح الغیب»، از فخر رازی (متوفای ۶۰۲ ه.ق.)، تفسیر «انوار التنزیل»، از بیضاوی (متوفای ۶۹۱ ه.ق.) و تفسیر «فی ظلال القرآن»، از سید قطب (متوفای ۱۳۸۶ ه.ق.).

روش‌ها و گرایش‌های تفسیری

در میان مفسران، روش‌های تفسیری متعددی پیدا شده است؛ از جمله روش تفسیر قرآن به قرآن، عقلی، روایی، علمی، اشاری (باطنی، صوفی و

۱. ر.ک: طبقات مفسران شیعه، عقیقی بخشایشی؛ روش‌های تفسیر قرآن، و مؤدب.

شهودی) و نیز روش تفسیر به رأی که ممنوع و حرام است؛^۱ همان‌طور که گرایش‌های اجتماعی، فقهی، کلامی، فلسفی، ادبی و... در تفسیر به وجود آمده است.^۲

این روش‌ها گاهی به‌صورت تفسیر ترتیبی (از ابتدای هر سوره تا پایان آن) و گاهی به‌صورت تفسیر موضوعی به انجام رسیده است. البته توضیح تاریخ تفسیر و بیان روش‌ها و گرایش‌ها از اهداف و حوصله این نوشتار خارج است. تنها در این قسمت به بیان چند نکته بسنده می‌کنیم:

نکته‌ها

۱. تفسیر قرآن، دانش شریف و مهمی است. همان‌طور که قرآن ثقل اکبر است، دانش تفسیر و علوم قرآن نیز با عظمت است و امروزه به‌صورت یک رشته مستقل در علوم اسلامی پی‌گیری می‌شود. البته در دانش‌های دیگر، همچون فقه و کلام اسلامی نیز از دانش تفسیر استفاده می‌شود.

۲. هدف قرآن، تربیت و هدایت انسان به سوی خداست. از این رو لازم است قرآن‌پژوه به این هدف اساسی توجه داشته باشد و بکوشد دردهای اجتماعی، اخلاقی و عقیدتی خود را با قرآن درمان، و زندگی خود را بر مبنای آیات آن سازگار کند.

۳. دانش تفسیر، مراتب و درجات متعددی دارد و برای فهم و تفسیر کامل هر آیه یا موضوع قرآنی، لازم است از تمام روش‌ها و گرایش‌های

۱. رک: منطق تفسیر^۲، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، از نگارنده؛ روش‌های تفسیر قرآن،

مؤدب؛ روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، علوی مهر.

۲. همان.

صحیح، البته متناسب با هر مورد، استفاده کرد؛ همان‌طور که باید به تفسیرهای گذشتگان رجوع کرد و در تفسیر آیات آن اندیشید.

منابع استنباط و استخراج اسرار حج

۱. قرآن

در قرآن کریم حدود سی آیه درباره احکام، تاریخ و اسرار حج بیان شده است که یکی از منابع معتبر برای استنباط و استخراج اسرار حج است. این آیات در بردارنده حکمت، اهداف، فواید، بطن، پیام و آموزه‌های مناسک حج است.

البته استفاده از قرآن کریم در این موارد، پیش‌نیاز و پیش‌فرض‌هایی دارد که در مبانی و روش‌های تفسیر و شرایط مفسر بیان شده است^۱ که از جمله آنها دلالت صحیح متن به صورت دلالت مطابقی یا تضمینی یا التزامی است.

۲. سنت

سنت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام در بردارنده بسیاری از اسرار حج است که برخی به صورت سنت عملی و برخی به صورت سنت لفظی، در ضمن احادیث حکایت شده است.

البته استفاده از احادیث در این موارد، متوقف بر رعایت مبانی و قواعد حدیثی، بعد از اطمینان از سند و دلالت معتبر (مطابقی، تضمینی و التزامی) آنهاست.

۱. ر.ک: منطق تفسیر قرآن و درسنامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، از نگارنده.

۳. تاریخ

تاریخ یکی از منابع معرفتی بشر است. تاریخ پیامبران^۱ و اولیای الهی که در قرآن کریم بیان شده است، مثل داستان ساخت کعبه به دست ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام^۲، دارای اسرار و پیام‌های بسیاری است.

همچنین حکایاتی که در کتاب‌های حدیثی و تاریخی معتبر آمده است، مثل جریان آدم علیه السلام و حواء و همچنین هاجر در صفا و مروه^۳، درگیری ابراهیم علیه السلام با شیطان^۴ و مانند آنها، بسیاری از اسرار حج را برای ما روشن می‌سازد.

بنابراین تاریخ انبیای الهی سنت‌ساز است، نه تاریخ صرف. البته استفاده از تاریخ پیامبران و اولیای الهی در استنباط اسرار حج، نیازمند بررسی روایات آنها از نظر سند و دلالت است.

۴. عقل

عقل به دو معنا به کار می‌رود: برهان عقلی و قوه تفکر^۵، که در واقع امکان کاربرد دو معنا در مورد حج وجود دارد؛ یعنی اگر ما به وسیله برهان عقلی اسراری از حج را کشف کردیم، آن مطلب معتبر است؛ چراکه عقل، حجت باطنی است. همچنین اگر با تفکر و خردورزی هم

۱. هرچند تاریخ پیامبران و اولیای الهی که در قرآن و احادیث آمده است، بخشی از دو منبع قبلی (قرآن و سنت) به شمار می‌آید، اما به علت اهمیت آنها و نیز به سبب آنکه بخشی از تاریخ، خارج از قرآن و حدیث مصطلح است، این منبع را جداگانه ذکر کردیم.

۲. رک: بقره: ۱۲۵-۱۲۹ و آل عمران: ۹۶ و ۹۷.

۳. رک: بحارالانوار، ج ۹۹، صص ۲۳۳ و ۲۳۴ و علل الشرایع، ص ۴۳۲.

۴. همان، ص ۲۳۴.

۵. رک: مفردات راغب اصفهانی، ماده «عقل».

توانستیم برداشت‌هایی، حتی از نوع استحسان عقلی، از مناسک حج داشته باشیم، می‌توانیم آن را به صورت احتمالی بیان کنیم؛ چراکه بیان چنین برداشت‌هایی به معنای صدور فتوا نیست.

برای مثال، در سعی صفا و مروه، هروله تنها برای مردان قرار داده شده است. ممکن است انسان با تفکر به این نتیجه برسد که چون هروله زنان، موجب تحریک جنسی مردان می‌شود، از این رو برای آنان قرار داده نشده است. هرچند این برداشت عقلی، نمی‌تواند علت و ملاک حکم را روشن سازد، ولی می‌تواند توجیهی برای تفاوت هروله زنان و مردان باشد. بنابراین نمی‌توان نتیجه گرفت که اگر در سعی صفا و مروه مردی نباشد، هروله بر زنان لازم می‌شود.

گفتنی است برداشت‌های عقلی نباید به گونه‌ای باشد که به «تفسیر به رأی» ختم شود. که در احادیث حرام و ممنوع شمرده شده است.^۱ تفسیر به رأی آن است که انسان بدون توجه به قرائن عقلی و نقلی مطلبی را براساس رأی و گمان خود از آیات برداشت کند و به صورت قطعی به خدای متعال نسبت دهد.^۲

۵. سخنان دانشمندان و عارفان

سخنان بزرگان دین می‌تواند همچون چراغی روشنگر برای ما باشد تا ما را به سر منزل مقصود رهنمون کند. بنابراین استفاده از راهنمایی آنان

۱. رک: عیون اخبار الرضا (ع) صدوق، ج ۱، ص ۱۱۶؛ بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۱۰۷؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۱۹۹.

۲. رک: منطق تفسیر قرآن (درسنامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن)، مبحث تفسیر به رأی، از نگارنده.

بر ما لازم است. البته باید توجه داشت که سخنان آنان، در صورتی که به یکی از منابع معتبر (قرآن، سنت، عقل و تاریخ) مستند باشد، پذیرفتنی است. از این رو اگر سخن آنان براساس منابع غیرمعتبر، مثل شهود، مکاشفه یا رؤیا باشد، نمی‌توانیم آنها را بپذیریم و به شارع نسبت دهیم.

درباره اسرار حج نیز لازم است از نقل مطالب سست، خواب‌های فراوان و مکاشفات بدون سند پرهیز کنیم؛ چراکه نقل این‌گونه مطالب سست، موجب بدبینی افراد به مناسک حج می‌شود.

بنابراین لازم است اسرار حج از منابع معتبر، و با شیوه صحیح استخراج و استنباط گردد. به یقین در آیات و احادیث، به اندازه‌ای اسرار و مطالب علمی وجود دارد که ما را از نقل مطالب سست، بی‌نیاز سازد.

سیمای کلی آیات حج در قرآن

موضوع	آدرس سوره و آیات	ردیف
مکه و امنیت	بقره: ۱۲۶	۱
اقسام حج	بقره: ۱۹۶	۲
گاه‌شمار طبیعی - پیرایه‌زدایی	بقره: ۱۸۹	۳
مسجدالحرام	بقره: ۱۴۴، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۹۱ و ۱۹۲	۴ - ۸
محرمات احرام	بقره: ۱۹۷	۹
مناسک	بقره: ۱۲۸	۱۰
عید قربان	بقره: ۲۰۳	۱۱

موضوع	آدرس سوره و آیات	ردیف
عرفات و مشعر - قربانی و ذکر و دعا	بقره : ۱۹۸ - ۲۰۳	۱۷-۱۲
صفا و مروه - پیرایه‌زدایی	بقره : ۱۵۸	۱۸
کعبه - مقام	بقره : ۱۲۵	۲۰-۱۹
مکه و کعبه - وجوب حج	آل عمران : ۹۷ و ۹۶	۲۲-۲۱
مکه	آل عمران : ۹۸	۲۳
مباهله	آل عمران : ۶۱	۲۴
غدیر - محرّمات احرام	مائده : ۳	۲۵
مسجد الحرام	مائده : ۲	۲۶
ماه‌های حرام - وجوب حج	مائده : ۹۷	۲۷
نفی اعمال ناشایست در طواف و مسجدالحرام	انفال : ۳۵	۲۸
کعبه - عید قربان - مناسک - وجوب حج - طواف - قربانی - حلق	حج : ۲۸ - ۳۷	۳۸-۲۹
مسجدالحرام	حج : ۲۵ - ۲۶	۴۰-۳۹
برائت	توبه : ۱	۴۱
مدینه	توبه : ۱۱۰ - ۱۰۸	۴۳-۴۲
مکه	شوری : ۷	۴۴

موضوع	آدرس سوره و آیات	ردیف
سقایة الحاج	توبه : ۲۰	۴۵
مکه	ابراهیم : ۳۷	۴۶
مسجدالحرام	اسراء : ۱	۴۷
حرم	عنکبوت : ۶۷	۴۸
مدینه	احزاب : ۱۳	۴۹
استلام	بروج : ۳	۵۰
مکه (بلد امین)	بلد : ۱ - ۲	۵۱-۵۲
مکه	فیل	۵۳
کعبه	ایلاف	۵۴

فضایل و سیمای سوره حج

سوره حج دارای ۷۸ آیه، ۱۲۹۱ کلمه و ۵۰۷۰ حرف است. این سوره در مدینه بر پیامبر اسلام ﷺ نازل شده^۱ و صد و سومین سوره در ترتیب نزول است؛ یعنی بعد از سوره نور و قبل از سوره منافقون. البته در چیش کنونی قرآن، بیست و دومین سوره به شمار می آید.

تنها نام این سوره، «حج» است که در اصل به معنای «قصد و آهنگ» است. ولی در اصطلاح به یکی از عبادت‌های اسلامی که جزء فروع دین

۱. التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۳۷. ولی برخی معتقدند که این سوره مکی است و آیات ۳۸-۴۱ که در مورد جنگ است، مدنی است و برخی دیگر معتقدند که سوره حج، مشترک بین مکه و مدینه است.

است، گفته می‌شود. سبب نامگذاری این سوره، آیات ۲۵ تا ۳۷ است که از ساختن کعبه و فواید و آثار حج سخن گفته، و اعلام عمومی حج را از زبان ابراهیم علیه السلام حکایت کرده است.

درباره فضیلت این سوره «ابی بن کعب» از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل کرده است:

من قرأ سورة الحج أعطى من الأجر كحجة حجها و عمرة اعتمرها بعدد من حج و اعتمر فيها مضي و فيها بقى.^۱

هر کس سوره حج را بخواند، ثواب کسی دارد که حج و عمره به جا آورده است و ثواب حج و عمره به عدد همه حج گزاران و عمره گزاران به او داده خواهد شد.

همچنین امام صادق علیه السلام فرمود:

من قرأ سورة الحج في كل ثلاثة أيام لم تخرج سنة حتى يخرج الى بيت الله الحرام و ان مات في سفره دخل الجنة.^۲

هر کس در هر سه روز یکبار سوره حج را بخواند، در همان سال به سوی حج رهسپار می‌شود و چنانچه در سفر از دنیا برود، داخل بهشت می‌شود.

البته روشن است که این ثواب‌ها با شرایطی همچون تفکر در آیات و پیروی از آنها به افراد داده خواهد شد.

گفتنی است تنها سوره قرآن که دو سجده مستحب دارد، سوره حج است. همچنین تنها سوره‌ای است که به نام یکی از فروع دین، نامگذاری شده است. در ضمن از سوره‌هایی است که برخی مضامین آن متناسب با سوره‌های مکی

۱. مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۰۹؛ مصباح کفعمی، ص ۴۴۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۳۴۵.

۲. نورالثقلین، ج ۳، ص ۴۶۹.

و برخی احکام آن، مثل اجازه جنگ، متناسب با سوره‌های مدنی است. از این رو برخی آن را سوره مشترک مکه و مدینه دانسته‌اند.^۱

رابطه قرائت قرآن و حج

در بسیاری از احادیث، نقل شده است که اگر کسی سوره خاصی از قرآن را قرائت کند، خداوند توفیق حج یا ثواب حج را به او می‌دهد. قبل از بیان این گونه احادیث، توجه به چند نکته لازم است:

۱. این گونه آثار، از روی تفضل و لطف الهی است، نه استحقاق افراد؛

یعنی ممکن است خواندن یک سوره با ثواب حج یا توفیق حج برابری نکند، ولی خدای متعال از روی لطف خویش این ثواب را می‌دهد.

۲. این گونه احادیث از باب مقتضی است؛ یعنی بیان می‌کند که مثلاً

قرائت سوره حج در هر سه روز، زمینه و امکان حج را در آن سال برای خواننده سوره فراهم می‌کند.^۲ اما این مطلب علت تامه نیست؛ یعنی ممکن است زمینه و مقتضی حج فراهم شود، اما مانعی پیدا شود که شخص توفیق حج پیدا نکند.

۳. این گونه احادیث، اشاره به آن دارد که خواننده سوره با رعایت

شرایط آن مستحق حج یا ثواب آن می‌شود؛ یعنی خواننده سوره باید به معانی آن سوره توجه نماید و به دستورهای الهی در آن سوره نیز عمل کند؛ نه اینکه فقط الفاظ را بخواند. از این رو در برخی احادیث، تعبیر «تلاوت» آمده است که به معنای خواندن و پیروی کردن است.

۱. التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۳۷.

۲. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۵۲ و ج ۱۱، ص ۱۶۱.

سوره‌هایی که خواندن آنها زمینه‌ساز حج است:

- قرائت سوره «حج» در هر سه روز:

وَعَنْهُ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ سُوْرَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ قَرَأَ سُورَةَ الْحُجِّ فِي كُلِّ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ لَمْ تَخْرُجْ سُنَّتُهُ حَتَّى يَخْرُجَ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ وَإِنْ مَاتَ فِي سَفَرِهِ أُدْخِلَ الْجَنَّةَ.^۱

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که حضرت فرمود: «هر کس سوره حج در هر سه روز یک‌بار بخواند، در همان سال موفق به سفر حج می‌شود و چنانچه در سفر حج از دنیا برود داخل بهشت می‌شود».

- قرائت سوره «نبا» در هر روز:

وَمَنْ قَرَأَ عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ لَمْ تَخْرُجْ سُنَّتُهُ إِذَا كَانَ يُدْمِنُهَا فِي كُلِّ يَوْمٍ حَتَّى يَزُورَ بَيْتَ اللَّهِ الْحَرَامِ.^۲

و هر کس سوره نبأ را بخواند و هر روز بر خواندن آن مداومت کند، در آن سال موفق به حج می‌شود.

سوره‌هایی که خواندن آنها ثواب حج دارد:

- خواندن سوره فلق در هر شب:

و روى عن النبي صلى الله عليه وآله أنه قال مَنْ قَرَأَ سُورَةَ الْفَلَقِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ عِنْدَ مَنَامِهِ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ مَنْ حَجَّ وَ اعْتَمَرَ وَ صَامَ، وَ هِيَ رَقِيَّةٌ نَافِعَةٌ وَ حِرْزٌ مِنْ كُلِّ عَيْنٍ نَاطِرَةٍ بِسُوءٍ.^۳

۱. وسائل الشيعه، ج ۶، ص ۲۵۲.

۲. فقه القرآن، ج ۱، ص ۳۲۵.

۳. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۸۱۴.

از پیامبر ﷺ حکایت شده است که فرمود: «هرکس سوره فلق را در هر شب، هنگام خواب بخواند، خدا برای او پاداش حج گزاران و عمره گزاران و روزه داران را ثبت می کند و این سوره موجب امان از هر چشم بد است».

- خواندن سوره حج:

وَعَنْهُ ﷺ قَالَ مَنْ قَرَأَ سُورَةَ الْحَجِّ أُعْطِيَ مِنَ الْأَجْرِ كَحَجَّةٍ حَجَّهَا وَ عُمْرَةٍ
اَعْتَمَرَهَا بَعْدَ مَنْ حَجَّ وَ اَعْتَمَرَ فِيهَا مَضَى وَ فِيهَا بَقِيَ.^۱

از پیامبر ﷺ حکایت شده است که فرمود: «هرکس سوره حج را بخواند، به تعداد حاجیان و عمره گزاران گذشته و آینده، به او پاداش حج و عمره داده می شود».

فصل دوم

عمره

«عمره» در اصل به معنای «آبادانی» است و عبادتی مخصوص است که آبادانی سرزمین دل را در پی دارد. اعمال عمره عبارت‌اند از: احرام (پوشیدن لباس مخصوص حج)، طواف (هفت بار گشتن به دور خانه خدا)، دو رکعت نماز طواف در پشت مکانی به نام مقام ابراهیم عليه السلام در مسجد الحرام، سعی بین دو کوه صفا و مروه (هفت بار طی کردن فاصله آن دو)، کوتاه کردن کمی از مو یا ناخن که حج‌گزار با این عمل از احرام خارج می‌شود.

احکام عمره

﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَخْلِفُوا رُؤُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾. (بقره: ۱۹۶)

و حج و عمره را برای خدا به اتمام رسانید و اگر باز داشته شدید، پس آنچه از قربانی فراهم شود [قربانی کنید] و سرهایتان را متراشید، تا قربانی به محلش برسد و هر کس از شما بیمار بود و یا برایش ناراحتی از ناحیه سرش برسد [و ناچار شود در احرام سر بتراشد] پس توانی از [قبیل] روزه یا بخششی صادقانه یا قربانی [بدهد]. و هنگامی که ایمنی یافتید، پس هر کس با عمره از حج بهره مند شود [و حج تمتع نماید] پس آنچه از قربانی برای او فراهم شود [قربانی کند] و هر کس نیافت، پس سه روز در [موسم] حج و هفت روز هنگامی که بازگشتید، روزه بدارد. این، ده روز کامل است. این حج تمتع برای کسی است که خانواده اش ساکن [اطراف] مسجدالحرام نباشد و خودتان را از [عذاب] خدا ننگه دارید و بدانید که خدا، سخت کیفر است.

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. تمام اعمال حج و عمره باید خالصانه برای خدا انجام گیرد و ریا در آن نباشد.
۲. اگر کسی لباس احرام پوشید و برای حج یا عمره آماده شد، باید آن را به پایان برساند و نمی‌تواند رهاش کند و اگر مانعی مانند بیماری یا ترس از دشمن پیش آمد، به اندازه توانایی خویش، قربانی دهد؛ یعنی حیوانی مثل گوسفند را در راه خدا قربانی کند و از احرام خارج شود.

آیات مرتبط با عمره

غیر از آیه ۱۹۶ بقره که بیان شد، سه دسته دیگر از آیات وجود دارد:
دسته اول: آیات مربوط به احرام و محرمات آن (مائده: ۲؛ بقره: ۱۹۷)؛

دسته دوم: آیه مربوط به طواف (حج : ۳۰)؛
دسته سوم: آیات مربوط به سعی بین صفا و مروه (بقره : ۱۵۸).
عمره شامل احرام، طواف و سعی می شود. پس لازم است آیات فوق
در ذیل مبحث عمره بررسی گردد. اما از آنجا که این آیات با آیات حج،
مشترک است، آنها را در فصل بعد بررسی می کنیم.

فصل سوم

حج

حج از عبادات پراهمیت، و شیوه‌ای تربیتی است که در قرآن به وجوب، اهداف، فواید، اقسام و زمان آن اشاره شده است. حج شامل اعمال متعدد است که بیشتر آنها در قرآن آمده است. برخی موارد نیز در سنت پیامبر ﷺ بیان شده است که ما در اینجا موضوعات و اعمال حج را به ترتیب از قرآن استخراج و با تفسیر آن ارائه می‌کنیم.

شرط استطاعت در وجوب حج

﴿فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ
الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾
(آل عمران: ۹۷)

در آن، نشانه‌های روشن [از جمله] مقام ابراهیم است و هر کس در آن داخل شود، در امان خواهد بود و برای خدا، بر [عهده] مردم است که آهنگ [حج] خانه [او] کنند؛ [البته هر] کسی که بتواند به سوی آن راهی بیابد و هر کس کفر ورزد، [و حج را ترک کند] پس در حقیقت خدا از جهانیان بی‌نیاز است.

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. واژه «حج» به معنای قصد است و در اصطلاح به معنای قصد زیارت کعبه و انجام دادن اعمال مربوط به آن است.

۲. حج بر هر انسانی که توانایی لازم را داشته باشد، در طول عمر، فقط یک بار واجب می‌شود.^۱

از تعبیر «بر مردم» استفاده می‌شود که وجوب حج، مخصوص مسلمانان نیست. بلکه همه مردم، حتی کافران موظف به انجام دادن حج می‌باشند؛^۲ گرچه شرط صحیح بودن حج این است که نخست اسلام را بپذیرند.

۳. «استطاعت» (توانایی برای انجام دادن حج)، شرط وجوب حج است که در روایات اسلامی و کتاب‌های فقهی، به معنای داشتن توشه سفر و مرکب سواری، توانایی جسمی، باز بودن راه مسافرت به مکه و توانایی بر اداره زندگی به هنگام بازگشت از حج، تفسیر شده است.^۳ البته همه این امور از واژه استطاعت استفاده می‌شود.

۴. واژه «کفر» در اصل به معنای پوشانیدن است و از نظر اصطلاح دینی، معنای وسیعی دارد و هرگونه مخالفت با حق، چه در اصول و چه در فروع دین را شامل می‌شود؛ هرچند بیشتر در مورد مخالفت با اصول به کار می‌رود. در واقع، کفر و فاصله گرفتن از حق، دارای مراحل و درجاتی است که هرکدام برای خود احکامی دارد؛ گاهی کفر نظری و اعتقادی است که

۱. این مطلب از اطلاق آیه به دست می‌آید.

۲. این مطلب یکی از مصادیق این قاعده معروف است: «الکفار مکلفون بالفروع کما اثم مکلفون بالاصول»؛ «کافران همان‌گونه که به اصول دین موظفاند، به انجام دادن فروع نیز مکلفاند».

۳. ر.ک. مناسک حج امام خمینی و تحریر الوسيله «مبحث حج».

همان مخالفت با اصول دین است و گاهی کفر عملی است که همان مخالفت با فروع و احکام دین است. به همین مناسبت در آیه مذکور، در مورد «ترک حج»، واژه «کفر» به کار رفته است. امام صادق (ع) نیز واژه کفر را در اینجا، به معنای «ترک» تفسیر کرده‌اند.^۱

۵. به کار بردن تعبیر «کفر» در آیه، بیانگر اهمیت بسیار عمل حج

است. در روایتی، پیامبر اکرم (ص) به علی (ع) فرمود:

يَا عَلِيُّ تَارِكَ الْحَجِّ وَهُوَ مُسْتَطِيعٌ، كَافِرٌ يَقْسُو اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ﴿وَلِلَّهِ عَلَى
التَّائِبِينَ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾،
يَا عَلِيُّ مَنْ سَوَّفَ الْحَجَّ حَتَّى يَمُوتَ، بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا.^۲

ای علی! کسی که حج را با آنکه توانایی دارد، ترک کند، کافر به شمار می‌آید... ای علی! کسی که حج را به تأخیر اندازد تا از دنیا برود، خدا او را در قیامت یهودی یا مسیحی محشور می‌کند.

توز پیوند حرمی زنده‌ای تا طواف او کنی پاینده‌ای

۶. فایده انجام دادن دستورهای الهی، به خود انسان برمی‌گردد؛ و گرنه

خدا به کسی نیاز ندارد و غنی مطلق است.^۳

۷. تعبیر ﴿آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ﴾ «نشانه‌های روشن»، اشاره به این دارد که مکه

و کعبه، بیانگر قدرت و نشانه‌های الهی است و تاریخ آن پر از خاطرات و سرگذشت‌های درس‌آموز است.

۱. تهذیب، ج ۵، ص ۱۸؛ البرهان، ج ۱، ص ۶۶۳

۲. من لایحضره الفقیه، صدوق، ج ۴، ص ۳۶۸؛ مکارم الاخلاق، ص ۴۴۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱،

ص ۳۱؛ تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۹.

۳. تفسیر نور، ج ۲، صص ۱۳۵ و ۱۳۶.

آثاری از پیامبران بزرگ، همچون ابراهیم و اسماعیل علیهم‌السلام در آنجا باقی مانده است؛ مانند زمزم، صفا، مروه، حجرالاسود، حجر اسماعیل^۱ و مقام ابراهیم که هر کدام تاریخ مجسمی از گذشته است.

همچنین، یکی از نشانه‌های روشن الهی بقای کعبه در طول تاریخ مقابل دشمنانی نیرومند، همچون فیل سواران ابرهه است.

۸. مقام ابراهیم، محل ایستادن ابراهیم علیه‌السلام بوده است.^۲ او برای بنای کعبه، یا برای انجام دادن مراسم حج یا برای دعوت عمومی مردم به حج در آنجا می‌ایستاد. این مکان از مهم‌ترین نشانه‌های روشن سرزمین مکه است که خاطرات بی‌ظییری از فداکاری، اخلاص و اجتماع را زنده می‌کند.

۹. ابراهیم علیه‌السلام پس از بنا نهادن خانه کعبه، امنیت شهر مکه را از خدا درخواست کرد^۳ و خدا دعای ابراهیم را اجابت کرد و این شهر را مرکز امن قرار داد که مایه آرامش روح و امنیت اجتماع مردمی است که به آن شهر سفر می‌کنند و از آن الهام می‌گیرند. از نظر قوانین اسلامی هم، امنیت مکه آن‌چنان محترم شمرده شده که هرگونه جنگ و مبارزه در آن ممنوع است. حتی حیوانات وحشی در این سرزمین از هر نظر در امان

۱. حجر اسماعیل، محل خاصی است که به‌صورت یک قوس در ضلع شمال غربی کعبه ساخته شده است و مثل جزئی از کعبه، داخل محدوده طواف قرار می‌گیرد.

۲. برخی مفسران احتمال داده‌اند مقصود از مقام ابراهیم، تمام حرم مکه یا تمام مواقع حج باشد. اما در روایتی از امام صادق علیه‌السلام حکایت شده که محل ایستادن ابراهیم علیه‌السلام بوده است؛

ر.ک: بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۳۱.

۳. «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا» (بقره: ۱۲۶)

هستند و نباید کسی مزاحم آنها شود و اگر قاتلی به آنجا فرار کند، نباید متعرض او شد و برای جلوگیری از سوء استفاده جانین، فقط می‌توان از نظر آب و غذا آنها را در مضیقه قرار داد تا مجبور شوند آنجا را ترک کنند. این از امتیازات اسلام است که یک منطقه از کره زمین را منطقه امن قرار داده است تا محل فریاد همه مظلومان تاریخ و هم‌چون بهشت زمین باشد.

بهشت آنجاست که آزاری نباشد کسی را با کسی کاری نباشد

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. با سفر به مکه، نشانه‌های الهی را در آنجا ببینید.
۲. به آثار باستانی که نشانه‌های الهی و یادگار پیامبران الهی است، اهمیت دهید.
۳. حرمت مکه را پاس دارید و امنیت آنجا را [برای انسان و حیوان] حفظ کنید.
۴. ترک حج، نوعی کفر است.
۵. سود حج به شما می‌رسد؛ نه به خدای توانگر بی‌نیاز.

فراخوان جهانیان به حج

﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ

عَمِيقٍ﴾ (حج: ۲۷)

و حج را به مردم اعلام کن تا به سوی تو آیند؛ درحالی که پیاده و [سوار] بر هر مرکب لاغری هستند که از هر دره ژرف [و راه دور] می‌آیند.

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. برخی مفسران حکایت کرده‌اند، هنگامی که به ابراهیم دستور داده شد حج را به مردم اعلام کند، او گفت: «خداوندا صدای من به جهانیان نمی‌رسد». ولی خدا فرمود: «تو اعلام کن. رساندن آن به عهده من است».^۱

۲. هنگامی که به ابراهیم علیه السلام دستور داده شد حج را به مردم اعلام کند، او بر محل «مقام»^۲ در مسجدالحرام رفت و رو به سوی شرق و غرب جهان کرد و صدا زد: «ای مردم! حج خانه خدا بر شما نوشته شده است. پس دعوت پروردگارتان را اجابت کنید».

خدا نیز صدای او را به گوش جهانیان و حتی نسل‌های بعدی رساند و مردم همه ساله به ندای او پاسخ مثبت می‌دهند و لبیک‌گویان به طرف مکه می‌روند.^۳

بنابراین تمام کسانی که به حج می‌روند، در حقیقت دعوت رب جلیل و فراخوان ابراهیم خلیل را لبیک می‌گویند.

۳. «فج عمیق» به معنای «فاصله میان دو کوه و دره ژرف» و در اینجا به معنای «جاده‌های وسیع و دور» است؛ یعنی مردم برای برگزاری حج، راه‌های طولانی و دره‌ها را می‌پیمایند.

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۶۹.

۲. مقام ابراهیم، سنگی کوچک است که کنار کعبه قرار دارد و در عصر ما در محفظه‌ای شیشه‌ای نگهداری می‌شود.

۳. عوالی اللالی، ابن ابی جمهور احسانی، ج ۴، ص ۳۵؛ بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۱۶ و ج ۹۶، ص ۱۸۲؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۴۸۸؛ روح المعانی و تفسیر کبیر، ذیل آیه.

۴. آیه، نخست حاجیان پیاده و سپس حاجیان سواره را ذکر می‌کند؛ چراکه رنج سفر برای پیادگان بیشتر، و فضیلت آنها زیادت‌تر است. پیامبر اسلام ﷺ فرمود: «هرکس پیاده به حج رود، در هر گام، هفتصد حسنه (نیکی) برای اوست؛ درحالی‌که اگر کسی سواره به حج رود، هر گام هفتاد حسنه دارد».^۱

۵. «ضامر» یعنی حیوان لاغری که حاجی برای سواری، از آن استفاده می‌کند تا به حج رود. این تعبیر اشاره دارد که راه طولانی حج و بیابان‌های خشک آن، حیوانات حاجیان را لاغر می‌کند؛ یعنی این راهی مشکل است و مرکب‌های نیرومند می‌خواهد.

۶. هدف از حج، لبیک گفتن به دعوت حق و نفی شرک است. امام خمینی رحمته الله علیه در این مورد می‌فرماید:

لبیک‌های شما، جواب دعوت حق تعالی می‌باشد و خود را محرم برای وصول به آستانه محضر حق تعالی نمایید و لبیک‌گویان برای حق، نفی شریک به همه مراتب کنید و از «خود» که منشأ بزرگ شرک است، به سوی او «جلّ و اعلیٰ» هجرت نمایید.^۲

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. به دعوت جلیل و خلیل لبیک گویند و از هر مکانی، آهنگ حج کنید.
۲. حج، مراسمی الهی است که لازم است درباره آن تبلیغ شود.

۱. عوالی اللالی، ج ۲، ص ۸۶؛ مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۲۹؛ تفسیر کبیر، ج ۲۳، ص ۲۲۰؛

الدرالمنثور، ج ۴، ص ۳۵۵.

۲. صحیفه نور، ج ۱۹، صص ۱۸، ۴۲ و ۴۴.

فواید و اهداف حج

﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَيَّ مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَيْهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِيعُوا أَمْرَ الْفَقِيرِ﴾ (حج: ۲۸)

تا [در حج] شاهد سودهایشان باشند و در روزهای معینی نام خدا را [به خاطر نعمت‌ها و به هنگام قربانی] بر دام‌های زبان بسته، که به آنان روزی داده است، ببرند. پس از [گوشت] آنها بخورید و [نیز] به سختی کشیده نیازمند، بخورانید.

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. حج برای مسلمانان فواید فراوانی دارد که شامل تمام برکات معنوی، مادی، سیاسی، اجتماعی و اخلاقی می‌شود.^۱ در احادیث اهل بیت علیهم‌السلام هم به این مطلب اشاره شده است که این آیه منافع دنیا و آخرت را شامل می‌شود.^۲

۲. مراسم حج دارای ابعاد و فواید متعددی است:

الف) فواید معنوی: این عمل موجب سازندگی اخلاقی و روحی است؛ چراکه لحظه لحظه حج ارتباط با خدا، مراقبت از خویشتن و تمرین اطاعت از خداست.

ب) فواید سیاسی: اجتماع میلیونی مسلمانان از همه کشورها و با یک لباس و در مراسمی هماهنگ، عظمت اسلام و مسلمانان را به نمایش می‌گذارد و دشمنان را به هراس می‌اندازد و می‌تواند عامل مؤثری در وحدت مسلمانان و پیشرفت اهداف سیاسی اسلام باشد.

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۷۲.

۲. کافی، ج ۴، ص ۴۲۲؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۴۸۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۹۱.

ج) فواید فرهنگی: تمام نژادها کنار همدیگر قرار می‌گیرند و کنگره عظیم فرهنگی تشکیل می‌گردد.

د) فواید اقتصادی: مسلمانان می‌توانند بعد از مراسم حج، به تجارت بپردازند و حتی بازار مشترک اسلامی را در مکه بنا نهند. همچنین در مراسم حج، صدها هزار حیوان قربانی می‌شود که می‌توان برای تغذیه مسلمانان فقیر از آنها استفاده کرد.

۳. امام علی علیه السلام فرمود: «حج، تقویت دین [اسلام] است». ^۱ همچنین حضرت فرمود: «حج، جهاد افراد ناتوان است». ^۲

روایات، شناخت آثار پیامبر صلی الله علیه و آله و اخبار او، تجارت و شناخت مسلمانان از همدیگر را از آثار حج دانسته است. ^۳

امام صادق علیه السلام فرمود: «مادامی که کعبه برپاست، اسلام هم برپاست». ^۴
 امام علی علیه السلام نیز فرمود: «خدا را خدا را درباره خانه خدا، تا هستید آن را خالی نگذارید؛ زیرا اگر کعبه خلوت شود، مهلت داده نمی‌شوید». ^۵

۴. در این آیه، به مراسم قربانی حج اشاره شده است. البته ما در مباحث بعدی، ذیل مبحث قربانی نکات این آیه را ذکر خواهیم کرد.

۵. مقصود از «ایام معلومات» یا روزهای معینی است که نام خدا در آنها

۱. نهج البلاغه، کلمه قصار ۲۵۲.

۲. نهج البلاغه، کلمه قصار ۱۳۶؛ خصال، ج ۲، ص ۶۲۰.

۳. ر.ک: علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۰۵؛ بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۳۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۴ و ج ۲۷، ص ۹۷.

۴. کافی، ج ۴، ص ۲۷۱؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۴۳؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۹۶.

۵. نهج البلاغه، نامه ۴۷؛ کافی، ج ۷، ص ۵۱؛ من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۸۹؛ بحارالانوار،

برده می‌شود یا همان ده روز آغازین ذی‌الحجه یا روزهای یازدهم تا سیزدهم ذی‌الحجه است؛ هرچند احتمال اول با ظاهر آیه سازگارتر است.^۱

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. با سفر به مکه، به اهداف و منافع حج توجه کنید.
۲. در ایام حج از یاد خدا غافل نشوید.
۳. از گوشت‌های قربانی خودتان استفاده کنید و به فقیران نیز بدهید.

اقسام حج (تمتع، قران و افراد)

﴿وَأْتِمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُؤُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامًا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةَ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾. (بقره: ۱۹۶)

و حج و عمره را برای خدا به اتمام رسانید و اگر بازداشته شدید، پس آنچه از قربانی فراهم شود [قربانی کنید]؛ و سرهایتان را متراشید، تا قربانی به محلش برسد و هرکس از شما بیمار بود و یا برایش ناراحتی از ناحیه سرش برسد [و ناچار شود در احرام سر بتراشد]؛ پس تاوانی از [قبیل] روزه یا بخششی صادقانه یا قربانی [بدهد] و هنگامی که ایمنی یافتید، پس هرکس با عمره از حج بهره‌مند شود [و

۱. آیه ۲۰۳ سوره بقره مشابه این آیه است: ﴿وَأَذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ﴾. ولی برخی مفسران این دو آیه را اشاره به دو مطلب می‌دانند؛ رک: تفسیر نمونه، ج ۱۴، صص ۷۳ و ۷۴.

حج تمتع نماید پس آنچه از قربانی برای او فراهم شود [قربانی کند] و هر که نیافت، پس سه روز در [موسم] حج و هفت [روز] هنگامی که بازگشت، روزه ندارد. این، ده [روز] کامل است. این [حج تمتع] برای کسی است که خانواده‌اش ساکن [اطراف] مسجدالحرام نباشد و خودتان را از [عذاب] خدا ننگه دارید و بدانید که خدا، سخت کیفر است.

نکته‌ها و اشاره‌ها^۱

۱. حج دارای اقسامی است: تَمَتُّع، قِرَان و اِفراد.

حج قِرَان و اِفراد بر کسانی واجب است که اطراف مسجدالحرام زندگی می‌کنند. ولی حج تَمَتُّع بر کسانی واجب است که حداقل ۴۸ میل (حدود ۸۶ کیلومتر) دورتر از مسجدالحرام هستند. حج تَمَتُّع شامل یک عمره و مراسم حج است و طبق آیه مذکور، یک عبادت اسلامی محسوب می‌شود که در زمان پیامبر ﷺ انجام می‌گرفته است و هم‌اکنون نیز بسیاری از مسلمانان، همه ساله آن را به‌جا می‌آورند. در این زمینه روایات زیادی از شیعه و اهل سنت نقل شده است؛^۲ هرچند خلیفه دوم (عمر) آن را ممنوع ساخت و برخی افراد از او پیروی کردند.^۳

۲. حج از عبادات مهم اسلامی است که آن را قهرمان توحید،

۱. برخی از نکات مربوط به آیه، در مبحث عمره اشاره شد.

۲. ر.ک: تفاسیر قرآن، از جمله البرهان، ج ۱، ص ۴۱۳ به بعد؛ نورالثقلین، ذیل آیه؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۸۷؛ پرتوی از قرآن، ج ۲، ص ۸۰؛ تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۸ و کتاب‌های فقهی، از جمله تحریرالوسیله، مبحث حج.

۳. ر.ک: منهج الصادقین، ج ۱، ص ۴۴۴ به بعد. نویسنده در تفسیر خود، فتاوی‌ای مذاهب مشهور اهل سنت را درباره جزئیات حج آورده است.

حضرت ابراهیم علیه السلام، بعد از بنای خانه خدا اعلام کرد و مردم جهان را برای طواف، به این مکان مقدس دعوت نمود.

حج همان عبادتی است که امیرمؤمنان علی علیه السلام آن را پرچم و شعار مهم اسلام می نامد و در وصیت خویش می فرماید: «خدا را خدا را درباره خانه خدا، تا هستید آن را خالی مگذارید؛ زیرا اگر کعبه خلوت شود، مهلت داده نمی شوید».^۱

به سبب همین اهمیت است که در پایان آیه، تأکید شده است که تقوا پیشه کنید و درباره حج کوتاهی نکنید و از عقاب شدید پروردگار بترسید.

۳. هر یک از مراسم حج، زنده کننده خاطرهای تاریخی و کنایه و اشاره ای به مسائل اخلاقی و اجتماعی است که در آیات بعد و نیز در سوره حج به آنها اشاره خواهیم کرد.

۴. یکی از اعمال حج تراشیدن موی سر است که باید قبل از کشتن قربانی انجام گیرد؛ مگر آنکه برای شخصی، مانعی مثل بیماری پیش آید که در این صورت پیش از موقع، سر خود را می تراشد.

۵. برای تراشیدن سر قبل از موقع، لازم است کفاره بدهد. این کفاره می تواند سه روز روزه یا غذا دادن به شش فقیر و یا کشتن گوسفندی باشد.

۶. کسی که مانعش، بیماری یا ترس از دشمن است، پس از بهبودی یا برطرف شدن ترس، برای به جا آوردن حج تمتع، باید به اندازه توانایی اش، شتر، گاو یا گوسفند قربانی کند و اگر قربانی پیدا نشد یا توان مالی مناسب نداشت، سه روز در ایام حج (روز هفتم، هشتم و نهم ذی الحجه) و هفت روز پس از بازگشت از حج، یعنی ده روز کامل، روزه بدارد.

۷. برنامه حج تمتع برای کسانی است که از نزدیکان به مسجدالحرام نباشند؛ یعنی باید حداقل ۴۸ میل تا مکه فاصله داشته باشند.^۱

۸. از این آیه و آیات مشابه آن متوجه می‌شویم که جزئیات احکام و قوانین حج بسیار مهم است؛ به طوری که خدای متعال، آنها را توضیح داده و موارد استثنا و وظایف حاجیان را مشخص ساخته و بقیه جزئیات نیز در احادیث بیان شده است. در واقع همین احکام جزئی در شکل‌گیری حج ابراهیمی و تکامل معنوی حاجیان بسیار مؤثر است؛ هرچند ما فلسفه و علت برخی از آنها را به‌طور کامل متوجه نشویم.

زمان حج

ماه‌های مخصوص حج

﴿الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمَهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ﴾. (بقره: ۱۹۷)

حج در ماه‌های معینی است و هرکس که در این [ماه‌ها حج را] [بر خود] واجب گرداند، پس در [هنگام] حج، هیچ هم‌بستری با زنان و نافرمانی و ستیزه روا نیست و هر آنچه از [کارهای] نیک انجام دهید، خدا آن را می‌داند و توشه بگیرید و در حقیقت، بهترین توشه، خودنگه‌داری است.

پس ای خردمندان! خودتان را از عذاب من نگه دارید.

۱. جزئیات احکامی که در قرآن نیامده است و ما به آنها اشاره کردیم، در احادیث پیامبر ﷺ و اهل‌بیت ﷺ آمده است؛ رک: تفسیر صافی، ج ۱، صص ۲۳۳ و ۲۳۴.

شأن نزول

برخی مفسران نوشته‌اند که در آن عصر، گروهی از مردم «یمن» برای زیارت خانه خدا به راه می‌افتادند و هیچ‌گونه زاد و توشه‌ای بر نمی‌داشتند و منطقشان این بود که ما چون به زیارت خانه خدا می‌رویم، ممکن نیست که او به ما غذا ندهد.

قرآن در این قسمت از آیه به آنان دستور می‌دهد که برای سفر حج، زاد و توشه تهیه کنید و غذا با خویش بردارید؛ چراکه خدا غذای همه را از طریق وسایل عادی در اختیار آنها می‌گذارد.^۱

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. مقدمات و برخی اعمال حج، مانند عمره را می‌توان قبل از ذی‌الحجه به‌جا آورد. ولی اعمال دیگر باید در ذی‌الحجه انجام شوند.

۲. باید لذت‌های جنسی، گناه و بحث و جدل^۲ را در حج کنار گذاشت. در واقع، حج، برای عبادت، خلوص و ترک لذت‌های مادی است تا روح انسان از آن نیرو بگیرد و با فاصله گرفتن از جهان ماده، به حقایق دست یابد.

۳. «تقوا» توشه‌ای ضروری برای این سفر است؛ یعنی حج‌گزار افزون‌بر توشه مادی، به توشه معنوی هم که همان پرهیزکاری است، نیاز دارد و باید خودش آن را تهیه کند.

۱. اسباب النزول، واحدی نیشابوری، ص ۳۳؛ لباب النقول، سیوطی، ص ۳۵.

۲. واژه «جدال» در اصل به معنای «محکم کردن ریسمان» است. البته این واژه به معنای

«زمین زدن دیگران» نیز آمده است. در اینجا نیز مقصود «بحث و ستیز» است.

در واقع، هر سفری، توشه مناسب خود را می‌طلبد. سفر پرفراز و نشیب زندگی انسان نیز نیازمند بهترین توشه است که آن توشه جز پرهیزکاری نیست.

۴. به یقین، سفر حج، زمینه مناسبی برای تهیه توشه معنوی است؛ چرا که در آنجا جلوه‌های ویژه‌ای از پروردگار دیده می‌شود که در هیچ جای دیگر نیست. بنابراین کسانی که روحی بیدار و اندیشه‌ای زنده دارند، می‌توانند توشه معنوی عمر خویش را از این سفر روحانی فراهم سازند.

۵. خردمندان کسانی‌اند که سرمایه‌های وجودی خود را به بهای اندک نمی‌فروشند و فرصت‌ها را غنیمت می‌شمارند. از این رو، خردمندان باید فرصت حج را غنیمت بشمارند و تقوا پیشه سازند و خود را از عذاب الهی حفظ کنند.

امام خمینی علیه السلام درباره عظمت این سفر معنوی فرمود:

سفر حج، سفر تحصیل دنیا نیست. سفر الی الله است. شما دارید به طرف خانه خدا می‌روید. شما اموری که دارید انجام می‌دهید، به طور اُلوهیت باید انجام بدهید. ... باید همان‌طوری که مسافرین الی الله مثل انبیا علیهم السلام و بزرگان دین ما مسافرتشان الی الله در تمام زمان حیاتشان بوده است و یک قدم تخلف نمی‌کردند از آن چیزی که برنامه وصول الی الله بوده است، شما هم الآن وفود الی الله (سفر به سوی خدا) دارید می‌روید؛ شما در آنجا می‌روید، در میقات که می‌روید، لبیک به خدا می‌گویید؛ یعنی تو دعوت

کردی و ما اجابت. مبدا یک عملی انجام دهید که خدای تبارک و تعالی بفرماید که خیر، شما را من قبول ندارم. برای اینکه شما اسلامی نیستید...^۱.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. خدا برای حج زمان معینی قرار داده است. او زندگی و عبادت شما را هم منظم و زمان‌بندی شده می‌خواهد.
۲. حج جای خلاقیت، ستیزه‌جویی و لذت‌های مادی نیست.
۳. حج جای تمرین نیکوکاری و پارسایی است.
۴. تقوای پیشگی بهترین گزینه زندگی خردمندان است.

گاه‌شمار طبیعی حج

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (بقره: ۱۸۹)

درباره هلال‌های ماه از تو می‌پرسند؛ بگو: «آنها، گاه‌شماری برای مردم و حج است» و نیکی، آن نیست که از پشت‌خانه‌ها وارد شوید. بلکه نیکی [و نیکوکار] کسی است که [خود را] حفظ کند و به خانه‌ها، از درهایشان وارد شوید و خودتان را از [عذاب] خدا ننگه دارید؛ باشد که شما رستگار گردید.

شان نزول

حکایت شده است که برخی از مردم از پیامبر اکرم ﷺ پرسیدند: «این

هلال ماه چیست و چرا ماه تدریجی به صورت کامل درمی‌آید و باز به حالت اول برمی‌گردد». در پی این پرسش‌ها، قسمت اول این آیه نازل شد و اعلام کرد که حالات مختلف ماه، فواید گوناگون مادی و معنوی در نظام زندگی انسان دارد و برای بیان اوقات و تعیین وقت حج و امثال آنها به کار می‌آید.

اما در مورد قسمت دوم آیه، داستان دیگری حکایت شده است؛ بدین صورت که یکی از عادات خرافی عرب جاهلی این بود که وقتی برای حج، لباس احرام به تن می‌کردند، از راه معمولی و در خانه وارد نمی‌شدند؛ چون معتقد بودند شخصی که لباس احرام پوشیده است، نباید از در خانه وارد شود. از این‌رو از پشت خانه راهی می‌گشودند و از آن وارد می‌شدند و این کار را نیک می‌پنداشتند.

بدین مناسبت قسمت دوم آیه نازل شد و بیان کرد که نیکی در وارد شدن از پشت خانه یا عادات و رسوم خرافی نیست. بلکه نیکی در تقواست. آن‌گاه خداوند به آنان دستور می‌دهد که از همان راه عادی، وارد خانه‌ها شوید.^۱

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. بدیهی است که زندگی اجتماعی بشر و برگزاری مراسم‌های دینی، بدون تقویم و تعیین تاریخ ممکن نیست. این آیه به این حقیقت اشاره دارد که گردش ماه به دور زمین و هلال‌های آن، تقویم طبیعی برای استفاده تمام انسان‌هاست.

۲. بهترین تقویم‌ها، همان تقویم طبیعی است که در اختیار همه است. یکی از امتیازات قانون‌های اسلام این است که دستورهای آن بیشتر براساس مقیاس‌های طبیعی مثل حرکت ماه و خورشید، بنا گذارده شده است.

۳. جمله «از در خانه‌ها وارد شوید»، معنای وسیعی نیز دارد که انسان باید در هر کاری، اعم از اعمال مذهبی و غیرمذهبی، از طریق صحیح وارد شود. همین معنا از قول امام باقر علیه السلام نیز نقل شده است.^۱

۴. در روایات اهل بیت علیهم السلام می‌خوانیم:

ما خانه‌ها و درهای خداوندیم. هر کس پیرو ما باشد و اقرار به ولایت ما کند، از در خانه وارد شده، و هر کس از ولایت ما جدا شود و مخالفت کند و دیگران را برتری دهد، از پشت خانه آمده است.

بنابراین باید انسان در تمام مسائل مذهبی خویش از راه اصلی وارد شود و معارف خود را از اهل بیت علیهم السلام که پرورش یافتگان مکتب وحی‌اند، بگیرد. شاید این‌گونه روایات به باطن قرآن اشاره دارد.^۲

۵. رسیدن به رستگاری دو شرط اساسی دارد:

الف) راه‌شناسی، یعنی وارد شدن به هر کاری از طریق صحیح آن؛

ب) خودنگه‌داری و پرهیز از لغزش و کژروی.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. برای تنظیم مسائل زندگی و عبادی، به تقویم طبیعت روی آورید.

۱. عن الباقر علیه السلام: «یعنی أن يأتي الأمر من وجهه، أي الأمور كان». رک: تفسیر صافی، ج ۱، ص ۲۲۷.
 ۲. یعنی از شأن نزول این قسمت از آیه، الغای خصوصیت می‌شود تا یک قاعده کلی به دست آید که شامل هر واقعه مشابه در هر زمان و مکان بشود.

۲. نیکی در پارسایی است، نه کژروی.
۳. برای انجام دادن هر کاری، از راهش وارد شوید.
۴. اگر می‌خواهید رستگار شوید، راه صحیح را انتخاب، و خودتان را از لغزش‌ها حفظ کنید.
۵. رهبران و مبلغان دینی باید برای پاسخگویی به پرسش‌های جهان‌شناسانه مردم آماده باشند.

حج در ماه‌های حرام

﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْيَتِيمَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلَائِدَ ذَلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾. (مانده: ۹۷)

خدا کعبه، خانه محترم، و ماه حرام و قربانی‌های بی‌نشان و قربانی‌های نشاندار را، [وسیله] به پاداشتن [مصلحت‌ها] برای مردم قرار داد. این [امور] به خاطر آن است که بدانید در واقع خدا، آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است، می‌داند و بدانید خدا بر هر چیزی داناست.

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. ماه‌های حرام عبارت‌اند از: «رجب، ذی‌القعدة، ذی‌الحجه و محرم». در این چهار ماه، جنگ و خونریزی ممنوع است؛ یعنی مسلمانان و جهانیان باید در این چهار ماه امنیت داشته باشند تا ببیندیشند و با همدیگر ارتباط برقرار کنند و اختلافات را برطرف، و جامعه اسلامی و انسانی را پایدار سازند.

۲. کعبه^۱ تاریخچه‌ای بسیار طولانی و پرحادثه دارد. این خانه قدیمی‌ترین مرکز توحید و پرستش خداست.^۲ طبق احادیث اسلامی، ویران کردن کعبه در ردیف کشتن پیامبر و امام، نگاه کردن به آن، عبادت و طواف بر گرد آن، از بهترین اعمال است.^۳

۳. اهمیت کعبه و قیام برای آن، به خاطر ساختمان آن نیست. بلکه برای آن است که باستانی‌ترین مرکز توحید و محل توجه ملت‌هاست. این خانه مقدس، رمز وحدت مردم و مرکزی برای اجتماع دل‌ها و کنگره‌ای عظیم برای استحکام پیوندهای گوناگون است و در پرتو این خانه مقدس، مردم می‌توانند به نابسامانی‌های زندگی خویش سامان بخشند و سعادت جاودانه خود را بر پایه آن استوار سازند و از این روست که کعبه، مایه قوام مردم است.

۴. قوام و انتظام جامعه به چند چیز است:

(الف) مرکزیت معنوی؛

(ب) قدرت اجتماعی؛

(ج) امنیت؛

(د) تأمین اقتصادی.

۱. واژه «کعبه» در اصل از ماده «کعب»^۱، به معنای برآمدگی پشت پاست. سپس به هر نوع بلندی و برآمدگی، کعب گفته شده است. به مکعب نیز، چون در چهار ضلع آن برآمدگی وجود دارد، مکعب می‌گویند. این واژه، هم اشاره به بلندی ظاهری خانه خداست و هم رمزی از عظمت و بلندی مقام آن است؛ ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۹۲.

۲. آل عمران: ۹۶.

۳. ر.ک: بحارالانوار، ج ۹۶، صص ۵۷ و ۳۴۶.

در کعبه همه این امور جمع است؛ زیرا هم قبله دل‌هاست، هم سمبل عزت و قدرت مسلمانان است، هم قتل و غارت در آنجا ممنوع است و هم درآمد اقتصادی آن، همچون قربانی‌ها، وسیله سامان‌دهی اقتصاد مسلمانان است.

۵. امام صادق علیه السلام فرمود: «به کعبه، بیت‌الله الحرام گویند؛ چراکه ورود کافران [در آن] حرام است».^۱

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. کعبه برای همه مردم جهان مفید و مایه پایداری و قیام آنهاست.
۲. از امنیت و حرمت کعبه، و از قربانی‌ها و ماه‌های حرام، برای پایداری جامعه استفاده کنید.
۳. با مطالعه در قوانین اسلامی، به علم بی‌کران الهی پی ببرید.

اعمال حج

خلاصه‌ای از اعمال حج

«حج» در اصل به معنای «قصد کردن برای زیارت» است و در اسلام، به عبادت مخصوصی گفته می‌شود که شامل اعمال زیر است:

- حاجیان ابتدا در مکه احرام می‌بندند.

- سپس در روز نهم ذی‌الحجه به بیابان «عرفات» که حدود ۲۲ کیلومتری مکه است، می‌روند و از ظهر تا غروب آفتاب، در آنجا می‌مانند و نیایش می‌کنند.

۱. علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۹۸؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱، صص ۶۸۰ و ۶۸۱.

- بعد از غروب، به سوی بیابان «مشعرالحرام» می‌روند و شب را تا صبح در آنجا به سر می‌برند.
- هنگام طلوع آفتاب به سرزمین «منا» می‌روند و در همان روز که روز عید قربان است به ستون مخصوصی که «جمره عقبه» نام دارد، هفت بار سنگ می‌زنند.
- سپس قربانی می‌کنند و با تراشیدن سر، از احرام بیرون می‌آیند و روزهای یازدهم و دوازدهم ذی‌الحجه را نیز در آنجا می‌مانند و به سه ستون مخصوص (جمرات)، هفت بار سنگ می‌زنند.
- آن‌گاه به مکه بازمی‌گردند و طواف خانه خدا، نماز طواف، سعی صفا و مروه و طواف نساء و نماز طواف نساء را به‌جا می‌آورند و بدین صورت مراسم حج به پایان می‌رسد.^۱

دعای حضرت ابراهیم علیه السلام

﴿رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾. (بقره: ۱۲۸)

[ای] پروردگارا! ما را تسلیم [فرمان] خود قرار ده و از نسل ما، امتی فرمان‌بردار خود [پدید آر] و [راه و رسم] عبادت‌مان را به ما نشان ده و توبه ما را بپذیر که تنها تویی بسیار توبه‌پذیر [و] مهرورز.

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام در این آیه از خداوند چهار مطلب درخواست می‌کنند:

۱. ر.ک: تحریر الوسیله و نیز مناسک حج مراجع تقلید.

- از خدا می‌خواهند که تسلیم فرمان او باشند که در واقع تسلیم، بالاترین مقام‌هاست.

- درخواست مقام تسلیم و مسلمان شدن برای نسل خویش می‌کنند.
- از خدا می‌خواهند که راه و رسم پرستش الهی مثل اعمال حج را به ایشان نشان دهد.^۱

- از خدا تقاضای توبه و بازگشت می‌کنند؛ یعنی از او می‌خواهند که توبه‌شان را بپذیرد و رحمت خود را بر آنان فرو ریزد.

۲. ابراهیم علیه السلام که الگوی مؤمنان است، برای نسل خود بسیار دعا می‌کند. تفکیک دعا برای خود و نسل آینده، می‌تواند اشاره ظریفی به اختلاف نسل‌ها و لزوم جلوگیری از گسست نسل‌ها باشد و چون نسل بعدی ممکن است از روش‌های نسل قبل پیروی نکند، نیازمند تربیت و برنامه مربوط به خود است.

آری، توجه به فرزندان و نسل آینده در دعاها، نوعی دورنگری عاقلانه و خداپسندانه است، که بیانگر وسعت نظر و عشق درونی است و چه نیکوست که ما هم به ابراهیم علیه السلام اقتدا کنیم.

۳. دعای ابراهیم علیه السلام درباره آموزش راه و رسم عبادتی مثل حج، به ما می‌آموزد که عبادت و بندگی خدا راه و روش خاصی دارد که باید آن را از خود خدا آموخت؛ و گرنه ممکن است انسان گرفتار انواع خرافات و انحرافات شود.

۱. واژه «مناسک» از ریشه «نسک» به معنای عبادت است و در اصطلاح، به اعمال عبادی و راه و رسم انجام دادن حج گفته می‌شود.

پیر را بگزین که بی پیر این سفر هست بس پر آفت و خوف و خطر

(مولوی)

۴. توبه به معنای بازگشت است. توبه بندگان به سوی خدا به معنای بازگشت از گناه است و توبه خدا به سوی بندگان، به معنای بازگشت رحمت خدا و توجه او به بنده است؛ به طوری که به بنده خود توفیق توبه می دهد و توبه اش را می پذیرد و او را می بخشد.^۱

۵. پیامبران الهی معصوم اند و گناهی ندارند تا توبه کنند. اما درخواست توبه آنان به ما می آموزد که انسان در هر مقامی، نیازمند توبه و رحمت خداست.

۶. در پایان آیه قبل، این آیه و آیه بعد، برخی از صفات خدا آمده است. این نامها و صفات با دعاهای ابراهیم عليه السلام متناسب، و در استجابت دعا مؤثر است و اصولاً نامها و صفات آخر هر آیه، با محتوای آیه تناسب دارد.

آموزه‌ها و پیامها

۱. در هنگام دعا، نسل آینده را فراموش نکنید.
۲. تسلیم بودن مقابل خدا، نعمتی است که باید توفیق آن را از خدا خواست.
۳. مراسم عبادی خود را از وحی بگیریید تا گرفتار انحرافات و خرافات نشوید.
۴. خدا مهربان است و توبه شما را می پذیرد.
۵. در هر مقامی هستید، از خدا رحمت و توفیق توبه بخواهید.

۱. ر.ک: قاموس قرآن، ماده «توب».

۶. در هنگام دعا، نام‌های نیکوی خدا را به زبان جاری سازید که در استجابت دعای شما مؤثر است.

اعمال حج از نشانه‌های الهی

﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعِظْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ * لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَيَّئٍ ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾. (حج: ۳۲ و ۳۳)

این [اعمال حج است]؛ و کسانی که نشانه‌های خدا را بزرگ می‌شمارند، در واقع، این [کار آنان حاکی] از خود نگه‌داری دل‌هاست * برای شما در آن [نشانه‌های خدا و قربانی]، تا سرآمدی معین، سودهایی است؛ سپس محل [و زمان] آن [قربانی کنار] خانه باستانی [کعبه] است.

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. واژه «شَعَائِر» جمع «شعيرة» به معنای علامت و نشانه است که شامل برنامه‌های کلی الهی، از جمله اعمال حج می‌شود که انسان را به یاد خدا و عظمت دین او می‌اندازد. برخی آیات قرآن، شتر قربانی حج و صفا و مروه را از شعارهای الهی شمرده‌اند.^۱
۲. بزرگداشت نشانه‌های الهی، نشانه تقوای دل است. البته بزرگداشت این نشانه‌ها آن است که انسان، موقعیت این شعارها را در افکار و اذهان عمومی بالا ببرد و آنچه درخور احترام و عظمت آنهاست، به‌جای آورد.^۲

۱. ر.ک: حج: ۳۶ و بقره: ۱۵۸.

۲. البته یکی از مصادیق بزرگداشتن قربانی حج آن است که حاجیان قربانی نیکوتر، ارزشمندتر و بزرگتری را انتخاب کنند؛ همان‌طور که در احادیث به این مطلب اشاره شده است؛ ر.ک:

صافی، ج ۳، ص ۳۷۸.

۳. مقصود از تقوای دل، همان پارسایی درونی انسان است؛ یعنی بزرگداشت نشانه‌های الهی که به قصد و نیت انسان وابسته است. وقتی دل انسان خودنگه‌دار و پارسا شد، بروز عملی پیدا می‌کند و تقوای روح و احساس مسئولیت انسان در برابر فرمان‌های الهی، در جسم و اعمال او تبلور می‌یابد. بنابراین احترام و بزرگداشت شعارهای الهی، نشانه تقوای درونی است.

۴. مفسران قرآن درباره «شعائر» چند تفسیر ارائه کرده‌اند:

الف) مقصود از «شعائرالله» همان حیوانات قربانی حج است که خدا اجازه داده است تا فرا رسیدن زمان قربانی، از منافع آنها استفاده کنید و سپس در مکه آنها را قربانی نمایید.

ب) مقصود از «شعائرالله»، مجموع اعمال حج است که برای شما تا قیامت در آنها منافی وجود دارد.

ج) مقصود از «شعائرالله»، مجموع برنامه‌های چشمگیر اسلام است که خدا تا پایان جهان در آنها برای شما منافی قرار داده است. سپس پاداش شما بر آفریننده خانه کعبه است.^۱ البته مانعی ندارد که هر سه تفسیر مقصود آیه باشد.

۵. از برخی احادیث و حکایات تاریخی استفاده می‌شود که گروهی از مسلمانان عقیده داشتند که هرگاه حیوان قربانی تعیین شد، نباید بر آن سوار شد و شیر آن را دوشید. اما قرآن کریم این عقیده غلط را رد کرد و

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [نه مراسم حج و] نشانه‌های خدا و نه ماه [های] حرام و نه قربانی‌های بی‌نشان و نه نشاندار و نه قصدکنندگان خانه محترم خدا درحالی که بخششی و خشنودی از پروردگارشان می‌جویند را [حرمت‌شکنی نکنید و] حلال ندانید و هنگامی که از احرام بیرون آمدید، پس [می‌توانید] شکار کنید و البته، کینه‌توزی عده‌ای، برای اینکه شما را از [آمدن به] مسجدالحرام [در صلح حدیبیه] بازداشتند، شما را و ندارد که تعدّی نمایید و برای نیکوکاری و خودنگه‌داری با یکدیگر همکاری کنید و برای گناه و تعدّی با یکدیگر همکاری ننمایید و خودتان را از [عذاب] خدا ننگه دارید؛ چرا که خدا، سخت کیفر است.

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. در این آیه، اهمیت ماه‌های حرام و حج بیان شده است که عبارت‌اند از:

الف) شَعَائِرِ الْهِیْ را نقض نکنید و حریم آنها را حلال نشمارید.

ب) احترام ماه‌های حرام را ننگه دارید و از جنگ کردن در این ماه‌ها بپرهیزید.

ج) قربانی‌هایی را که برای حج می‌آورند، اعم از بی‌نشان یا نشاندار، حلال نشمارید. بلکه بگذارید به قربانگاه برسند و در آنجا قربانی شوند.

د) مزاحم زائران خانه خدا نشوید؛ چه، کسانی که برای خشنودی خدا به زیارت آمده‌اند و چه، آنانی که برای به دست آوردن سود تجاری آمده‌اند. تمام مسلمانانی که زائر خانه خدایند، در امنیت به سر می‌برند.

ه) ممنوعیت شکار و صید، ویژه زمان احرام است. پس هنگامی که

از لباس حج یا عمره (لباس احرام) بیرون آمدید، شکار کردن برای شما مجاز است.

و) ایجاد مزاحمت گروهی از بت پرستان در دوران جاهلیت و یا در جریان صلح حدیبیه، نباید سبب شود که بعد از مسلمان شدن آنها، بار دیگر کینه‌های دیرین را زنده کنید و مانع زیارت آنها شوید.

ز) در راه انجام دادن نیکی و پارسایی، با همدیگر همکاری کنید؛ نه برای انجام دادن گناه و تجاوز.

ح) خودتان را از عذاب خدا حفظ کنید که مجازات خدا شدید است.
۲. در این آیه به برخی از محرمات احرام اشاره شده است اما موارد کامل آن از آیات و احادیث استفاده می‌شود که عبارت‌اند از:

شکار کردن، جماع کردن، عقد کردن زن، استمناء، استعمال عطر، سرمه به چشم کردن، پوشیدن لباس دوخته برای مردان، نگاه به آینه، فسوق، جدال، کشتن جانوران ساکن بدن، انگشتر به دست کردن به منظور زینت، پوشیدن زینت آلات، روغن مالی، کندن موی بدن، پوشاندن سر برای مردان، پوشاندن صورت برای زنان، زیر سایه رفتن برای مردان، خون انداختن بدن، ناخن گرفتن، کندن دندان، کندن درخت یا گیاه حرم، برداشتن سلاح.^۱

۳. واژه «هَدَی» جمع هدیه است و در اینجا به معنای چهارپایانی است که برای قربانی به مکه می‌برند و «قَلَائِد» جمع «قَلَادَه» به معنای چیزی است که به گردن انسان یا حیوانی می‌اندازند و در اینجا مقصود چهارپایانی است که برای قربانی در مراسم حج، نشانه‌گذاری می‌شوند.^۲

۱. مناسک حج، امام خمینی، صص ۷۷ - ۱۰۰.

۲. تفسیر نمونه، ج ۴، صص ۲۴۷ و ۲۴۸.

۴. تمام زائران خانه خدا در انجام دادن مراسم حج، از آزادی و امنیت کامل برخوردارند و هیچ امتیازی در این مورد برای قبیله، نژاد و زبان مختلف نیست. البته این حکم مخصوص مسلمانان است.^۱

۵. مراسم حج آن قدر اهمیت و حرمت دارد که حتی حیوانات نشاندار و بی نشان که برای مراسم قربانی حج برده می شوند، محترم اند و نباید به آنان بی حرمتی شود.

۶. حج می تواند راهی برای تحصیل منافع دنیا و آخرت باشد. پس تجارت همراه سفر حج اشکالی ندارد.

۷. نفی کینه توزی^۲ در آیه مذکور در مورد زیارت کعبه است،^۳ اما در حقیقت قانونی کلی از آن استفاده می شود که مسلمانان نباید کینه توز باشند و درصدد انتقام اعمال گذشته دیگران برآیند. این دستور اسلامی از شعله ور شدن آتش نفاق میان مسلمانان جلوگیری می کند.

آموزه ها و پیام ها

۱. هر چه در مسیر الهی قرار می گیرد محترم است؛ اعم از شعارهای الهی، راهیان خانه خدا، ماه های حرام و حتی حیواناتی که در این مسیر قربانی می شوند.

۱. با توجه به آیه ۲۸ سوره توبه، این حکم شامل غیرمسلمانان نمی شود.

۲. واژه «جَرَم» در اصل به معنای قطع کردن میوه های نامناسب از درخت است و به هر کار ناخوشایندی نیز گفته می شود؛ همان طور که به وادار کردن کسی به کار ناخوشایند نیز گفته می شود. پس «لَا یَجْرِمَنَّكُمْ» یعنی کسی شما را به کار خلاف وادار نکند.

۳. این مسئله در هنگام نزول آیه، یعنی در آستانه غروب آفتاب عمر پیامبر ﷺ، اهمیت فراوانی داشت.

۲. برای رشد فضایل و حفظ خودتان از زیان گناه، زمینه‌های تقوا و نیکی را با همکاری و تعاون فراهم کنید.
۳. خلافکاری دیگران، شما را به خلافکاری و انتقام و کینه‌توزی نکشاند.
۴. تقوا و نیکوکاری، زیرساخت‌های تعاون و همکاری است.
۵. به دیگران در گناهکاری و تجاوزگری کمک نکنید که گرفتار عذاب شدید می‌شوید.
۶. جامعه اسلامی باید طوری ساخته شود که نیکوکار تنها نباشد. ولی باید ستمگران و گناهکاران بی‌یاور بمانند تا فضایل رشد کند و ریشه فساد از بُن کنده شود.^۱

طواف

﴿ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُدُورَهُمْ وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾ (حج: ۲۹)

سپس، باید آلودگی‌هایشان را برطرف سازند و باید به نذرهایشان وفا کنند و باید بر خانه باستانی (کعبه) طواف نمایند.

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. واژه «تَفَثٌ» به معنای کثافات و زواید بدن، همچون موهای اضافی و ناخن‌هاست که در اینجا اشاره به عمل «تقصیر» است که حاجیان پس از انجام دادن اعمال دیگر حج، قسمتی از ناخن یا موی خود را کوتاه می‌کنند یا در برخی موارد موی سر را می‌تراشند و بدین ترتیب اعمال

۱. تفسیر نور، ج ۳، ص ۱۴.

حج آنان پایان می‌گیرد و از احرام خارج می‌شوند. در برخی از احادیث نیز به این مطلب اشاره شده است.^۱

در برخی احادیث تَفَث را اشاره به ملاقات امام عَلَيْهِ السَّلَام دانسته‌اند.^۲ البته این تفسیر، بیان باطن آیه است؛ یعنی انسان در پایان مراسم حج، آلودگی‌های ظاهری بدن را پاک می‌کند و سپس به ملاقات امام خویش می‌رود تا از آلودگی‌های اخلاقی و جهل‌رهای یابد.^۳

۲. واژه «عَتِيق» یا به معنای قدیمی و باستانی است یا به معنای گرامی و بارزش و یا به معنای آزاد شدن. خانه کعبه را عتیق می‌گویند، زیرا باستانی و بارزش است و در طول تاریخ از قید ملکیت دیگران و سیطره جباران آزاد بوده است.

۳. طواف آن است که حاجیان هفت بار به دور کعبه می‌چرخند. در حج دو طواف، به نام‌های طواف زیارت و طواف نساء وجود دارد. مقصود از طواف در این آیه، یا طواف مطلق است که شامل طواف زیارت و طواف نساء می‌شود یا مقصود طواف نساء است؛ یعنی آخرین طوافی که در اعمال حج وجود دارد. البته در احادیث اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام به معنای دوم تفسیر شده است.^۴

۱. رک: المفردات فی غریب القرآن، ص ۱۶۵؛ کنز العرفان، ج ۱، ص ۲۷۰؛ مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۳۱؛ التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۱، ص ۳۸۸؛ قاموس قرآن، ج ۱، ص ۲۷۷؛ لسان العرب، ج ۲، ص ۱۲۰.

۲. کافی، ج ۴، ص ۵۴۹؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۸۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۲۱؛ تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۷۷.

۳. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۸۷.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۹۹. این تفسیر از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام و امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام حکایت شده است.

۴. مقصود از وفای به نذر در این آیه، یا تمام مناسک حج است^۱ و یا آن است که حاجیان در هنگام انجام دادن مراسم حج به یاد نذرهای خود باشند؛ چراکه برخی از مردم قبل از حج، نذرهای متعددی همچون قربانی اضافی، صدقه یا کار خیر می‌کنند، ولی پس از رسیدن به مقصد فراموش می‌کنند. قرآن تأکید می‌کند که نذرهای خود را فراموش نکنید.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. حاجیان از فرصت حج استفاده کنند و اعمال خویش را تکمیل نمایند و نذرهای خود را فراموش نکنند.
۲. حج، زمان پاک شدن و ادای تکالیف و طواف است. گفتنی است در آیه ۱۲۵ سوره بقره نیز به طواف اشاره شده است که تفسیر آن در فصل چهارم، ذیل مبحث کعبه، خواهد آمد.

سعی بین صفا و مروه

﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ﴾. (بقره: ۱۵۸)

به راستی که [کوه] «صفا» و «مروه» از نشانه‌های خداست. پس کسی که خانه [خدا] را حج کند یا عمره به جا آورد، هیچ گناهی بر او نیست که به [میان] آن دو، سعی (رفت و آمد) کند و کسی که [فرمان خدا را در انجام دادن کار] نیک بپذیرد، در حقیقت، خدا سپاسگزار داناست.

۱. رک: کافی، ج ۴، ص ۵۴۹؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۸۵؛ تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۷۶.

شأن نزول

اصل اعمال حج، یادگار حضرت ابراهیم علیه السلام است. پیش از ظهور اسلام و مقارن آن، مشرکان نیز برای انجام دادن حج به مکه می آمدند؛ ولی مراسم عبادی آنان با خرافات و شرک آمیخته بود.

مشرکان در عصر جاهلیت در بالای کوه «صفا»، بُتی به نام «أساف» و بر کوه «مروه»، بُتی به نام «نائله» نصب کرده بودند که در هنگام پیاده روی و سعی بین صفا و مروه، دست خود را به این دو بُت می کشیدند و تبرک می جستند. مسلمانان به سبب این موضوع، میل نداشتند که سعی بین صفا و مروه را انجام دهند و می پنداشتند که در این اوضاع، سعی بین صفا و مروه کار صحیحی نیست. آن گاه آیه فوق نازل شد و به آنان اعلام کرد که صفا و مروه از نشانه های خداست و آلوده شدن آن با بت ها، مجوز ترک عمل حج برای مسلمانان نیست.^۱

نکته ها و اشاره ها

۱. «صفا» به معنای سنگ محکم و صافی است^۲ که با شن و خاک آمیخته نباشد و «مروه» به معنای سنگ سفید براق یا سنگ محکم و خشن است. ولی اکنون صفا و مروه، نام دو کوه کوچک در مکه است که در ضلع شرقی مسجدالحرام قرار دارند و فاصله آنها حدود ۴۲۰ متر است.

۲. «شعائر» به معنای علامت هایی است که انسان را به یاد خدا

۱. اسباب النزول، ص ۲۷؛ تفسیر صافی، ج ۱، ص ۱۸۷.

۲. واژه «صفا» در اصل به معنای «خالص بودن هر چیز از آمیختگی هاست» و به سنگ خالص که گل و خاک نداشته باشد نیز صفا می گویند. ولی اکنون نام کوهی در مکه است.

می‌اندازد و خاطرات مقدسی را در نظرها تجدید می‌کند. مراسم حج در حقیقت، یک دوره کامل از صحنه‌های مبارزات ابراهیم علیه السلام و منزلگاه‌های توحید، بندگی و اخلاص را در خاطره‌ها مجسم می‌سازد.

صفا و مروه نیز یادگار فداکاری ابراهیم علیه السلام در گذاشتن هاجر و اسماعیل در بیابان‌های بی‌آب و علف مکه بود؛ آن هنگام که هاجر تشنه‌کام، به دنبال آب، از پی سراب، هفت بار بین کوه صفا و مروه رفت و آمد کرد و آبی به دست نیاورد. ولی نزدیک پای اسماعیل چاه زمزم پیدا شد و مادر و کودک از آب آن نوشیدند. دیدن صفا و مروه حضور در صحنه تاریخ و کلاس خداشناسی است.

آری، کوه صفا و مروه به ما می‌آموزد که برای احیای نام حق و اعتلای آیین او پایداری کنیم و به لطف و احسان خداوند امیدوار باشیم.

۳. واژه «لَا جُنَاحَ» به این معناست که مانعی ندارد بین کوه صفا و مروه، سعی کنید. اما در حقیقت، این عمل در حج، واجب است؛ چراکه با توجه به شأن نزول که بیان شد، این تعبیر برای برطرف کردن کراهت است.

۴. اگر نادانان، مراکز حق را با خرافات آلوده کردند، نباید از آن دست کشید. بلکه باید با حضور در آنجا و برگزاری مراسم عبادی، آن مکان‌ها را پاکسازی و دست گروه منحرف را از آن کوتاه کرد.

۵. تعبیر «شاکر» به لطف خدا اشاره دارد که به انسان، نیرو و امکانات انجام دادن کار نیک را می‌بخشد و بعد از انجام دادن آن، از انسان تشکر می‌کند. وقتی که خداوند در برابر اعمال بندگان سپاسگزاری می‌کند، تکلیف مردم در برابر هم و در برابر خدا روشن می‌شود.

۶. مقصود از پذیرفتن دستورهای الهی و انجام دادن کار نیک، هرگونه عمل مستحبی، مثل حج و عمره مستحبی، یا پذیرفتن اعمال نیکی است که بر انسان مشکل است؛ همچون سعی بین صفا و مروه که بر مسلمانان صدر اسلام مشکل بود.^۱

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. در صفا و مروه، فقط سنگ و کوه را نبینید، بلکه به پیام الهی آنها توجه کنید که از علامت‌های الهی است.

۲. به سبب خلافکاری دشمنان، دست از علامت‌های الهی، به ویژه در حج، برندارید.

۳. در حج و عمره، دست از سعی صفا و مروه برندارید.

۴. سپاسگزاری در برابر کارهای نیک دیگران را از خدا بیاموزید.

اسرار صفا و مروه در آیینه احادیث

۱. در صفا و مروه، هاجروار به دنبال مونس و دوست باشید. در احادیث است که ابراهیم به دستور الهی، همسرش هاجر و کودکش اسماعیل را در سرزمین خشک مکه رها کرد و رفت. اسماعیل تشنه شد و هاجر در پی آب برآمد و نخست بالای کوه صفا رفت و صدا زد: «هل بالوادی من أنیس؟» «آیا در این سرزمین، مونس و همدمی هست؟» سپس به مروه رفت و این حرکت را هفت بار انجام داد. سپس به سراغ

۱. واژه «تطوع» در لغت به معنای «قبول دستور» است. ولی در عرف فقها به اعمال مستحبی گفته می‌شود. ولی احتمال می‌رود که این جمله، تکمیل جمله‌های قبلی آیه باشد؛ ر.ک:

کودک آمد و دید او با پای خود زمین را ساییده و چشمه زمزم هویدا شده است.^۱

آب کم جوی تشنگی آور به دست تا بجوشد آبت از بالابو پست

۲. در صفا و مروه، ابراهیم وار به شیطان حمله ور شوید. در احادیث آمده است که شیطان خود را به ابراهیم علیه السلام نمایاند و ابراهیم از دست او گریخت تا با وی هم سخن نشود.^۲ در برخی روایات دیگر آمده است که ابراهیم به دستور جبرئیل بر او حمله ور شد و شیطان گریخت.^۳ از این رو دویدن (هروله) بین صفا و مروه مرسوم شد.

۳. دویدن (هَرَوْلَه) بین صفا و مروه، فرار از هوای نفس و زیر پا نهادن غرور آدمی است.^۵

۴. هروله موجب خواری متکبران است. امام صادق علیه السلام فرمود: «هیچ محل عبادتی نزد خدا، دوست داشتنی تر از محل سعی نیست؛ چراکه در این مکان هر متکبر سرکشی خوار می شود».^۶

۵. دویدن برای مردان مستحب است. اما برای زنان مستحب نیست.^۷ شاید

۱. علل الشرایع، ص ۴۳۲؛ بحارالانوار، ج ۹۹، صص ۲۳۳ و ۲۳۴.

۲. بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۲۳۷.

۳. همان، ص ۲۳۴. البته جمع بین دو روایت ممکن است؛ چراکه شاید ابراهیم یک بار از دست شیطان گریخته است. سپس به دستور جبرئیل بر او حمله ور شده و این بار شیطان گریخته است.

۴. در بخشی از مسیر بین صفا و مروه که امروزه به وسیله ستون های سبز رنگ مشخص شده است، مستحب است که مردان به صورت آرام بدونند که به این عمل «هروله» می گویند.

۵. عن الصادق علیه السلام: «و هرول هروله هرباً من هواك و تبرأ من حولك و قوتك»؛ بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۲۴.

۶. علل الشرایع، ص ۴۳۳؛ بحارالانوار، ج ۹۹، صص ۲۳۴ و ۲۳۵.

۷. عن النبي صلی الله علیه و آله: «ليس على النساء هرولة بين الصفا و المروة»؛ ر.ک: خصال، ج ۲، ص ۲۸۷.

حکمتش این است که با توجه به حضور همزمان زنان و مردان در حال سعی، دویدن بانوان گاهی موجب تحریک مردان می‌شود و تأثیر منفی بر فضای معنوی سعی صفا و مروه می‌گذارد.

۶. سعی بین صفا و مروه، حرکت بین خوف و رجا (ترس و امید) است؛ یعنی انسان سعی‌کننده از طرفی به رحمت و آمرزش الهی امید دارد و از طرف دیگر، از عملکرد گذشته و حسابرسی و عذاب الهی هراسان است. «شبلی» از امام سجاده علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمود: «آیا [در صفا و مروه] نیت کردی که تو بین خوف و رجایی؟» گفت: «نه». حضرت فرمود: «پس سعی صفا و مروه نکرده‌ای».^۱

آیت‌الله جوادی در این باره می‌نویسد: «مؤمن همواره بین خوف و رجا به سر می‌برد؛ گرچه شدت و ضعف آن دو در مقاطع مختلف زندگی او متفاوت است و این سرّ در سعی بین صفا و مروه جلوه‌گر است».^۲

۷. با حرکت به سوی صفا، گام جای گام رسول‌الله صلی الله علیه و آله می‌نهییم و او را الگوی خویش قرار می‌دهیم.

امام صادق علیه السلام درباره آداب سعی فرمود: «برای حرکت به سوی صفا و مروه از در مقابل حجرالاسود خارج شوید که پیامبر صلی الله علیه و آله از آن خارج می‌شد».^۳

۸. با آرامش و وقار به سوی صفا حرکت کنید^۴ و شتاب نورزید. شاید حکمتش آن باشد که آرامش و سنگینی در حرکت، زمینه‌ساز

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۶۶.

۲. صهبای حج، ص ۴۰۱.

۳. کافی، ج ۴، ص ۴۳۱؛ التهذیب، ج ۵، ص ۱۴۵.

۴. همان.

حضور قلب و تفکر و توجه بیشتر به خداست و شتاب در جمعیت، موجب آزار دیگران می‌شود.

۹. از کوه صفا بالا روید تا صفا یابید و مصفاً شوید. کعبه را ببینید و به یاد معبود باشید. همچنین حمد و ثنای الهی بگویید تا سپاسگزار باشید.

نعمت‌های الهی را بر خود، تا حد امکان برشمارید تا خداشناس‌تر شوید. هفت بار تکبیر بگویید و بزرگی معبود را یادآوری کنید و هفت بار حمد و لا اله الا الله گویند و موحدی سپاسگزار باشید. آن‌گاه بر پیامبر ﷺ درود بفرستید^۱ و از او تشکر کنید که موجب هدایت ما شد تا از نعمت حج بهره ببریم.

۱۰. توقف بر صفا، صفا می‌آورد. امام صادق علیه السلام فرمود: «توقف بر صفا، زمینه‌ساز صفای روح برای ملاقات الهی در رستخیز است».^۲

۱۱. توقف طولانی بر صفا و مروه موجب برکت مالی می‌شود. امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکس می‌خواهد ثروتش فراوان شود، بر کوه صفا و مروه زیاد توقف کند».^۳ همچنین حضرت فرمود: «پیامبر ﷺ به اندازه قرائت سوره بقره، بر کوه صفا توقف می‌کرد».^۴

۱۲. پیامبر ﷺ فرمود: «سعی بین صفا و مروه، موجب پاکی از گناهان می‌شود».^۵

۱. کافی، ج ۴، ص ۴۳۱؛ التهذیب، ج ۵، ص ۱۴۵.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۷۳.

۳. کافی، ج ۴، ص ۴۳۳؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۰۹؛ تهذیب، ج ۵، ص ۱۴۷.

۴. کافی، ج ۴، ص ۴۳۱؛ تهذیب، ج ۵، ص ۱۴۵.

۵. تهذیب، ج ۵، ص ۱۹؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۰۸.

۱۳. امام سجاده علیه السلام فرمود: «سعی بین صفا و مروه، موجب شفاعت فرشتگان می شود».^۱

۱۴. ثواب سعی بین صفا و مروه، به اندازه حج پیاده و آزادی هفتاد بنده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله به یکی از انصار فرمود: «سعی بین صفا و مروه، پاداش حج پیاده و آزاد کردن هفتاد بنده دارد».^۲

۱۵. صفا یادگار آدم، و مروه یادگار حواست.^۳ انسانی که به صفا و مروه می رود، یادی از پدر و مادر نخستین خویش می کند و تأملی در هبوط آدم و حوا و عوامل آن می کند و عبرت می آموزد.

۱۶. مروه را همچون صفا گرامی بداریم که اسراری مشابه دارند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگامی که به مروه می رسید، همان کارهایی را انجام می داد که بر صفا انجام داده بود.^۴

۱۷. در مروه، جوانمردی و مروت را تمرین کنید. امام صادق علیه السلام فرمود: «با رسیدن به مروه، مروت و جوانمردی را برای خدا پیش گیر و صفات [بد] خویش را از میان بردار».^۵

آیت الله جوادی آملی می نویسد:

سعی زائر آن گاه که رو به جانب صفا دارد، این است که خود را

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۰۸.

۲. محاسن، ص ۶۵؛ بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۳۶.

۳. صفا محل هبوط آدم، و مروه محل هبوط حواست؛ ر.ک: بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۳۳.

۴. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۸۸۶؛ ترمذی، ج ۳، ص ۲۱۶؛ الحج و العمرة فی الكتاب والسنة،

محمدی ری شهری، ص ۱۸۳.

۵. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۷۳.

تصفیه کرده، از صفای الهی برخوردار شود و وقتی به سوی مروه می‌رود، سعی می‌کند تا مروت و مردانگی به دست آورد؛ زیرا مروه رمز مروت و مردانگی و صفا، نشانه تصفیه و تهذیب روح است... سرّ این کار، همان‌گونه که بیان شد، آن است که انسان به صفا برسد و به مروت و مردانگی باریابد. انسان جوانمرد، دیگر دست به کار ذلیلانه دراز نمی‌کند چنان‌که سرور آزادگان امام حسین علیه السلام...^۱

۱۸. قبل از رسیدن به مروه پاک شوید. امام صادق علیه السلام فرمود: «آن‌گونه باش که چون به مروه رسی، خدا تو را پاک و پاکیزه ببیند».^۲ شاید این مطلب اشاره به آن باشد که در اعمال قبل از مروه، مثل احرام، طواف و سعی، باید آن‌قدر استغفار کنیم تا خدا ما را ببخشد و از گناهان پاک کند و پس از آن راهی مروه شویم.

وقوف در عرفات و مشعر و منا

یاد خدا در عرفات و مشعر

﴿لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَفْضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ﴾ (بقره: ۱۹۸)

هیچ گناهی بر شما نیست که [در موسم حج، روزی و] بخششی از پروردگارتان بجویید و هنگامی که از «عرفات» روانه شدید، خدا را در

۱. صهبای حج، ص ۴۰۲.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۷۳.

«مشعرالحرام» یاد کنید و او را یاد کنید همان گونه که شما را راهنمایی کرد و [شما] پیش از آن، بی شک از گمراهان بودید.

شأن نزول

درباره بخش نخست آیه حکایت شده است که مردم در زمان جاهلیت، معامله، تجارت، حمل مسافر و بارکشی را در موسم حج، حرام و گناه می دانستند. آنها خیال می کردند اگر کسی هنگام مراسم حج چنین کارهایی کند، حج او باطل می شود. از این رو مسلمانان منتظر بودند که بدانند آیا احکام جاهلی همچنان باقی می ماند، یا اسلام آنها را بی ارزش اعلام می کند.

آیه فوق نازل شد و توهم جاهلی «گناه بودن معامله در موسم حج» را نادرست خواند و اعلام کرد که در موسم حج، معامله و تجارت هیچ اشکالی ندارد که مردم از بخشش خدا استفاده کنند و سودی به دست آورند.^۱

نکته‌ها و اشاردها

۱. عرفات بیابان وسیعی است در حدود بیست کیلومتری مکه که حاجیان از ظهر تا غروب روز نهم ذی الحججه برای انجام دادن مرحله‌ای از حج در آنجا می مانند. واژه «عرفات» در اصل به معنای شناخت و عرفان است. در مورد نامگذاری این بیابان به عرفات، احتمالات متعددی بیان شده است؛ از جمله اینکه وقتی پیک وحی، اعمال حج را به ابراهیم علیه السلام نشان داد، ابراهیم به او گفت: «عَرَفْتُ»؛ «شناختم». همچنین این سرزمین، محیط بسیار آماده‌ای برای معرفت خدا و شناسایی ذات

۱. اسباب النزول، ص ۳۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۵؛ مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۹۴.

پاک اوست و آن جذبه روحانی و معنوی که انسان به هنگام ورود به این سرزمین پیدا می‌کند، وصف‌ناپذیر است.^۱

۲. «مَشْعَرُ الْحَرَامِ» از ماده «شعور»، نام سرزمینی است در حدود چهارده کیلومتری مکه که حاجیان شب دهم ذی‌الحجه را در آنجا می‌گذرانند. درباره نامگذاری آن گفته‌اند که آنجا مرکزی برای شعائر حج و نشانه‌ای از این مراسم عظیم و پرشکوه است.

برخی هم با توجه به ریشه لغوی آن که از ماده شعور است، معتقدند انسان در آن شبِ روحانی، روی ماسه‌های آن بیابان، چشمه‌های تازه‌ای از اندیشه و شعور را درون خود احساس می‌کند.^۲

۳. حج دارای فلسفه و حکمت‌های متعددی، از جمله فلسفه اخلاقی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است. قرآن کریم در آیه مذکور به فلسفه اقتصادی حج اشاره می‌کند. مسلمانان از نقاط مختلف دنیا به سوی خانه خدا حرکت می‌کنند و کنگره عظیم حج را تشکیل می‌دهند. این امر می‌تواند پایه و اساسی برای جهش اقتصادی مسلمانان باشد.

در موسم حج، مکه مرکز مبادلات تجاری می‌شود و مغزهای متفکر اقتصادی مسلمانان در آنجا جمع می‌شوند تا با همفکری و همگامی پایه محکمی برای اقتصاد جوامع اسلامی بریزند و مسلمانان را از دشمنان بی‌نیاز گردانند.

۴. اعمال حج و ذکرهای آن باید مطابق دستور الهی باشد. شکرانه

۱. ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲، صص ۳۴ و ۳۵.

۲. همان.

نعمت هدایت، آن است که انسان قدر هدایت و نجات از گمراهی را بداند و طبق آن راهبرد عمل کند.^۱

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. حج دارای ابعاد اقتصادی و معنوی است. پس از هر دو بُعد اقتصادی و معنوی حج بهره بجوید.
۲. مراسم حج را طبق رهنمون‌های الهی انجام دهید.
۳. در هنگام حج، معرفت عرفاتی را با شعور مشعری پیوند دهید.

یک‌رنگی با مردم در حرکت حاجیان به سوی منا

﴿ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾

(بقره: ۱۹۹)

سپس از جایی که مردم روانه می‌شوند، [به سوی منا] روانه شوید و از خدا آمرزش بخواهید که خدا بسیار آمرزنده مهرورز است.

شأن نزول

حکایت شده است که قریش خود را فرزندان ابراهیم عليه السلام و سرپرستان خانه کعبه می‌دانستند و در اصطلاح، به خود «حُمَس»^۲، به معنای «سخت‌کیش» می‌گفتند. آنان برای مردم دیگر، مقامی مثل مقام خویش قائل نبودند و می‌گفتند ما نباید احترام چیزهایی را که بیرون از حریم مکه است، بر احترام آنچه در حریم مکه است، ترجیح دهیم و اگر چنین کنیم، عرب برای ما ارزشی قائل نخواهد شد. از این‌رو در عرفات که از

۱. واژه «کما» در این آیه، به معنای «لما» یا به معنای «مثل» است.

۲. «حُمَس» به معنای افرادی که در دین محکم‌اند (سخت‌کیش) آمده است.

محیط حرم مکه بیرون است، نمی ماندند؛ با آنکه می دانستند جزو وظایف حج و آیین ابراهیم علیه السلام است.^۱

قرآن بر این امتیاز توهمی قریش، خط بطلان کشید و به آنان دستور داد که در حج، همچون مردم، حرکت کنند.

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. حج مظهر برابری و یکرنگی است و همه افراد باید مثل هم، مراسم حج را به جا آورند. پس امتیازطلبی به وسیله نام و رسم، ممنوع است.
۲. واژه «افاضه» که در این آیه دو بار به کار رفته است، به معنای حرکت دسته جمعی است؛ یعنی از همان جایی حرکت کنید که همه مردم حرکت می کنند. پس حرکت دسته جمعی در حج ارزشمند و مطلوب است.
۳. خداوند در این آیه به مردم دستور می دهد که از خدا طلب بخشایش کنید؛ زیرا در این صورت، روح انسان با توبه شست و شو می یابد و گناهانش بخشوده می شود. استغفار مانع ناامیدی انسان است؛ به ویژه اگر بدانیم برابر خدایی خطاپوش، مهربان و بخشاینده ایستاده ایم و استغفار می کنیم.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. از حج درس یکرنگی با مردم و آموزش خواهی بیاموزید.
۲. حج مظهر هماهنگی و جمع گرایی است.
۳. از فرصت حج برای آموزش گناهانتان استفاده کنید.

اسرار و معارف توقف در عرفات

اسرار عرفات

۱. شناخت خود: در قرآن کریم فقط یک بار نام «عرفات» در آیه ۱۹۹ سوره بقره آمده است. «در این سرزمین خاطره‌انگیز که گویا دریچه‌ای به جهان ماورای طبیعت در آن گشوده شده، انسان نه تنها از نشئه عرفان پروردگار سرمست می‌شود و لحظه‌ای با زمزمه تسبیح عمومی خلقت هماهنگ می‌گردد، بلکه خودش را هم که عمری است گم کرده و به دنبالش می‌گردد، پیدا می‌کند و به حال خویشتن عارف می‌گردد و می‌داند او آن کسی نیست که شب و روز در تلاش معاش، حریصانه، کوه و صحرا را زیر پا می‌گذارد و هر چه می‌یابد، عطشش فرو نمی‌نشیند. می‌یابد گوهر دیگری درون جان او نهفته است که او در حقیقت همان است. آری این سرزمین را عرفات می‌نامند»^۱.

۲. وقوف در عرفه برای نفی امتیازات موهوم است.

در جاهلیت، قبیله قریش، امتیازات نادرستی برای خود قائل بودند و برای خود مقامی قائل بودند که برای هیچ‌یک از اعراب قائل نبودند. آنان خود را «حُمس» (بر وزن حُمس) معرفی می‌کردند؛ یعنی کسی که در دین خود محکم و پابرجاست و به عنوان فرزندان ابراهیم و سرپرستان خانه کعبه، خود را از همه برتر می‌شمردند. از این رو می‌گفتند: ما نباید در مراسم حج، به عرفات برویم؛ زیرا عرفات از حرم مکه بیرون است؛ درحالی‌که می‌دانستند وقوف در عرفات جزئی از

مراسم حج ابراهیمی است. قرآن کریم در آیات فوق خط بطلان بر این اوهام کشید و به مسلمانان دستور داد که همه با هم در عرفات، توقف (وقوف) کنند.^۱

۳. درس اتحاد و یگانگی: واژه «افاض» از ماده فیض در اصل به معنای جریان و ریزش آب است؛ از آنجا که حرکت سریع و دسته جمعی مردم از جایی به نقطه دیگر، بی شباهت به حرکت نهر جاری نیست، این تعبیر به کار می‌رود.^۲

قرآن به مردم دستور می‌دهد که همگی بدون استثنا نخست به عرفات بروند. آن‌گاه به مشعرالحرام، و سپس به سرزمین منا کوچ کنند. در واقع، این اشاره لطیفی به وحدت امت اسلامی است که هماهنگ در مسیری که خدا فرموده است، حرکت کنند.

اسرار عرفات در آیینه روایات

۱. رمز وقوف در عرفه چیست؟

شخصی از پیامبر ﷺ پرسید که چرا در عصر روز نهم ذی‌الحجه، توقف در عرفات قرار داده شد؟ حضرت فرمود:

آن عصر، ساعتی است که آدم پروردگار را نافرمانی کرد. پس خدا بر امت من مقرر کرد که در آن ساعت در بهترین مکان توقف کنند و زاری و دعا نمایند و بهشت را برای آنان آماده نمود و ساعتی که مردم از عرفات خارج می‌شوند، ساعتی است

۱. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۶۲؛ صهبای حج، ص ۴۱۳.

۲. همان.

که آدم عَلَيْهِ السَّلَام کلمات [ویژه توبه] را از پروردگار دریافت کرد و توبه او پذیرفته شد.^۱

۲. عرفات معادل حج است.

در احادیث است که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سه بار فرمود: «الحج عرفات»^۲. این مطلب، جایگاه بلند عرفات را در اعمال حج روشن می‌سازد که توقف در این سرزمین معادل کل حج است. شاید حکمتش آن است که دعا، آمرزش الهی، کمال و رشد انسان در این سرزمین به صورت ویژه تحقق می‌یابد.

البته ممکن است این مطلب، اشاره به حکم فقهی عرفات نیز باشد که عرفات از ارکان حج است و هرکس آن را عمدی ترک کند، حج او باطل است.^۳

آیت‌الله جوادی آملی در این باره می‌نویسد: «حج به سبب آگاهی خاصی که جز در عرفات در جای دیگر یافت نمی‌شود^۴، موجب تعالی و نیل انسان به اوج قله عالم امکان، یعنی خُلُق عظیم است». سپس سرّ این مطلب را در دعاهای عرفه می‌دانند.^۵

۳. خدا به اهل عرفه مباحثات می‌کند.

در احادیث از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است که خدا در عصر عرفه به خاطر

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۳، باب ۱۹، ح ۸، چاپ جدید.

۲. سنن ترمذی، ج ۵، ص ۲۱۴ و ج ۳، ص ۲۳۷ محجة البیضاء، ج ۲، ص ۲۰۴؛ الحج و العمرة فی الكتاب والسنة، ص ۱۸۹ - ۱۹۰.

۳. ر.ک: مناسک حج، امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ با حواشی مراجع عظام، مسئله ۹۶۳.

۴. «الحج عرفة»؛ محجة البیضاء، ج ۲، ص ۲۰۴.

۵. صهبای حج، ص ۴۲۳.

اهل عرفه به فرشتگان خود مباحثات می‌کند و می‌فرماید: «به بندگانم بنگرید که ژولیده و غبارآلود به سوی من آمده‌اند»^۱.

آری، آن حاجی که برای رسیدن به دوست، سر از پا نمی‌شناسد و در آن بیابان، گردآلود و ژولیده می‌شود و به زبان حال می‌گوید هرچه از دوست رسد نیکوست، خدا نیز او را دوست می‌دارد و با همین حالت ژولیده، وی را به بارگاه قدس خویش می‌پذیرد.

۴. دعای شما در اینجا مستجاب است.^۲

پیامبر ﷺ فرمود: «اگر بنده خدا در عرفات پس از دعا و ذکر از خدا درخواست کند که شفاعت اهل مواقف (عرفات، مشعر و منا) را بکند، شفاعت او پذیرفته می‌شود».^۳

در حدیث دیگری است که امام سجاد علیه السلام به گدایی که در روز عرفه تکدی می‌کرد، فرمود: «وای بر تو! آیا در چنین روزی، دست نیاز به سوی غیرخدا دراز می‌کنی. در این روز، برای کودکان در رحم مادر، امید سعادت می‌رود». همچنین در حدیث دیگری، امام سجاد علیه السلام فرمود: «کسانی که در چنین زمان و مکانی (عرفه) دست نیاز به سوی دیگران دراز کنند، بدترین انسان‌ها هستند».^۴

۵. سرزمین عرفه، مکان نومیدی نیست.

در روایت است که امام علی علیه السلام از پیامبر ﷺ پرسید: «ای رسول خدا!

۱. بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۳.

۲. کافی، ج ۴، ص ۲۶۱؛ بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۳.

۳. شعب الایمان، ج ۳، ص ۴۶۳؛ کنز العمال، ج ۵، ص ۷۴.

۴. بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۶۱.

کدام یک از اهل عرفات، جرم بزرگی دارد؟ حضرت فرمود: «کسی که از عرفات بازگردد، در حالی که یقین^۱ دارد که بخشوده نشده است». امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «یعنی از رحمت الهی مأیوس شود».^۲

این سرزمین محل بخشایش گناهان است. حتی پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «برخی گناهان جز در عرفات، بخشوده نمی شود».^۳ همچنین فرمود: «هیچ روزی مثل عرفه نیست؛ زیرا بیشترین افراد در این روز از آتش نجات می یابند».^۴

در حدیث دیگری، امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکس در ماه رمضان بخشوده نشد، تا ماه رمضان سال بعد آمرزیده نمی شود؛ مگر آنکه در عرفات حاضر شود».^۵

آری در عرفات، نه تنها حاجیان در لحظات آغازین عرفات بخشوده می شوند و مشمول رحمت الهی می گردند.^۶ بلکه خانواده و همشهریان آنان نیز بخشوده می شوند. امام صادق علیه السلام فرمود:

هیچ مرد مؤمنی از اهل هر روستا و شهری که باشد، در عرفات وقوف نکند جز آنکه خدا اهالی مؤمن آن محل را ببخشد و هیچ مرد مؤمنی از خانواده باایمان در عرفات وقوف نکند، مگر آنکه خدا مؤمنان از آن خاندان را بیامزد.^۷

۱. واژه «ظن» اگر با «آن» همراه شود به معنای یقین است؛ ر.ک: مفردات راغب، ماده «ظن».

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۱۱؛ کافی، ج ۴، ص ۵۴۱.

۳. الجعفریات، ص ۶۵؛ دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۹۴ از امام علی علیه السلام.

۴. السنن الکبری، ج ۵، ص ۱۹۲.

۵. کافی، ج ۴، ص ۶۶.

۶. اخبار مکه، فاکهی، ج ۵، ص ۱۵.

۷. وافی، ج ۲، ص ۴۲.

۶. سرّ توقف در عرفات شناخت معارف و علوم الهی است.
 شبلی از امام سجاده علیه السلام نقل می‌کند: «هل عرفت بموقفك بعرفة معرفة الله سبحانه امر المعارف والعلوم».^۱ آیا با توقف در عرفه، حق معرفت و شناسایی خدا را به دست آوردی و پی به معارف و علوم الهی بردی؟
 آیت‌الله جوادی آملی در این زمینه می‌گوید:

وقوف در عرفات برای آن است که انسان به معارف و علوم دینی واقف گردد و از اسرار الهی نظام آفرینش با خبر شود. بداند که خداوند به همه نیازهای او واقف، و بر رفع همه آنها تواناست. خود را به خدا بسپارد و فقط او را اطاعت کند که طاعت او سرمایه و وسیله هر بی‌نیازی است.^۲
 ۷. عرفان به احاطه علمی خدا، یکی دیگر از اسرار توقف در عرفات است.
 شبلی از امام سجاده علیه السلام نقل می‌کند: «و عرفت قبض الله علی صحيفتك و اطلاعہ علی سریرتک و قلبک».

آیت‌الله جوادی آملی در این زمینه می‌گوید:
 حج گزار باید در آنجا بر این نکته عارف شود که خدای سبحان به نهان و آشکار و صحیفه قلب او و رازهای آن و حتی آنچه برای خود او روشن نیست و به‌طور ناخودآگاه در زوایای روح او می‌گذرد، آگاه است؛ یعنی سرزمین عرفات، محل ادراک و شهود مضمون آیه کریمه ﴿وَإِنْ تَجْهَرُ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى﴾^۳ است.
 انسان اگر بداند که قلبش در مشهد و محضر حق است، همان طور که

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۶۶.

۲. صهای حج، ص ۴۱۵.

۳. طه: ۷.

خود را به گناهان جوارحی (ظاهری) نمی‌آلاید، گناه جوانحی (درونی)

نیز نمی‌کند و قلبش را از خاطرات آلوده، تنزیه (پاک) می‌کند.^۱

۸. توقف در عرفات، رمز شفاعت الهی است.

از پیامبر ﷺ نقل شده است که شفاعت خدای متعال نصیب عرفاتیان

می‌شود.^۲

آری، خداوند از مهمانان خویش پذیرایی می‌کند و کنار آنان قرار

می‌گیرد و شفیع آنان می‌شود و آنها را از دوزخ نجات می‌دهد و رحمت

خویش را بر آنان فرو می‌بارد.

۹. عرفاتیان منتظر اجازه ورود به حرم الهی‌اند.

شخصی از امام علی علیه السلام پرسید: «چرا عرفات، خارج از حرم مکه قرار

گرفته است؟» حضرت فرمود: «چون کعبه، اتاق خداست و حرم، خانه

اوست.^۳ هنگامی که مهمانان می‌خواهند وارد خانه شوند، در خانه

می‌ایستند و به سوی خدا تضرع می‌کنند».^۴ بنابراین مهمانان الهی در

عرفات توقف می‌کنند تا مشمول رحمت الهی گردند و بخشوده شوند.

سپس با پاکی و معرفت، به حرم الهی پای گذارند.

۱۰. عرفات محل حضور پاکان است.

۱. صبه‌های حج، ص ۴۱۶.

۲. شعب الایمان، ج ۳، ص ۴۶۳؛ کنز العمال، ج ۵، ص ۷۴.

۳. واژه «بیت» به معنای مکان خواب (بیتوته) است که در فارسی بدان اتاق گفته می‌شود و واژه

«دار» به معنای حیاط و خانه‌ای است که خانواده در آن زندگی می‌کند و دیوار دارد؛ ر.ک:

التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، واژه «بیت».

۴. کافی، ج ۴، ص ۲۲۴.

امام صادق علیه السلام فرمود: «لا یصلح الوقوف بعرفة علی غیر طهاره»؛^۱ و قوف در عرفات بدون طهارت شایسته نیست.

عرفات سرزمین مقدس، و مورد عنایت پرودگار است و مکانی برای دعا و توجه به خداست. از این رو مناسب است که عرفاتیان، به طهارت ظاهری و باطنی خویش توجه کنند. طهارت ظاهری لباس و بدن برای احرام لازم است. همچنین حج گزار باید به طهارت درونی و روحی خود نیز توجه کند و از گناهانش توبه و استغفار نماید. مناسب ترین مکان نیز برای بخشایش گناهان، عرفات است.^۲

۱۱. عرفات، مظهر ولایت است.

عرفات یکی از مکان‌ها و زمان‌های جلوه‌گری ولایت اهل بیت علیهم السلام است. ارتباط عرفات با ولایت از چند جهت درخور توجه است:

الف) عرفات محل نزول ولایت علی علیه السلام

عرفات محل نزول آیه اکمال است. علامه طباطبایی رحمته الله علیه معتقد است که آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»^۳ براساس برخی روایات^۴ در عرفه نازل شد، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله به علت برخی مصلحت‌سنجی‌ها و ترس از مخالفت دشمنان، آن را بیان نکرد و منتظر فرصت بود، تا اینکه در روز غدیر (۱۸ ذی‌الحجه) که از سفر حج

۱. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۳۲۰.

۲. ر.ک: کافی، ج ۴، ص ۶۶؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۱۱.

۳. مائده: ۳.

۴. ر.ک: الدر المنثور، سیوطی؛ تفسیر عیاشی، ذیل آیه فوق؛ المیزان، ج ۵، صص ۱۷۸ و ۲۰۹.

بازمی‌گشتند، دستور اکید برای ابلاغ آیه فوق آمد.^۱ سپس حضرت آن آیه را برای مردم تلاوت کرد و آشکارا ولایت امام علی (ع) را اعلام فرمود.^۲

(ب) عرفات محل تجلی امام عصر (ع)

امام صادق (ع) فرمود: «يَفْقَدُ النَّاسُ إِمَامَهُمْ، يَشْهَدُ الْمَوْسِمَ فَيَرَاهُمْ وَلَا يَرَوْنَهُ»؛^۳ «مردم به فراق امامشان گرفتار می‌شوند و ایشان در مراسم حج حاضر می‌شود و آنان را می‌بینند؛ ولی مردم ایشان را نمی‌بینند».

همچنین محمدبن عثمان عمری، یکی از نواب خاص امام عصر (ع) می‌گوید:

وَاللَّهِ إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ لَيَحْضُرُ الْمَوْسِمَ كُلَّ سَنَةٍ، يَرَى النَّاسَ وَيَعْرِفُهُمْ
وَيَرَوْنَهُ وَلَا يَعْرِفُونَهُ.^۴

به خدا قسم صاحب این امر (امامت) هر سال هنگام حج، در حج حاضر می‌شود.

او مردم را می‌بیند و آنها را می‌شناسد و مردم او را می‌بینند ولی نمی‌شناسند.

بی‌شک هنگامی که حضرت در مراسم حج حضور می‌یابند، در عرفات نیز حاضر می‌شوند؛ چراکه وقوف در عرفات، واجب و از ارکان حج است. به گفته عارف و مفسر گرانقدر، فیض کاشانی:

یکی از طواف سر کوی ولیّ حق کردن به ز صد حجّ قبول به دیوان بردن
ایستادن نفسی نزد مسیحا نفسی به ز صد سال نماز است به پایان بردن

۱. «يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ»

(مائده : ۶۷)

۲. المیزان، ج ۵، صص ۲۰۹ و ۲۱۰.

۳. کافی، ج ۱، صص ۳۳۷ و ۳۳۸.

۴. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۰.

آیت‌الله جوادی در این مورد می‌نویسد:

وجود مبارک حضرت بقیة الله، حجت بن الحسن علیه السلام هر سال در مراسم حج و به‌ویژه در عرفات و منا حضور دارد... همچنین بسیاری از تربیت‌یافتگان و شاگردان خاص آن حضرت، میان حج‌گزاران حضور دارند و به مدد عنایت خاص حضرتش از ملکوت افراد آگاهی می‌یابند.^۱ و^۲

(ج) عرفات جلوه‌گاه دعای اهل بیت علیهم السلام به ویژه دعای عرفه امام حسین علیه السلام

در عرفات دعاهای متعددی از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام نقل شده است.^۳ این دعاها افزون‌بر آنکه انسان را به یاد خدا می‌اندازد و ذکر حق را بر زبان حج‌گزاران جاری می‌سازد، آنها را به یاد پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت او می‌اندازد. البته در این میان، دعای عرفه امام حسین علیه السلام و^۴ محتوای توحیدی‌اش تأثیر ویژه‌ای دارد؛ به طوری که نه تنها همگان را به سوی معبود می‌برد، بلکه یاد امام حسین علیه السلام و مظلومیت ایشان را در دل‌ها زنده می‌سازد.

۱. صهبای حج، ص ۴۳۳.

۲. اگرچه ممکن است مشکلات برخی زائران، ناخودآگاه به برکت امام زمان علیه السلام حل شود، اما چنین نیست که هر عمل خارق عادت و کرامتی که در ایام حج و در سرزمین منا و عرفات روی داد، مستقیم به دست وجود مبارک آن حضرت انجام گیرد. ممکن است ناآشنا یا سالمندی، خیمه خود را گم کند یا بین راه بدون توشه بماند، و یکی از اولیای الهی که تربیت‌شده مکتب ولایت ولی عصر علیه السلام است، او را راهنمایی کند. پس این شخص گرفتار، باواسطه خدمت آن حضرت رسیده است، نه بی‌واسطه؛ ر.ک: صهبای حج، صص ۴۳۳ و ۴۳۴.

۳. ر.ک: الحج و العمرة فی الكتاب والسنة، صص ۱۹۱ - ۱۹۵.

۴. ر.ک: مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، دعای عرفه.

آیت‌الله جوادی آملی در این زمینه می‌گوید:

بهترین نیایشی که جنبه سیاسی - عبادی حج و زیارت را به خوبی تبیین می‌کند، دعای عرفه عارف معروف در بین اهل معرفت و سید شاهدان کوی شهود و شهادت، سالار جانبازان میدان نبرد توحید علیه طاغوت، و سرور پاکان و آزادگان، در ساحت فضیلت، حضرت حسین بن علی علیه السلام است؛ زیرا حضرتش در این دعا هم دستور کفرستیزی و راه طاغوت‌زدایی و رسم سلحشوری و سنت سرکوبی جنایتکاران را ارائه می‌کند، و هم ستایش حکومت اسلامی و تقدیر دولت مکتبی و ظهور ولایت الهی را نشان می‌دهد، و هم تجلی هستی ذات اقدس خداوند و ظهور گسترده و همه‌جانبه آن ذات مقدس و خفای هرچه غیر اوست در پرتو نور او و پی بردن به او از خود او و به غیر او بها ندادن و غیر او را به او شناختن و دانستن را عین شهود و مستغنی از استشهاد دانستن را تفهیم می‌کند.^۱

۱۲. عرفات روز دعاست، از خدا چه بخواهیم؟

عرفه روز ارتباط خلق با خالق و روز دعاست. در حقیقت، یکی از راه‌های کسب معرفت الهی همین دعاهاست. امام صادق علیه السلام فرمود: «عرفه روز دعا و درخواست است».^۲

حتی از آن حضرت روایت شده است که در روز عرفه، نماز عرفه با عجله خوانده می‌شود و نماز ظهر و عصر به صورت جمع خوانده

۱. صهبای حج، ص ۴۲۸.

۲. تهذیب، ج ۵، ص ۱۸۲؛ کافی، ج ۴، ص ۴۶۳.

می‌شود تا انسان برای دعا وقت بیشتری داشته باشد. همچنین سفارش شده است که «در عرفه حتی مشغول نگاه کردن به مردم نشو، بلکه به خودت پرداز و دعا کن».^۱

انسان می‌تواند در عرفه هرگونه حاجت دنیوی و اخروی را از خدا بخواهد. ولی پیامبر ﷺ و اهل بیت  دعاهای خاصی را به ما آموزش داده‌اند تا از این فرصت بیشتر استفاده کنیم و مطالب عالی‌تر از خدا بخواهیم. این دعاها، نوعی رازگویی است؛ یعنی کسانی که به اسرار هستی آشنایند، راه‌های کوتاه‌تر و مهم‌تر و مسائل عالی‌تر را به ما آموزش داده‌اند.

۱۳. عرفات و شیطان

در عرفات مواظب و سوسه‌های شیطان باشیم؛ چون این سرزمین، از بهترین مکان‌های توجه به خدا برای آموزش است. از این رو شیطان تلاش می‌کند انسان را از رحمت و آموزش الهی باز دارد. امام صادق علیه السلام فرمود: «[در عرفه] از شیطان به خدا پناه ببرید که شیطان بیشتر دوست دارد در اینجا به یاد شما باشد [و شما را بلغزند]».^۲

«میبیدی» در کشف‌الاسرار می‌نویسد:

در بعضی اخبار بیاید که بسیاری گناه است بنده را که کفارت آن نیست مگر ایستادن به عرفات و هیچ وقت نیست که شیطان را ببینند در مانده‌تر و زرد روتر از آن وقت که حاجیان در عرفات بیستند، از بس که ببند رحمت و فضل خدای بر سر ایشان باران و ریزان!^۳

۱. تهذیب، ج ۵، ص ۱۸۳؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۴۲؛ الحج و العمرة فی الکتاب و السنة، ص ۵۹۰.

۲. التهذیب، ج ۵، ص ۱۸۲؛ کافی، ج ۴، ص ۴۶۳.

۳. کشف‌الاسرار، میبیدی، ج ۱، ص ۵۲۵.

بنابراین باید خطر شیطان را در عرفات جدی‌تر گرفت و بیشتر مواظب و سوسه او بود.

۱۴. اسرار جبل‌الرحمه (کوه رحمت)

این کوه در منطقه عرفات واقع شده است. گفتنی است که پیامبر اسلام ﷺ بر تخته‌سنگی از این کوه ایستاد و خطبه معروف عرفات را بیان کرد. همچنین امام حسین علیه السلام دعای عرفه را در دامنه این کوه خواند. در ضمن، بر قله این کوه، قبه‌ای به نام آدم علیه السلام قرار دارد.^۱

مشهور بین علما آن است که بالا رفتن از این کوه در روز عرفه، مکروه است؛ یعنی ثواب عبادت را کمتر می‌کند. در حدیثی از امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام نقل است که توقف در پای کوه محبوب‌تر است^۲ و هرچه توقف به کوه نزدیک‌تر باشد، بافضیلت‌تر است.

از امام سجاد علیه السلام روایت شده است که هنگام بالا رفتن از کوه، قصد شود که خدا به هر مرد و زن مؤمنی مهرورز است و آنان را رحمت می‌کند و او سرپرست هر مسلمانی است.^{۳ و ۴}

آیت‌الله جوادی آملی در این باره می‌نویسد:

صعود بر جبل‌الرحمه، باید انسان را عارف به این سرّ کند که خداوند نسبت به مرد و زن مؤمن، رحمت خاص و ولایت مخصوص

۱. صهبای حج، ص ۴۱۸.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۰، صص ۱۱ و ۱۹؛ کافی، ج ۴، ص ۴۶۳.

۳. حدیث مشهور شبلی، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۶۶.

۴. شاید این دو دسته حدیث، جمع باشد؛ یعنی احادیث دسته اول، محل با فضیلت‌تر وقوف در عرفات (پایین کوه) را بیان می‌کند و حدیث شبلی اشاره دارد که اگر از جبل‌الرحمه بالا رفتی، چه چیزی را قصد کنی. ولی به هر حال روایت دوم، دستور صعود به کوه نمی‌دهد یا نفی فضیلت پایین کوه را نمی‌کند.

دارد. نیل حج گزاران به چنین معرفتی در نحوه نگرش و ارتباط آنان با سایر افراد و جوامع، تأثیر خواهد گذارد.^۱

اسرار و معارف توقف در مشعر

اسرار مشعر در آینه قرآن

﴿لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ
فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ
لَمِنَ الضَّالِّينَ﴾. (بقره: ۱۹۸)

هیچ گناهی بر شما نیست که [در موسم حج، روزی و] بخشی از پروردگارتان بجوید و هنگامی که از «عرفات» روانه شدید، خدا را در «مشعرالحرام» یاد کنید و او را یاد کنید همان گونه که شما را راهنمایی نمود و [شما] پیش از آن، از گمراهان بودید.

۱. کوچ به سوی مشعر

در این آیه برای بیان حرکت حاجیان از عرفات به مشعر، از واژه «أقضتم» استفاده شده که به معنای «بیرون آمدن گروهی» است؛^۲ یعنی حاجیان همچون رودی سپید از عرفات به سوی مشعر سرازیر می شوند.

۲. یادمان حق در مشعر

وظیفه حاجیان در مشعر، یاد الهی است. البته یاد خدا گاهی در دل خانه می کند و گاهی بر زبان جاری می گردد و گاهی در عمل ظاهر می شود. آری، شب مشعر با یاد الهی، نشان خدا می شود.

۱. صهبای حج، ص ۴۱۹.

۲. رک: تفسیر پرتوی از قرآن، ج ۲، ص ۸۰؛ المیزان، ج ۲، ص ۸۰.

۳. ذکر الهی طبق برنامه و دستور

ذکر الهی را باید طبق دستور و برنامه او انجام داد. آری، حاجیان از عادات جاهلی و مراسم بدعت‌آمیز می‌پرهیزند و طبق راهنمایی الهی حرکت می‌کنند و هدایت او را سپاس می‌گزارند و سرمشق خود قرار می‌دهند.

۴. سرزمین مشعر، حرام است

تعبیر «الحرام» که صفت «مشعر» است، شاید می‌رساند که این سرزمین، بخشی از حرم امن الهی است^۱ و محرمات خاص خویش را دارد؛ یعنی برخی کارها در سرزمین مکه (حرم) ممنوع است و این ممنوعیت‌ها هر چند در عرفات نبود، اما در مشعر وجود دارد.^۲ برخی تفاسیر نوشته‌اند که: توصیف «مشعر» به «الحرام»، دلالت بر قداست و احترام خاص آن سرزمین می‌کند.^۳

اسرار مشعر در آیین روایات

۱. در مشعر، درهای آسمان باز، و شب‌زنده‌داری رمز عروج است.

در حدیثی از پیامبر ﷺ حکایت شده است: «هرکس در شب‌های چهارگانه، شب‌زنده‌داری (احیا) کند، بهشت بر او واجب می‌شود: شب هشتم، شب نهم، شب دهم ذی‌الحجه و شب عید فطر».^۴ شب دهم ذی‌الحجه، همان شبی است که حاجیان کوی دوست در سرزمین مشعر به سر می‌برند و یاد دوست را تا صبح، زنده نگاه می‌دارند.

۱. اطیب البیان، ج ۲، ص ۳۷۲.

۲. چرا که عرفات خارج از حرم است. اما مشعر داخل حرم است.

۳. تفسیر راهنما، ج ۲، ص ۲۱.

۴. الفردوس، ج ۳، ص ۶۲۰؛ الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۵۵۷؛ الحج والعمرة فی الكتاب و السنة، ص ۲۲۴.

شب آمد شب که نالد عاشق زار گهی از دست دل گاهی زد دل دار

همچنین امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر می توانی این شب (مشعر) را احیا کنی، انجام بده [و تا بامداد
بیدار باش] که به ما رسیده است در این شب، درهای آسمان به
روی صدای مؤمنان بسته نمی شود و خدا دعاها را اجابت می کند و
گناهان را می آمرزد، برای کسی که بخواهد.^۱

چه روزها به شب آورده ام در این امید که با وجود عزیزت شبی به روز آرم

۲. مشعر توقف در حجاب دوم

شخصی از امیر مؤمنان علیه السلام پرسید: «چرا مشعر الحرام در حرم قرار
گرفت؟» حضرت فرمود: «زیرا هنگامی که به حاجیان، اجازه ورود به
مکه داده شد، آنها را در حجاب دوم متوقف کرد. پس هنگامی که
زاری آنان در مشعر زیاد شد، به آنان اجازه داده شد تا قربانی
کنند...»^۲

۳. بیمه نامه الهی برای گناهکاران

در روایت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بامداد مشعر، به بلال گفت:
«مردم را ساکت کن». سپس فرمود: «خدا در این مشعر به شما نعمت
بخشید و گناهکارانتان را به خاطر نیکوکارانتان بخشود و به نیکوکارانتان
هرچه طلبیدند، بخشید. پس به نام خدا حرکت کنید».^۳

۱. کافی، ج ۴، ص ۴۶۸؛ الحج و العمرة فی الكتاب و السنة، ص ۲۲۵.

۲. کافی، ج ۴، ص ۲۲۴؛ التهذیب، ج ۵، ص ۴۴۸؛ الحج و العمرة فی الكتاب و السنة، ص ۲۲۵.

۳. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۰۶. در منابع شیعه نیز شبیه به این حدیث آمده است.

۴. ادب کوچ به مشعر. رعایت حال دیگران

در هنگام کوچ از عرفات به سوی مشعر، میلیون‌ها انسان یکباره به حرکت در می‌آیند که اگر دقت نشود، برخی از مردم به‌ویژه افراد ناتوان آزار می‌بینند. از این رو ادب کوچ، رعایت حال دیگران است.

پیامبر ﷺ هنگام حرکت از عرفات به سوی مشعر، مردم را به آرامش فرامی‌خواند^۱ و می‌فرمود: «حج، اسب تاختن و شتر دواندن نیست. خودتان را [از عذاب خدا] حفظ کنید و نیکو حرکت کنید. ضعیف و مسلمانی را زیر پا قرار ندهید و در راه رفتن، میانه‌رو باشید».^۲

همین سفارش از امام صادق علیه السلام نیز حکایت شده است. حتی به ایشان گفته شد: «چرا در کوچ به سوی مشعر تأخیر می‌کنید؟! حضرت فرمود: «من از ازدحام هراس دارم و می‌ترسم که در پایمال کردن انسانی شریک شوم».^۳

۵. ترک تکبر. رمز لطف الهی بر حاجیان کوچ‌کننده به سوی مشعر

امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که از تنگه (بین دو کوه در دهانه مشعر) بگذرد و در دلش تکبر نباشد، خدا [با نظر رحمت] به او می‌نگرد». پرسیدم: «کبر چیست؟! فرمود: «مردم را برنجانند و حق را نپذیرد».^۴

۱. سنن ابو داوود، ج ۲، ص ۱۹۰؛ جامع الاصول، ج ۳، ص ۲۴۹؛ محاسن، ج ۲، ص ۶۵؛ صحیح

بخاری، ج ۲، ص ۶۰۱؛ الحج و العمرة فی الكتاب و السنة، ص ۲۲۲.

۲. الکافی، ج ۴، ص ۴۶۷؛ التهذیب، ج ۵، ص ۱۸۷.

۳. الکافی، ج ۴، ص ۴۶۷؛ التهذیب، ج ۵، ص ۱۸۷.

۴. المحاسن، ج ۱، ص ۱۴۱.

ع. تنگه سلامت با دعای فرشتگان

امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگام کوچ حاجیان از تنگه دو فرشته ندا دهند: «پروردگارا [اینان را] سالم بدار، سالم بدار». پروردگار نیز می پذیرد و از این روست که در آنجا کسی را زمین افتاده و شکسته نمی بینی.^۱

اسرار و معارف توقف در منا

اسرار منا در آئینه قرآن

﴿ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ * فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ * وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ * أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ * وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾. (بقره: ۱۹۹ - ۲۰۳)

سپس از جایی که مردم روانه می شوند، [به سوی منا] روانه شوید و از خدا آمرزش بخواهید که خدا بسیار آمرزنده مهرورز است * و هنگامی که اعمال [حج] خود را به جای آوردید، پس همانند یادآوری شما از نیاکانتان، یا با یادمانی شدیدتر، خدا را به یاد آورید و از مردم کسی است که می گوید: «ای [پروردگار ما! به ما در [همین] دنیا بده» و حال آنکه برایش در آخرت، هیچ بهره ای نیست * و از آنان کسی است که می گوید: «ای [

پروردگار ما! در دنیا به ما نیکی، و در آخرت [نیز] نیکی نما و ما را از عذاب آتش حفظ کن». * آنان‌اند که از دستاورد [دعای] شان، بهره‌ای برایشان می‌ماند و خدا حسابرسی سریع است. * و خدا را در روزهای معین (یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ماه ذی‌الحجه) یاد کنید و هر کس در دو روز شتاب کند [و اعمال حج را در دو روز انجام دهد] پس هیچ گناهی بر او نیست و هر کس تأخیر کند [و اعمال حج را در سه روز انجام دهد] پس هیچ گناهی بر او نیست. [این] برای کسی است که خودنگه‌داری کند. پس خودتان را از [عذاب] خدا ننگه دارید و بدانید که شما فقط به سوی او گرد خواهید آمد.

۱. کوچ همگانی و همسویا مردم

در این آیات دستور داده شده است که بعد از توقف در مشعر، همچون مردم دیگر کوچ کنید و به سوی «منا» حرکت نمایید. آری با مردم و همراه مردم بودن در طی مسیر الهی نیکوست و حرکت دسته‌جمعی حاجیان از مشعر به منا، تجلی این هم‌نویایی الهی است.

«آیت‌الله طالقانی» در ذیل آیات مذکور می‌نویسد:

تا من‌ها و ما و ما، به صورت یک روان خروشان، روان می‌گردند و چون آب روان، از آلودگی‌ها و رسوبات گناه و آثار جاهلیت پاک و پاک‌تر می‌گردند، تا مجذوب دو صفت خاص غفور و رحیم شوند.^۱

۲. مبارزه با عادات جاهلیت

امام صادق علیه السلام فرمود:

مشرکان هنگامی که در منا حاضر می‌شدند، افتخارات پدران خود را

۱. پرتوی از قرآن، ج ۲، ص ۹۱.

یادآوری می کردند و قرآن یادآوری کرد که در هنگام حضور در سرزمین منا، یاد خدا کنید و این ذکر و یادمان، همچون یاد پدرانان بلکه شدیدتر باشد.^۱

بنابراین، قرآن مناسک اصیل حج را تأیید می کند. اما عادات عرب جاهلی و مشرکان را اصلاح می کند و منا را سرزمین ذکر الهی می خواند.

۳. منا سرزمین ذکر الهی

درباره آیه ۲۰۳ سوره بقره، از امام صادق علیه السلام روایت شده است که مقصود از ایام، ایام تشریق (روزهای ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ ذی الحجه در منا) است که برخی مردم در این ایام، در منا به فخرفروشی در مورد پدرانان می پرداختند و خدا دستور داد که ذکر الهی بگویید. سپس حضرت با یادآوری آیه ۲۰۰ سوره بقره به ذکرهای آن ایام اشاره کردند: «الله اکبر، الله اکبر، لا اله الا الله و الله اکبر، الله اکبر و لله الحمد، الله اکبر علی ما هدانا، الله اکبر علی ما رزقنا من بهیمة الانعام».^۲ در احادیث دیگری از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام آمده است که این تکبیرها بعد از نماز گفته شود.^۳

۴. دنیا و آخرت را با همدیگر بخواهید

خداوند در آیات ۲۰۰ و ۲۰۱ سوره بقره در ضمن مباحث مربوط به منا، مردم را به دو دسته تقسیم می کند: گروهی، فقط دنیا را می طلبند. در نتیجه از آخرت محروم می شوند. اما گروه دیگر دنیا و آخرت و دفع عذاب الهی را از خداوند می طلبند.

۱. السرائر، ج ۳، ص ۵۶۵؛ الحج و العمرة فی الكتاب و السنة، ص ۲۲۷.

۲. کافی، ج ۴، ص ۵۱۶؛ الحج و العمرة فی الكتاب و السنة، ص ۲۲۸.

۳. کافی، ج ۴، ص ۵۱۶؛ التهذیب، ج ۵، ص ۲۶۹؛ الحج و العمرة فی الكتاب و السنة، ص ۲۲۸.

«این آیه در حقیقت، منطق اسلام را در مسائل مادی و معنوی مشخص می‌سازد و کسانی را که تنها در مادیات غوطه‌ورند، همانند آنها که هیچ نظری به زندگی دنیا ندارند، محکوم می‌کند».^۱

اسرار منا در آیینه روایات

۱. توقف در منا، زمینه‌ساز خشنودی خدا

امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که مردم در منا وارد می‌شوند، ندادهنده‌ای از طرف خدای عزوجل ندا می‌دهد که اگر رضایت مرا می‌خواهید، بدانید که من خشنود شدم».^۲

۲. پایان منا، تولدی نو و آغازی دیگر

صدوق رضی الله عنه حکایت کرده است که حاجیان هنگام خروج از منا به سوی مکه، از گناهان خود خارج می‌شوند؛ مثل روزی که از مادر متولد شدند.^۳

امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که شخصی از منا خارج می‌شود، فرشته‌ای دستش را بر پشت او می‌گذارد و می‌گوید از سر بگیر»؛^۴ یعنی اعمال ناپسند گذشته تو بخشوده شد. پس در زندگی، آغازی دیگر داشته باش.

درخور توجه است که بسیاری از اسرار معنوی «منا»، در مناسک و اعمال آن، همچون سنگ زدن به شیطان، قربانی و تقصیر است که در ادامه خواهد آمد.

۱. نمونه، ج ۲، ص ۳۸.

۲. کافی، ج ۴، ص ۲۶۲؛ الحج و العمرة فی الكتاب و السنة، ص ۲۲۹.

۳. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۸۰؛ الحج و العمرة فی الكتاب و السنة، ص ۲۳۰.

۴. المحاسن، ج ۱، ص ۱۴۱؛ الحج و العمرة فی الكتاب و السنة، ص ۲۲۹.

قربانی

تقسیم بندی گوشت قربانی

﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَيَّ مَا رَزَقْتَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ﴾ (حج: ۲۸)

تا [در حج] شاهد سودهایشان باشند و در روزهای معینی نام خدا را [به خاطر نعمت ها و به هنگام قربانی] بر دام های زبان بسته که به آنان روزی داده است، ببرند. پس از [گوشت] آنها بخورید و [نیز] به سختی کشیده نیازمند بخورانید.

نکته ها و اشاردها

۱. حج برای مسلمانان فواید فراوانی دارد که تفسیرش ذیل مبحث وجوب حج و فلسفه آن بیان شد.

۲. در این آیه به مراسم قربانی حج اشاره شده است و فقط از نام بردن خدا به خاطر نعمت ها یا در هنگام قربانی کردن یاد شده است؛^۱ چراکه روح این مراسم ارتباط با خداست.

قربانی کردن حیوانات در حقیقت رمز اعلام آمادگی حاجیان است که حاضرند همه چیز خود را در راه خدا قربانی کنند؛ همان طور که ابراهیم علیه السلام می خواست فرزندش اسماعیل را در راه خدا قربانی کند.

۳. در این آیه به چگونگی مصرف گوشت های قربانی اشاره شده است که هم حاجیان از آن بهره برند و هم به فقرا دهند. هر چند در

۱. واژه «علی» در جمله «عَلَيَّ مَا رَزَقْتَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ» ممکن است به معنای «استعلا» یا

«برای» باشد؛ ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۷۳.

برخی احادیث آمده است که بیرون بردن گوشت قربانی از سرزمین منا، ممنوع است. اما در برخی دیگر از احادیث، مانند حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که این مطلب مربوط به عصری بوده که مردم به آن گوشت‌ها نیاز داشتند. اما امروز که مردم زیاد شده‌اند، مانعی نیست که گوشت‌ها از آنجا خارج شود.^۱

با توجه به حجم زیاد گوشت‌های قربانی و نیاز مسلمانان فقیر در کشورهای دیگر، مناسب است که مسلمانان ترتیبی اتخاذ کنند که این گوشت‌ها اسراف نشود و با بسته‌بندی‌های مناسب به دست نیازمندان برسد.

۴. مقصود از «ایام معلومات» یا روزهای معینی است که نام خدا در آنها برده می‌شود که همان ده روز آغازین باشد یا روزهای یازدهم تا سیزدهم ذی‌الحجه است. البته احتمال اول با ظاهر آیه سازگارتر است، ولی چون در این آیه، از قربانی یاد شده است به نظر می‌رسد، احتمال دوم صحیح باشد.^۲

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. با سفر به مکه، به اهداف و منافع حج توجه کنید.
۲. در ایام حج از یاد خدا غافل نشوید.
۳. از گوشت‌های قربانی خودتان استفاده کنید و به فقیران نیز بدهید.

۱. کافی، ج ۴، ص ۵۰۰؛ تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۴۹۳؛ استبصار، ج ۲، ص ۲۷۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۷۲.

۲. آیه ۲۰۳ سوره بقره مشابه این آیه است: «وَأَذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ». ولی برخی مفسران این دو آیه را اشاره به دو مطلب می‌دانند؛ رک: تفسیر نمونه، ج ۱۴، صص ۷۳ و ۷۴.

نوع حیوان قربانی

﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعِظْ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأَحَلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامَ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾
(حج: ۳۰)

این [اعمال حج است] و هرکس [برنامه‌های] محترم الهی را بزرگ شمارد، پس آن نزد پروردگارش برای او بهتر است و برای شما دام‌ها حلال شده است، مگر آنچه [حکمش] بر شما خوانده می‌شود. پس از بت‌های [سنگی] پلید، دوری کنید و از گفتار باطل [نیز] دوری نمایید.

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. واژه «حُرْمَاتِ» به معنای چیزی است که باید احترام آن حفظ شود و بدان بی‌حرمتی نشود و در اینجا اشاره به مناسک و اعمال حج است و ممکن است شامل احترام خانه کعبه و حَرَمِ مکه نیز بشود؛ یعنی هرکس احترام اعمال حج و حَرَمِ الهی را نگه داشت، برای خودش بهتر است؛ زیرا این اعمال را به پروردگار عرضه می‌کند و خدا نیز به او پاداش نیکو می‌دهد.

۲. در این آیه به یک قانون کلی در مورد حلال بودن گوشت چهارپایان، همچون شتر، گاو و گوسفند اشاره شده است و فقط یک مورد را استثنا کرده است که منظور از آن مورد، حرام یا ممنوعیت صید بر شخص مُحَرَّم است^۱ یا تحریم گوشت‌هایی است که برای بت‌ها قربانی شده است.

۱. همان‌طور که در آیه ۹۵ سوره مائده بدان اشاره شده است و البته آن سوره بعد از سوره حج نازل گشته است.

۳. مقصود از «اوثان»، سنگ‌هایی است که مشرکان می‌پرستیدند. در این آیه این بت‌ها پلید خوانده شده است؛ چراکه این بت‌ها زندگی و افکار انسان را آلوده می‌سازند و به انحراف و خرافات سوق می‌دهند. برخی مفسران احتمال داده‌اند که این آیه، اشاره به کار پلید مشرکان است که خون قربانی را روی بت‌ها می‌ریختند و منظره زشتی به وجود می‌آوردند.

۴. تعبیر «قول زور» در اصل به معنای سخن دروغ، باطل و خارج از حد اعتدال است و در اینجا ممکن است اشاره به تعبیرات شرک‌آمیز مشرکان در هنگام گفتن «لیبک»،^۱ یا پرهیز از گفتار باطل در هنگام حج باشد.

۵. هرچند این آیه به برخی اعمال مشرکان اشاره می‌کند، اما مفهوم آیه کلی است و مقصود از آن پرهیز از شرک در هر صورت، و اجتناب از گفتار باطل با هر کیفیت است.

۶. در برخی از احادیث، «قول زور» را به «خوانندگی حرام» (غنا) و «گواهی براساس باطل» تفسیر کرده‌اند. البته مقصود این‌گونه احادیث، بیان مصداق این آیه است.^۲

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. هرکس در بزرگداشت برنامه‌های الهی همچون مناسک حج کوشید و پاس آنها را نگاه داشت، به خودش خدمت کرده است.

۱. آنان در هنگام احرام می‌گفتند: «لیبک لا شریک لک، الا شریکاً هو لک، تملکه و ما ملک»؛ «دعوت تو را اجابت کردیم که هیچ شریکی برای تو نیست؛ مگر شریکی که مخصوص توست و تو مالک او و هرچه در اختیار اوست، هستی»؛ ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۹۱.

۲. همچنین اوثان را به شطرنج، به گونه‌ای که قمار باشد، تفسیر کرده‌اند؛ ر.ک: مستدرک

۲. اصل حلیت، در مورد گوشت دام‌ها جاری است؛ مگر مواردی که در دین بیان شده است.
۳. از شرک، پلیدی و سخنان بی‌اساس دوری کنید.

اعمال حج همراه با اخلاص

﴿حُنْفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ﴾. (حج: ۳۱)

در حالی که حق‌گرایان برای خدایید [و] مشرک به او نیستید و هر کس به خدا شرک ورزد، گویی از آسمان فروافتد و پرندگان او را برابند؛ یا باد او را به مکان دوردستی فرو اندازد.

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. «حُنْفَاءَ» در اصل به معنای کسی است که از گمراهی و انحراف، به استقامت و اعتدال تمایل پیدا می‌کند و در راه مستقیم گام برمی‌دارد.
- در این آیه، اشاره به قصد قربت و اخلاص در اعمال حج است که روح این عبادت بزرگ است؛ یعنی مراسم حج فقط برای خدا انجام شود و هیچ انگیزه غیرخدایی و شرک‌آمیز در آن نباشد.^۱
۲. در برخی احادیث نیز آمده است که «حَنِيفٌ» به معنای فطرت الهی و شناخت توحید است که انسان بر آن اساس آفریده شده است.^۲ البته این گونه احادیث اشاره به ریشه اصلی اخلاص، یعنی فطرت توحیدی دارد.

۱. ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۹۴.

۲. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۷۷.

۳. این آیه، با دو مثال زیبا و جالب، سقوط مشرکان را به تصویر کشیده است؛

کسی که از آسمان توحید فاصله گرفت و به نور ستارگان هدایت توجه نکرد، سقوط می‌کند و در هنگام سقوط یا گرفتار پرنندگان هوا و هوس می‌شود یا جریان‌های انحرافی همچون طوفانی سهمگین او را به دره‌های گمراهی می‌افکنند.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. شرک، عامل سقوط انسان می‌شود و او را طعمه جریان‌های انحرافی می‌سازد.

۲. اعمال حج را برای خدا و به دور از شرک انجام دهید.

یاد خدا هنگام قربانی کردن

﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَيْمَاتٍ

الْأَنْعَامِ فَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ﴾ (حج: ۳۴)

و برای هر امتی، مراسم عبادی قربانی قرار دادیم تا نام خدا را [به هنگام قربانی] بر دام‌های زبان‌بسته که به آنان روزی داده، ببرند و معبود شما معبودی یگانه است. پس فقط تسلیم [فرمان] او شوید و فروتنان را مژده ده.

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. آیات پیشین، به مراسم قربانی در حج پرداخت و این آیه یادآور می‌شود که مراسم قربانی مخصوص مسلمانان نیست. بلکه خدا در هر ملت و دینی، این مراسم را قرار داده است؛ همان‌طور که هنوز هم مراسم قربانی را در ملت یهود و دیگران شاهدیم. هر چند این مراسم در برخی

ادیان و مذاهب، با خرافات آمیخته شده است، ولی اصل آن یک مراسم عبادی الهی است.

۲. قربانی کردن فقط کشتن یک حیوان نیست، بلکه سمبل آمادگی انسان برای فداکاری در راه خداست و این مراسم عبادی همراه با غذا رساندن به بینوایان است. پس قربانی یک کار منطقی، عبادی و نمادین است.

۳. «مَنَسْک» در اصل به معنای عبادت است و مناسک حج به معنای اعمال حج یا مکان‌هایی است که این اعمال در آنجا انجام می‌شود. ولی با توجه به ذیل آیه، مقصود در اینجا، قربانی و قربانگاه است.^۱

۴. در این آیه، به توحید و لزوم تسلیم در برابر خدا و ابراز فروتنی^۲ اشاره شده است. این سه تعبیر با همدیگر ارتباط دارد؛ چراکه فقط یک خدا هست؛ از این رو نباید مقابل دیگران سر تسلیم فرو آوریم و لازمه تسلیم در برابر خدا، فروتنی و تواضع است.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. مراسم قربانی مخصوص مسلمانان نیست. بلکه برنامه‌ای عمومی است.
۲. تنها مقابل خدای واحد تسلیم شوید و بدانید که فروتنان در برابر او مزدگانی دارند.
۳. اگر می‌خواهید هنگام یاد خدا، بترسید و در برابر مشکلات شکیباً گردید و اهل نماز و انفاق شوید، فروتن باشید.

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۰۲. با توجه به قرینه «يَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ».

۲. «مُخْتَبِينَ» در اصل به معنای زمین صاف و وسیع است که انسان به راحتی در آن گام برمی‌دارد.

سپس به معنای اطمینان و فروتنی آمده است؛ رک: تفسیر نمونه؛ ج ۱۴، ص ۱۰۳.

قربانی از نشانه‌های الهی و تقسیم‌پذیر

﴿وَالْبَدَنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافٍ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾. (حج: ۳۶)

و برای شما آن شترهای فربه قربانی را از نشانه‌های خدا قرار دادیم؛ در آنها برای شما خیر [و برکت] است. پس درحالی که [برای قربانی] به صف ایستاده‌اند، نام خدا را بر آنها ببرد و هنگامی که پهلوهایشان [بر زمین] افتاد [و جان دادند]، از [گوشت] آنها بخورید و به [نیازمندان] قانع و [فقیران] درخواست‌کننده بخورانید. این‌گونه آنها را برای شما رام ساختیم تا شاید شما سپاسگزاری کنید.

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. شتر قربانی از طرفی متعلق به مردم است و گوشت آن به مصرف بینوایان می‌رسد و از طرف دیگر نیز از شعائر و نشانه‌های خداست؛ چراکه قربانی حج، انسان را به یاد خدا می‌اندازد. پس قربانی برای حاجیان خیر و نیک است؛ چون هم فراهم آمدن غذاست و هم عبادت.
۲. «بُدْن» به معنای شتر بزرگ و فربه است. از آن‌جا که چنین حیوانی برای مراسم قربانی و غذای بینوایان مناسب‌تر است، بر آن تأکید شده است؛ وگرنه چاق بودن قربانی از شرایط الزامی قربانی حج نیست؛ بلکه همین اندازه که لاغر نباشد، کافی است.
۳. در این آیه بیان شده است که حیوانات هنگام قربانی به صف قرار می‌گیرند؛ یعنی دستان شتر قربانی را می‌بندند تا هنگام نحر و کشتن، زیاد تکان نخورد و فرار نکند. البته این آیه در مقام بیان صورت کامل قربانی

کردن است؛ وگرنه کشتن حیوان قربانی، کیفیت خاصی ندارد؛ بلکه باید ذبح شرعی شود و نام خدا هنگام کشتن او برده شود.^۱

۴. «قانع» به معنای فقیری است که اگر چیزی به او دهند، قناعت می‌کند. اما «مُعْتَر» به معنای فقیری است که از انسان تقاضا می‌کند و چه بسا اعتراض نماید و راضی هم نشود.^۲ این تعبیرات اشاره دارد که به همه فقیران از گوشت قربانی بدهید.

۵. در این آیه دستور داده شده است که حاجیان مقداری از گوشت قربانی خود را بخورند. از این رو برخی از فقیهان و مفسران این کار را واجب شمرده‌اند.^۳

۶. این آیه، رام شدن شتران را نعمتی الهی می‌داند که شایسته سپاسگزاری است.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. برای قربانی، حیوانات فربه را انتخاب کنید تا برایتان سود مادی و معنوی بیشتری داشته باشد.

۲. حیوان قربانی یکی از نشانه‌های خداست و رام شدن او، نعمتی الهی است که شایسته سپاسگزاری است.

۳. هم خودتان از گوشت قربانی بخورید و هم به فقیران بخورانید.

۱. برای دعا کردن هنگام کشتن حیوان قربانی، دعاهایی هم ذکر شده است؛ ر.ک: کافی، ج ۴، ص ۴۹۸؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۰۳؛ تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۲۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۵۲.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۰۸.

۳. همان.

هدف از قربانی کردن

﴿لَنْ يَنَالَ اللَّهَ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَنَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ﴾. (حج: ۳۷)

گوشت‌های آن [قربانی]‌ها و خون‌های آنها به خدا نمی‌رسد؛ اما خودنگهداری شما به او می‌رسد. این گونه آنها را برای شما رام ساخت تا خدا را به پاس اینکه شما را راهنمایی کرده است، بزرگ شمارید و نیکوکاران را مژده ده.

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. فلسفه و هدف قربانی، باتقوا شدن شماست؛ و گرنه خدا به گوشت و خون قربانی نیازی ندارد؛ چراکه او بی‌نیاز و کامل است؛ به عبارت دیگر، هدف از قربانی کردن آن است که شما با این عمل عبادی، پله‌های رشد و کمال را ببینید و به خدا نزدیک‌تر شوید و درس ایثار و آمادگی برای فداکاری و شهادت و نیز درس یاری رساندن به فقیران را بیاموزید.

۲. خون حیوانات قربانی به خدا نمی‌رسد. اعراب جاهلی هرگاه حیوانی را قربانی می‌کردند، خون آن را بر سر بت‌ها یا در و دیوار کعبه می‌پاشیدند و برخی از مسلمانان نیز بی‌میل نبودند که از این برنامه خرافی پیروی کنند. آیه فوق آمد و آنان را از این کار بازداشت.^۱

۳. خدا حیوانات نیرومند را رام شما ساخت تا با عظمت خدا آشنا

شوید و با تکبیر، سپاس او گویند.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. پرهیزکار شدن، هدف و فلسفه قربانی کردن است. پس در این راه کوشش کنید.
۲. از نعمت‌های خدا، همچون رام بودن حیوانات، به عظمت پروردگار پی ببرید و تکبیر او گویند.
۳. نیکوکاران نزد خدا مزدگانی دارند.

فصل چهارم

اماکن و ایام مقدس
مرتبط با حج

درآمد

در قرآن کریم از برخی مکان‌های مقدس حج یاد شده است؛ از جمله مکه، مسجدالحرام و کعبه. همچنین قرآن به برخی از ایام مقدس مرتبط با حج اشاره کرده است؛ مانند ماه‌های حرام، روز غدیر، مباحله و برائت. ما می‌خواهیم در این فصل از اماکن و ایام مقدس مربوط به حج سخن بگوییم.

مکه

مکه، مادر شهرها (ام‌القری)

﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ

الْجُمُعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ﴾. (شوری: ۷)

و این چنین، قرآنی عربی (واضح) را به سوی تو وحی کردیم، برای اینکه

[مردم] ام‌القری (مکه) و کسانی را که پیرامون آن‌اند، هشدار دهی، و درباره

روز جمع‌آوری [مردم در قیامت] که هیچ تردیدی در آن نیست هشدار

دهی؛ دسته‌ای در بهشت‌اند و دسته‌ای در شعله فروزان [آتش]‌اند!

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. «ام‌القری» به معنای اساس و مادر آبادی‌ها و شهرها، یکی از نام‌های مکه است؛ چراکه این شهر، مرکز اسلام بوده و از آنجا اسلام به روستاها و شهرها و کشورهای دیگر راه یافته است.^۱

۲. در این آیه به خواندنی بودن و واضح بودن قرآن^۲ و هدف نزول آن اشاره شده است که همان هشدار به مردم است. هرچند بشارت و هشدار، هر دو از اهداف قرآن و رسالت است. اما از آنجا که روی سخن این آیات با مخالفان است، بر هشدار تأکید شده است.

۳. اگر هدف پیامبر ﷺ جهانی است، چرا این آیه، مردم مکه را هدف هشدار معرفی کرده است؟

اولاً، اعلام رسالت پیامبر ﷺ مرحله‌ای داشت که از هشدار به خویشاوندان شروع شد و سپس هشدار به قوم او و مردم مکه و در پایان هشدار به همه جهانیان مطرح شد.^۳ از این رو پیامبر ﷺ نامه‌هایی به سران ایران، مصر و روم نوشت و آنان را به اسلام دعوت کرد.

ثانیاً، هشدار به مردم مکه و اطراف آن، تأکید بر هشدار به یک منطقه خاص است؛ نه نفی هشدار از مردم سایر مناطق جهان.

۴. یکی از نام‌های رستاخیز «یوم‌الجمع» است که منظور از آن، جمع شدن همه مردم در رستاخیز یا جمع بین ارواح و اجساد یا جمع بین

۱. برخی مفسران نوشته‌اند که براساس روایات، بیرون آمدن خشکی‌های زمین از زیر آب، از نقطه مکه شروع شده است. از این رو ام‌القری می‌گویند؛ ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۳۵۷.

۲. «قرآن» به معنای خواندنی و جمع شده، و «عربی» به معنای واضح و گویاست.

۳. ر.ک: شعراء: ۲۱۴؛ زخرف: ۴۴؛ فرقان: ۱.

انسان و اعمالش و یا اجتماع ظالمان و مظلومان است.^۱ البته مانعی ندارد که همه این معانی، مقصود آیه باشد.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. قرآن کتابی خواندنی و واضح است که با هدف هشدار جهانیان نازل شده است.

۲. هدف رسالت پیامبر ﷺ هشدار به مردم درباره رستاخیز است.

۳. مکه، شهر مرکزی اسلام است.

۴. مبلغان دینی، باید شهر خود را در اولویت تبلیغی قرار دهند.

۵. مردم در برابر قرآن و پیامبر، به دو دسته مؤمنان عدالت‌پیشه بهشتی و ستمکاران دوزخی تقسیم می‌شوند.

کعبه نخستین عبادتگاه بشر

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ﴾

(آل عمران: ۹۶)

در واقع نخستین خانه [و پرستشگاهی] که برای مردم نهاده شد، آن [است] که در مکه است که خجسته و برای جهانیان [مايه] هدایت است.

نکته‌ها و اشاردها

۱. یهودیان اشکالاتی به پیامبر اسلام ﷺ کردند؛ از جمله گفتند چرا پیامبر اسلام که خود را وفادار به آیین ابراهیم عليه السلام می‌داند، قبله خویش را به سوی کعبه تغییر داده است؛ درحالی که تمام پیامبرانی که از دودمان

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۳۵۹. البته ایشان معنای اول را ترجیح می‌دهند.

اسحاق، فرزند ابراهیم بودند، بیت المقدس را محترم می شمردند و به طرف آن نماز می گزاردند؟^۱ آیه فوق به آنان پاسخ داد که نخستین پرستشگاه جهان، همان کعبه بوده است.

۲. طبق احادیث اسلامی، کعبه به دست آدم عَلَيْهِ السَّلَام ساخته شد. سپس در طوفان نوح آسیب دید. آن گاه ابراهیم خلیل آن را بازسازی کرد.^۲

۳. تعبیر «خانه‌ای که برای مردم است»، در مورد کعبه‌ای به کار رفته است که نام دیگرش «خانه خدا» است. پس این تعبیرات بیان کننده این حقیقت است که آنچه به نام خدا و برای خداست، در خدمت مردم است و آنچه در خدمت مردم و برای بندگان خداست، برای خدا محسوب می شود.

۴. نکته جالب آن است که کعبه برای عموم مردم (ناس) قرار داده شده است. پس خیر و برکت آن تنها برای قوم خاص یا پیروان یک دین، مثل دین حنیف نبوده است.

۵. منظور از جمله: «کعبه نخستین خانه‌ای بوده که برای مردم ساخته شده است»، آن است که کعبه نخستین خانه و محل پرستش بوده است و مراد از خانه در اینجا، خانه مسکونی نیست.

۶. واژه «بَکَّه» در اصل به معنای ازدحام و اجتماع است. برخی از مفسران نیز گفته اند «بَکَّه» همان مکه است که «میم» آن به «باء» تبدیل شده است و نظیر این در برخی لغات عرب، مثل لازم و لازب وجود

۱. تفسیر نمونه، ج ۳، صص ۶ و ۹.

۲. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۶۱.

دارد. امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «مکه نام مجموع شهر است و بکه نام محلی است که خانه کعبه در آنجا بنا شده است».^۱

در مورد اینکه چرا به مکه، بگه می گویند، چند احتمال وجود دارد: برخی گفته اند چون مردم در مکه ازدحام و اجتماع می کنند. برخی نیز احتمال داده اند که «بگه» به معنای از بین بردن نخوت و غرور است؛ چراکه در این مرکز، همه گردن کشان مغرور باید همانند مردم عادی به نیایش برخیزند. در برخی احادیث نیز آمده است که چون مردم در کعبه و اطراف آن گریه می کنند، به آن «بگه» گفته می شود.^۲

۷. در این آیه، چند فضیلت برای کعبه بیان شده است:

الف) کعبه سابقه ای طولانی دارد؛ یعنی نخستین پرستشگاه جهان بوده است. همین مسئله، سبب ارزش و اهمیت کعبه و حجرالاسود^۳ شده است.

ب) کعبه، مبارک است. واژه «مبارک» به معنای پربرکت و پرفایده است. کعبه هم از نظر معنوی و هم از نظر مادی در سرزمین پربرکت واقع شده است. برکات معنوی این سرزمین، به ویژه در مراسم حج آشکار می شود.

اما درباره برکات مادی آن، می توان گفت هر چند شهر مکه در سرزمینی خشک واقع شده است که از نظر طبیعی برای زندگی مناسب نیست، ولی در طول تاریخ، همواره یکی از شهرهای آباد جهان و از مراکز تجاری بوده است.

۱. علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۹۷.

۲. همان.

۳. حجرالاسود (سنگ سیاه) سنگی است که در یکی از ضلع های کعبه به کار رفته است و قدیمی ترین قطعه این بنا به شمار می رود و همه ساله بسیاری از مردم به آن دست می کشند.

حج) کعبه مایه هدایت جهانیان است. جاذبه معنوی این خانه مقدس چنان است که همگان را بی اختیار تحت تأثیر خود قرار می دهد و هر سال مردم را از نقاط مختلف جهان برای زیارت و مراسم حج به سوی خود می کشاند.

آیین حج، حتی در دوران تاریک جاهلیت و بت پرستی نیز برگزار می شد و برگزاری این مراسم که ناقص هم بود، تا اندازه زیادی جلوی کارهای نادرست آنان را می گرفت.

آری، کعبه هدایت های ظاهری و باطنی برای بشر دارد که جلوه هایی از آن در حج، عمره و طواف تبلور می یابد. پس کعبه، رمز هدایت همه مردم است.

آموزه ها و پیام ها

۱. کعبه نخستین پرستشگاه و مایه برکت و هدایت است. بنابراین از آن غافل نشوید و آن را قبله خویش قرار دهید و در آنجا اجتماع کنید.
۲. به سابقه تاریخی مکان های مقدس توجه کنید که این یکی از معیارهای امتیاز آنهاست.
۳. فواید کعبه جهانی است و اختصاص به قومی ندارد.
۴. از کعبه برکت و هدایت بنخواهید.

مکه حرم امن الهی

﴿أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيَتَخَفُّ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ

يُؤْمِنُونَ وَيَنْعَمَ اللَّهُ بِكُفْرُونَ﴾. (عنکبوت: ۶۷)

و آیا نظر نکرده‌اند که ما [مکه را] حرم آملی قرار دادیم؛ درحالی که مردم از اطرافشان ربوده می‌شدند؟! پس آیا به باطل ایمان می‌آورند و نعمت خدا را انکار می‌کنند؟!

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. در این آیات به یکی از نعمت‌های بزرگ خدا بر بشر، یعنی نعمت حرم آمن مکه اشاره شده است؛ درحالی که جهان پر از ناامنی است. خدا مکه را جزیره آمن برای همگان قرار داده است؛ به طوری که حتی حیوانات نیز در آنجا در امان‌اند و کسی حق تعرض به آنها را ندارد. البته این حرم آمن، آثار و فواید زیادی برای بشر دارد که بیشترین فایده آن برای مردم مکه است.

۲. مشرکان با اینکه از نعمت الهی حرم آمن مکه استفاده می‌کنند، باز هم کفر می‌ورزند و ناسپاسی می‌کنند و این ناسپاسی و کفر از مشرکان ساکن مکه زشت‌تر است.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. قدر نعمت حرم آمن مکه را بدانید و ناسپاسی نکنید.
 ۲. باطل‌گرایان از نعمت امنیت حرم استفاده می‌کنند و ناسپاسی می‌کنند. شما این گونه نباشید.

مکه شهر با امنیت و پربرکت

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾. (بقره: ۱۲۶)

و [یاد کنید] هنگامی را که ابراهیم گفت: «پروردگارا! این [مکه] را سرزمین امن قرار ده و مردمش را، هر کس از آنان به خدا و روز بازپسین ایمان آورد، از محصولات روزی ده». [پروردگارش] گفت: «[دعای تو را اجابت کردم] و [لی] هر کس کفر ورزد پس اندکی برخوردارش می‌کنم. سپس او را به سوی عذاب آتش می‌کشانم و [چه] بد فرجامی است!»

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. تا امنیت در شهر و کشور برقرار نباشد، فراهم کردن یک اقتصاد سالم ممکن نیست؛ به عبارت دیگر، بهره‌مندی از نعمت‌های اقتصادی وقتی گواراست که در فضای آرام و امن باشد. در واقع، امنیت و اقتصاد، دو اصل مهم زندگی مردم است که مورد توجه انبیای الهی بوده است.
۲. حضرت ابراهیم علیه السلام برای «مؤمنان» درخواست رزق کرد؛ اما خداوند فرمود به «کافران» نیز رزق خواهم داد. سنت الهی آن است که به همه مردم، اعم از مسلمان و کافر روزی دهد و در واقع این تجلی صفت رحمانیت، یعنی رحمت عام خداست.
۳. واژه «قلیلاً»، که درباره رزق کافران به کار رفت، نشان می‌دهد که کامیابی مادی کافران در دنیا، هر اندازه باشد، نسبت به نعمت‌های مؤمنان در دنیا و آخرت اندک است.
۴. ابراهیم علیه السلام که الگوی مؤمنان است، هنگام دعا، دیگران را فراموش نمی‌کند. بنابراین ما نیز دیگران را در دعای خود شریک کنیم.
۵. مقصود از «ثمرات» در این آیه، هرگونه نعمت مادی و معنوی است؛ یعنی با اینکه مکه سرزمین خشکی است، اما اهل مکه از انواع میوه و محصولات مادی برخوردارند.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. مؤمنان مکه مورد عنایت ویژه خدایند.
۲. رحمت خدا وسیع است و رزق او شامل تمام مردم، چه مؤمن و چه کافر می‌شود.
۳. کافران به نعمت‌های اندک دنیوی خود دلشاد نباشند که فرجامی سخت دارند.
۴. به فکر مؤمنان باشیم و برای آنان دعا کنیم.
۵. رهبران الهی در فکر امنیت و اقتصاد مردم باشند و برای آنها دعا و تلاش کنند.
۶. امنیت اجتماعی، زمینه‌ساز شکوفایی اقتصادی است.

مکه شهری که می‌توان به آن قسم خورد

﴿لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ * وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ * وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ * لَقَدْ خَلَقْنَا
الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ﴾. (بلد: ۱ و ۴)

به این سرزمین (مکه) سوگند یاد می‌کنم! * درحالی که تو در این سرزمین
فرو آمده‌ای! * سوگند به پدر و آنچه زاد! * که به یقین، انسان را در رنج و
مشقت آفریدیم.

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. هر چند خدای متعال همواره سخن راست و درست می‌گوید، اما
گاهی برای تأکید بر مطلبی و نشان دادن اهمیت آن، سوگند یاد می‌کند.
این سوگندها نشان‌دهنده عظمت آن مطلب است؛ به طوری که توجه
انسان را به آن جلب می‌کند.

۲. در این آیات، به سرزمین مکه سوگند یاد شده است؛ زیرا آنجا نخستین مرکز توحید و عبادت پروردگار است و پیامبران بزرگی همچون ابراهیم علیه السلام، اسماعیل علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله در آنجا طواف کرده‌اند.

۳. شرافت مکه به علت وجود پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در آن سرزمین است و زمانی به آن شهر سوگند یاد می‌شود که پیامبر صلی الله علیه و آله در آن شهر است. از این رو هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه هجرت می‌کند، با عنوان «قریه» یعنی روستا و آبادی از آن یاد می‌شود.^۱ در واقع، ارزش سرزمین‌ها به ارزش انسان‌هایی است که در آنها زندگی می‌کنند. اگر در سرزمینی عالمان و رهبران الهی زندگی کنند، آنجا متمدن است و حتی می‌توان بدان سوگند یاد کرد؛ وگرنه سزاوار نام شهر نیست.

گفت معشوقی به عاشق کای فتی تو به غربت دیده‌ای بس شهرها
گو کدامین شهر از آنها خوش تر است گفت آن شهری که در وی دلبر است

۴. برخی مفسران برای این آیات، تفسیر دیگری نیز ذکر کرده و گفته‌اند که خدا می‌فرماید: «به شهر مکه سوگند یاد نمی‌کنم؛^۲ زیرا مردم مکه با تو بسیار بدرفتاری می‌کنند». شهری که هرکس داخل آن شود امنیت دارد، چرا برای تو امنیتی ندارد و مشرکان حرمت تو را نگاه نمی‌دارند. این تفسیر که در برخی احادیث نیز آمده است،^۳ به نوعی سرزنش مشرکان مکه است.

۵. در این آیات، از «پدر و فرزند» یاد شده است. این پدر و فرزند، یا ابراهیم و اسماعیل علیه السلام هستند که کعبه و مکه را بنیاد نهادند یا آدم و

۱. «مِن قَرْنَتِكَ الَّتِي أَخْرَجْتِكَ أَهْلَكُنَاهُمْ...» (محمد: ۱۳)

۲. بنابر تفسیر اول «لا» زایده، و بنابراین تفسیر «لا» نافی است.

۳. تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۷۴۷؛ بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۵۱.

فرزندانش یا آدم و پیامبران از نسل او و یا می‌تواند هر پدر و فرزندی مقصود باشد. البته مانعی ندارد که آیه به هر چهار معنا اشاره داشته باشد؛ هر چند معنای اول مناسب‌تر است.^۱

۶. انسان از آغاز زندگی تا هنگام مرگ، گرفتار مشکلات و رنج‌های روحی و جسمی است.^۲ حتی پیامبران الهی نیز از این قانون استثنا نشدند. در واقع انسان با همین رنج و مشکلات، ساخته می‌شود و تکامل می‌یابد. آرامش بی‌رنج در زندگی مادی ممکن نیست. تنها سرای آخرت و بهشت جای راحتی و آرامش نهایی است.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. سرنوشت انسان با رنج و سختی رقم خورده است. پس منتظر آرامش و راحتی مطلق در دنیا نباشید.
۲. ارزش شهرها، به ارزش مردان الهی است که در آنجا ساکن می‌شوند.
۳. شهر مکه همراه پیامبر اسلام ﷺ و ابراهیم و اسماعیل عليه السلام آن‌قدر ارزشمند است که می‌توان به آن سوگند یاد کرد.

مکه شهر پرجاذبه و پربرکت و محل برپایی نماز

﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ دُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْنِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ﴾ (ابراهیم: ۳۷)

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۷، صص ۸ و ۹.

۲. «کبد» در اصل به معنای شدت است و برخی آن را به معنای درد کبد انسان گفته‌اند؛ رک: المفردات فی غریب القرآن.

[ای] پروردگار ما! در واقع، من برخی از فرزندانم را در دره‌ای [و سرزمینی] بدون زراعت، نزد خانه محترم تو، سکونت دادم. [ای] پروردگار ما! [آنان را سکونت دادم] تا نماز را برپا دارند. پس دل‌های گروهی از مردم را به سوی آنان گرایش ده و آنان را از محصولات روزی ده، تا شاید آنان سپاسگراری کنند.

نکته‌ها و اشاردها

۱. این آیه به هنگامی اشاره می‌کند که ابراهیم علیه السلام با هاجر ازدواج کرد و دارای فرزندی به نام اسماعیل شد و به فرمان خدا، هاجر و فرزند کوچکش را به سرزمین مکه آورد و کنار کعبه گذاشت.^۱

سرزمین مکه در آن هنگام، خشک و بی‌آب و علف بود و آفتاب گرمش، مادر و کودک را می‌رنجاند. هاجر مدتی به دنبال آب گشت، اما آبی نیافت. آن‌گاه دید که کودکش پای بر زمین سایید و چشمه‌ای پدیدار شد. چیزی نگذشت که قبیله بیابانگرد «جرهم» که از نزدیکی آن محل عبور می‌کردند، از ماجرا آگاه شدند و در آن سرزمین اقامت کردند و کم‌کم شهر مکه شکل گرفت و دعا‌های ابراهیم علیه السلام تحقق یافت.

۲. در آیه ۳۵ همین سوره، ابراهیم علیه السلام از مکه با عنوان «بَلَد» (شهر) یاد می‌کند. اما در این آیه از آن با عنوان «سرزمین فاقد آب و گیاه» یاد می‌کند؛ زیرا در آغاز ورود ابراهیم علیه السلام به مکه، آنجا سرزمینی خشک و سنگلاخی بود. اما با پیدایش چشمه زمزم و اقامت قبایل اطراف، آنجا به

۱. برخی مفسران نوشته‌اند که انتقال هاجر و اسماعیل به مکه به علت حسادت و تحریک «ساره» همسر دیگر ابراهیم بود؛ رک: تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۳۶۲. اما از تعبیر «لِيَقِيمُوا الصَّلَاةَ» استفاده می‌شود که هدف بلند دینی و دستور الهی بود که ابراهیم را به این کار واداشت.

مرور زمان به شهر تبدیل شد. البته شاید این تعبیر برای آن است که «بلد» در قرآن گاهی به معنای سرزمین می‌آید.^۱

۳. علت اصلی سکونت خانواده ابراهیم علیه السلام در مکه، برای برپایی نماز بود؛ زیرا کعبه، قبله عبادت بندگان صالح خدا در این سرزمین بود.

۴. نماز در ادیان پیشین نیز بوده است؛ هرچند مقدار و کیفیت آن با نماز مسلمانان تفاوت داشته است.

۵. محبوبیت و گرایش دل‌ها، به دست خداست و این مسئله با فداکاری در راه خدا و برپایی نماز ارتباط دارد.

۶. سرزمین مکه در زمان ابراهیم علیه السلام نیز محترم بود و محدودیت و ممنوعیت داشت؛ یعنی حَرَم بود.

۷. ابراهیم علیه السلام در این آیه، دو دعا برای فرزندانش می‌کند: یکی برای تأمین نیازهای اقتصادی آنان و دیگری برای مسائل معنوی آنان که خدا آنان را محبوب مردم قرار دهد.

۸. امام باقر علیه السلام فرمود: «ما اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله باقیمانده نسل ابراهیم علیه السلام هستیم که دل‌های مردم به سوی ما گرایش دارد [سپس آیه مورد بحث را تلاوت کردند].»^۲

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. در مهاجرت و سکونت، نماز محور باشید.

۲. تأمین نیازهای اقتصادی، زمینه‌ساز شکر خداست.

۳. به فرزندان خویش دعا کنید.

۱. رک: اعراف: ۵۷ و ۵۸.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۳۱؛ المناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۷۹؛ تفسیر نور، ج ۶، ص ۲۵۵.

ماجرای حمله فیل سواران به مکه و دفاع الهی از آن

﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ * أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ *
وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ * تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ * فَجَعَلَهُمْ
كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ﴾. (فیل: ۱ - ۵)

آیا نظر نکرده‌ای که پروردگارت با همراهان فیل چه کرد؟! * آیا نیرنگ
آنان را گم گشته قرار نداد؟! * و پرندگان دسته‌دسته بر آنان فرستاد * که
سنگ [هایی] از جنس گِل بر آنان افکندند * و [سرانجام] آنان را همچون
برگ خورده شده قرار داد.

شأن نزول

ابوطالب روزی از پیامبر اسلام ﷺ پرسید: «آیا تو پیامبر قوم خود
هستی یا به سوی جهانیان برانگیخته شده‌ای؟» پیامبر ﷺ فرمود: «من به
سوی تمام انسان‌های سیاه، سفید، عرب و عجم برانگیخته شده‌ام... و
تمام فارس و روم را به سوی این آیین فرا می‌خوانم».
این سخن به گوش قریش رسید و آنها با اعتراض به ابوطالب گفتند:
«اگر این سخنان به گوش مردم فارس و روم برسد، ما را از سرزمینمان
می‌ربایند و سنگ‌های خانه کعبه را قطعه‌قطعه جدا می‌کنند». در همین
هنگام آیه ۵۷ سوره قصص و سوره فیل نازل شد^۱ و با یادآوری
سرگذشت هلاکت بار فیل سواران، گوشزد کرد هیچ‌کس قادر نیست به
کعبه حمله کند.

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. این سوره به ماجرای حمله «ابرهه» به کعبه اشاره دارد.^۱ ابرهه یکی از فرماندهان سپاه مسیحیان در فتح یمن بود. او که مردی قدرت‌طلب بود با کودتا در یمن به حکومت رسید و دستور ساخت کلیسایی زیبا را داد و از مردم عرب خواست که در آن عبادت کنند و از کعبه دست بردارند. ولی مردم نپذیرفتند و حتی برخی به کلیسای ابرهه جسارت کردند و آن را آتش زدند. از این رو ابرهه تصمیم به تخریب کعبه گرفت تا هم از آنها انتقام گرفته باشد و هم مردم را متوجه کلیسای خود سازد.

ابرهه با سپاهی فیل سوار^۲ به سوی مکه حرکت کرد و اموال مردم را غارت کرد که در این میان دویست شتر از عبدالمطلب به یغما رفت. سپس فرستاده‌ای به سوی بزرگ مردم مکه (عبدالمطلب) فرستاد تا به آنان خبر دهد که او فقط برای تخریب کعبه آمده است و قصد جنگ ندارد. عبدالمطلب نزد او رفت و ضمن درخواست برگرداندن شترانش، به او گفت: «من صاحب شتران خود هستم و خانه کعبه نیز صاحب دارد که به زودی از آن دفاع می‌کند». با سرازیر شدن سپاه ابرهه به سوی کعبه، مردم مکه به دره‌ها و کوه‌ها پناه بردند. ولی دیری نپایید که ابر سپاهی از پرندگان که شبیه پرستو بودند نمایان شد و هرکدام از آنها با سه سنگ‌ریزه‌ای که با منقار و پاها حمل می‌کردند بر لشکریان ابرهه حمله کردند. این سنگ‌ریزه‌ها به هرکس اصابت می‌کرد، هلاک می‌شد. افرادی هم که جان سالم به در بردند، فرار کردند.

۱. اسباب النزول، ص ۴۹۲؛ نمونه بینات، ص ۸۸۰.

۲. تعداد فیل‌ها را یک، هشت، ده و دوازده عدد نوشته‌اند؛ ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۳۴.

۲. در همان سالی که سپاه فیل سوار به مکه حمله کرد، یعنی ۵۲ سال قبل از هجرت، پیامبر اسلام ﷺ به دنیا آمد و آن سال به عام الفیل مشهور گشت که مبدأ تاریخی برای عرب‌ها شد.

برخی مفسران معتقدند که این واقعه، زمینه‌ساز ظهور پیامبر بود؛ یعنی از نوع معجزاتی است که قبل از قیام پیامبران واقع می‌شود و در اصطلاح به این نوع وقایع، «ارهاص» گفته می‌شود.^۱

۳. پیامبر ﷺ واقعه حمله سپاهیان ابرهه را به کعبه ندیده بود؛ اما در این آیات به ایشان خطاب می‌شود: «آیا نظر نکرده‌ای؟!» این تعبیر برای آن است که آن واقعه به عصر پیامبر ﷺ بسیار نزدیک بود؛ به طوری که گویا پیامبر ﷺ با چشم خود دیده بود. البته ممکن است مقصود از «نظر»، تأمل در این حادثه عبرت‌آموز باشد.

۴. لشکریان بی‌شمار ابرهه برای ایجاد وحشت، از فیل‌هایی که پیشرفته‌ترین وسیله جنگی آن زمان به شمار می‌آمد، استفاده می‌کردند. اما خدا آنان را به وسیله موجوداتی کوچک، همچون پرستو و با گل نابود ساخت تا درس عبرتی برای همه سرکشان زورمند باشد و بدانند که قدرت آنها در برابر قدرت الهی حقیر و ناچیز است!

۵. نیرنگ و نقشه ابرهه از این حمله، تخریب کعبه و فراخواندن مردم به عبادت در کلیسای خود بود. اما خدا این نقشه و نقشه‌کشان را نابود ساخت تا درس عبرتی برای دیگران شوند. آنان نه تنها به مقصود خود

۱. «ارهاص» به معنای پایه‌گذاری یا ایستادن است و به معجزاتی گفته می‌شود که قبل از قیام پیامبران واقع می‌شود.

نرسیدند، بلکه شکست آنان، بر عظمت مکه و کعبه افزود و امنیت آنجا را صد چندان کرد و دل‌های مشتاقان را بیشتر جذب کعبه نمود.

۶. «أباییل» به معنای دسته‌دسته است؛ یعنی این پرنندگان که شبیه پرستو بودند، به صورت گروهی حرکت می‌کردند و با سنگ‌های گلی کوچکی که با خود حمل می‌کردند، سپاه ابرهه را همچون برگ بر زمین ریختند و هلاک ساختند.

۷. قرآن درباره این واقعه، تنها اشاره کرده است که این سنگ‌ها به نحوی معجزه‌آسا سپاه ابرهه را از پای درآورد. اما از چگونگی آن سخن نگفته است. ممکن است این سنگریزه‌ها حامل میکروب‌هایی همچون وبا، حصبه و آبله بوده است^۱ یا اتم‌های فشرده شده‌ای بوده است که به هر کجا اصابت می‌کرده آن را سوراخ می‌کرده است. به‌رحال خدایی که درون هر ذره، نیروی اتمی قرار داده، می‌تواند به وسیله سنگریزه‌ها، سپاهی عظیم را نابود سازد.

۸. سپاهیان هلاک شده ابرهه، به برگِ خورده شده، یا گاه جویده شده تشبیه شده‌اند. این مطلب اشاره به خواری و ناتوانی آن گروه سرکش، و متلاشی شدن کامل آنهاست.

۹. سوره فیل و ماجرای هلاکت بار و عبرت‌آموز آن، هشدار بود برای مشرکان مکه که با پیامبر ﷺ مخالفت می‌کردند و درس آموزنده و هشداردهنده‌ای است برای همه سرکشان تاریخ.

۱. در برخی حکایات و روایات آمده است که در سال عام‌الفیل برای نخستین بار، بیماری حصبه و آبله در سرزمین عرب دیده شد و از بدن مصدومان حادثه عام‌الفیل خون و چرک می‌آمد؛ ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲۷، صص ۳۳۴ و ۳۳۹.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. به سرنوشت فیل سواران بنگرید و عبرت آموزید.
۲. خدا می‌تواند قدرتمندان و موجودات بزرگ را با کوچک‌ترین چیزها هلاک سازد.
۳. اگر خدا بخواهد، پرندگان و سنگ‌ریزه‌ها هم می‌توانند باعث نابودی دشمنان او شوند.
۴. اگر کسی به مقدسات حمله کند، خدا او را خرد و هلاک می‌سازد.

پرستش پروردگار کعبه و فلسفه آن

﴿لَا يَلَافُ قُرَيْشٌ * إِلَّا فِيهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ * فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا
الْبَيْتِ * الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَأَمَّنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾. (قریش: ۱-۴)

برای اُلفت گرفتن قریش * اُلفت آنان در سفر زمستانه و تابستانه * پس باید
پروردگار این خانه (کعبه) را بپرستند * [همان] کسی که آنان را در
گرستگی غذا داد و آنان را از ترس ایمن ساخت.

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. سوره «قریش» در حقیقت، دنباله سوره «فیل» و یادآور نعمت‌های الهی بر مردم مکه است؛ به عبارت دیگر، خدا سپاه فیل‌سوار را نابود و حمله آنان به کعبه را دفع کرد تا اجتماع قریش متلاشی نشود و اُلفت بیشتری یابند و به یاری خدا دلگرم شوند.^۱
۲. سرزمین مکه که بین شام و یمن قرار داشت، سرزمینی خشک و

۱. لام در ﴿لَا يَلَافُ﴾ متعلق به ﴿فَجَعَلَهُمْ كَعَصِفٍ مَّا كُولٍ﴾ در سوره «فیل» است. البته مفسران احتمال داده‌اند که متعلق به ﴿فَلْيَعْبُدُوا﴾ باشد؛ ولی بعید است.

کم آب بود و کشاورزی و دامداری در آن رونق چندانی نداشت. از این رو مردم مکه بیشتر به تجارت می پرداختند. آنان در تابستان به سوی سرزمین شام (فلسطین و سوریه)، و در زمستان به سوی یمن که هوا در آنجا گرم تر بود، مسافرت می کردند.

آنان در این سفرها به دوستی، امنیت و غذا نیاز داشتند و خدا نیز با حفظ کعبه نیاز آنان را تأمین کرد؛ یعنی پس از واقعه عام الفیل، قریش بین مردم از احترام خاصی برخوردار شدند و کمتر متعرض آنان می شدند. کعبه نیز نقطه امید آنان بود و همگی به سوی آن باز می گشتند و با تجارت آنها و سفرهای زیارتی دیگران به مکه، اقتصاد مکه رونق می گرفت و غذای قریش تأمین می شد.

۳. در این آیات به سه نعمت دوستی، غذا و امنیت اشاره شده است. سه نعمتی که در زندگی بشر نقش اساسی دارد و لازم است انسان، سپاسگزار این نعمت ها باشد و خدا را بپرستد.

۴. «قریش» نام قبیله اصلی مردم مکه و در اصل یا به معنای اکتساب است؛ چون قریش زندگی خود را با تجارت می گذراندند، یا به معنای بازرسی و خبرگیری است؛ چرا که قریش از حاجیان، اخبار اطراف را کسب می کردند، یا به معنای اجتماع است و یا نام نوعی حیوان قدرتمند دریایی است که حیوانات کوچک را می بلعد.^۱

به هر حال قریش که نخستین مخاطبان اسلام بودند، سابقه خوبی از خود برجای نگذاشتند؛ چون بیشتر آنان مقابل پیامبر ﷺ ایستادند و او را آزار دادند و سپاس نعمت های الهی را به جا نیاوردند.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. با یاد نعمت‌های الهی، مثل دوستی، امنیت و غذا، سپاسگزار و پرستشگر او باشید.
۲. منشأ امنیت، غذا و دوستی، پروردگار شماست.
۳. قریش و مردم مکه قدر نعمت‌های الهی خود را بدانند و از پرستش خدا غافل نشوند.

مسجد الحرام

مسجد الحرام پایگاه اول معراج

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي

بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ (اسراء: ۱)

منزه است آن [خدایی] که بنده‌اش را، شبانگاهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی که پیرامونش را پربرکت کرده‌ایم، سیر داد تا برخی از نشانه‌هایمان را به او بنمایانیم که تنها او شنوا [و] بینای [حقیقی] است.

شأن نزول

پیامبر اسلام ﷺ در مکه و در شب ۲۷ رجب سال دهم بعثت^۱ به فرمان خدا و به صورت اعجاز‌آمیز از مسجد الحرام به مسجد الاقصی برده شد و از آنجا به معراج رفت تا برخی از آثار عظمت خدا را مشاهده کند

۱. تاریخ معراج را برخی شب هفدهم ماه رمضان سال دوازدهم بعثت و برخی آن را در اوایل بعثت دانسته‌اند. ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۱۴. اما سال دهم به نظر قوی‌تر می‌رسد؛ چراکه با زمان نزول سوره اسراء که سال یازدهم است، تناسب بیشتری دارد.

و همان شب نیز به صورت خارق‌العاده به مکه بازگشت. آیه مذکور نیز به این واقعه بزرگ تاریخ اسلام اشاره کرده است.

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. «آسری» به معنای سفر شبانه است. پس روشن می‌شود که مسافرت پیامبر ﷺ در شب بوده است و واژه «لیلاً» هم که در ادامه آیه آمده، تأکیدی بر این مطلب است؛ یعنی فاصله مکه تا بیت‌المقدس را که صدها کیلومتر است و در آن دوره، هفته‌ها طول می‌کشید تا آن فاصله را بپیمایند، پیامبر ﷺ در یک شب به صورت اعجاز‌آمیزی درنوردید.

۲. واژه «عبد» در آیه، اشاره به آن است که این اکرام و افتخاری که به پیامبر ﷺ داده شد، به علت بندگی او بود. این بالاترین مقام انسان است که جز خدا را نپرستد و تسلیم محض او باشد.

۳. مشهور نظر علما آن است که معراج پیامبر ﷺ با جسم و روح بود. ولی برخی صاحب‌نظران آن را به معراج روحانی تفسیر کرده‌اند.^۱ اما ظاهر آیه که از سیر «بنده خدا» سخن می‌گوید، با معراج جسمانی سازگارتر است.

۴. افزون‌بر خود «مسجدالاقصی»، اطراف آن نیز مبارک و پربرکت است. منظور از برکات نیز، یا برکات ظاهری و سرسبزی و آبادی، یا برکات معنوی سرزمین فلسطین است که در طول تاریخ، کانون پیامبران بزرگ و خاستگاه نور توحید بوده است.

۵. در برخی احادیث آمده است که مسافرت پیامبر ﷺ از مکه به

۱. یعنی چیزی شبیه یک خواب یا مکاشفه روحی؛ رک: تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۱۱.

قدس و معراج ایشان به وسیله مرکبی به نام «بُراق» بوده است.^۱ از این گونه احادیث استفاده می‌شود که خدا به صورت اعجاز‌آمیز، وسیله‌ای مطمئن برای مسافرت پیامبر ﷺ فراهم کرده بود تا او را از هرگونه خطر زمینی و آسمانی محافظت کند.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. خدا پیامبرش را به سفری شبانه برد.
۲. مسجدالاقصی و اطراف آن بابرکت است. پس ارزش آن را بدانید.
۳. بندگی، زمینه‌ساز برخورداری از موهبت الهی می‌شود.

مسجدالحرام قبله مسلمانان

آیه اول:

﴿قَدْ تَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ﴾ (بقره: ۱۴۴)

به یقین، روی چرخاندن در آسمان [و نگاه‌های انتظارآمیزت] را می‌بینیم و مسلماً تو را به [سوی] قبله‌ای که از آن خشنودی، بازمی‌گردانیم. پس روی خود را به سوی مسجدالحرام کن؛ و هر جا بودید، روی خود را به [سوی] آن کنید و در حقیقت کسانی که کتاب [الهی] به آنها داده شده، می‌دانند که این [تغییر قبله، فرمان] حقی است از جانب پروردگارشان و خدا از آنچه می‌کنند، غافل نیست.

۱. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۷۶؛ بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۳۱۹؛ تفسیر صافی، ج ۳، ص ۱۶۷. البته در احادیث مکرر اشاره شده که پیامبر ﷺ به آسمان رفت و این مطلب با توجه به اینکه واژه «سما» به معنای جهت بالا، جوّ زمین، جایگاه ستارگان و آسمان معنوی می‌آید، ممکن است به هرکدام از این معانی باشد.

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. طبق روایات تاریخی، تغییر قبله مسلمانان از بیت‌المقدس به طرف کعبه در حال نماز ظهر انجام گرفت. پیک وحی در این لحظه حساس نازل شد و بازوان پیامبر ﷺ را گرفت و از طرف بیت‌المقدس به سوی کعبه برگردانید و مسلمانان نیز صفوف جماعت خود را تغییر دادند.^۱ بیت‌المقدس تقریباً در سمت شمال مدینه، و مکه در سمت جنوب مدینه بود.
- تغییر قبله مسلمانان در رکعت دوم نماز ظهر و در مسجد «بنی‌سالم» انجام شد و پیامبر ﷺ در این مسجد، یک نماز را به طرف دو قبله خواند. این مسجد اکنون در مدینه به «مسجد ذوقبلتین» مشهور است.
۲. تغییر قبله یکی از نشانه‌های پیامبر اسلام ﷺ در کتاب‌های امت‌های پیشین بود. مخالفان اسلام نیز این مطلب را خوانده بودند که پیامبر به سوی دو قبله نماز می‌خواند؛ اما آنها به جای آنکه این تغییر قبله را نشانه صدق پیامبر معرفی کنند، آن را پنهان کردند و به بهانه‌جویی پرداختند.
۳. پیامبر ﷺ به کعبه بسیار علاقه داشت و منتظر بود تا فرمان تغییر قبله صادر شود؛ زیرا کعبه قدیمی‌ترین پایگاه توحید و قبله ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام بود. همچنین، تغییر قبله، استقلال مسلمانان را ثابت می‌کرد و آنان را از زخم زبان و تحقیر یهود آسوده می‌ساخت.
۴. از آنجا که توجه دقیق به کعبه در هنگام نماز مشکل است، خداوند برای وسعت دادن قبله، جهت مسجدالحرام را قبله معرفی کرد و توجه به «جانب» آن را کافی دانست.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. مسجدالحرام قبله مورد رضایت خدا و پیامبر ﷺ است.
 ۲. همگی رو به سوی کعبه دوست کنید.
 ۳. ادب در برابر خدا را از پیامبر ﷺ بیاموزید که تقاضای خود را با نگاهش بیان می‌کرد و به دستوره‌ای الهی اعتراض نمی‌کرد.
- آیه دوم:

﴿وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾. (بقره: ۱۴۹)

و از هر کجا بیرون آمدی، روی خود را به سوی «مسجدالحرام» کن و به یقین، این [دستور] حقی از طرف پروردگار توست و خدا از آنچه انجام می‌دهید، غافل نیست.

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. در آیه ۱۴۴ سوره بقره به پیامبر اسلام ﷺ دستور داده شد که به طرف مسجدالحرام نماز بگزارد و در این آیه بر همان مضمون تأکید می‌شود. این تأکیدها که در آیه بعدی نیز خواهد آمد، بیانگر آن است که مسئله تغییر قبله از بیت‌المقدس به مسجدالحرام، برای گروهی از مسلمانان، سنگین بود؛ همان‌طور که دستاویزی برای دشمنان شده بود.
۲. دستوره‌ای این آیه تکرار محض نیست؛ چرا که آیات گذشته، حکم قبله محل سکونت مسلمانان را مشخص کرد. ولی این آیه و آیه بعد، حکم قبله نمازگزاران مسافر را روشن می‌سازد.^۱

۳. در همه تحولات و انقلاب‌ها، مطرح شدن موضوع جدید، باعث گفت‌وگو و اشکال‌تراشی می‌شود. چنانچه رهبر جمعیت، در این مواقع حساس، با لحن قاطع و تغییرناپذیر، موضع خود را مشخص کند، دوستان را مصمم‌تر، و دشمنان را برای همیشه ناامید می‌سازد. این روشی است که در قرآن، مکرر و به وضوح دیده می‌شود و می‌تواند درسی برای رهبران مسلمان باشد.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. در حقانیت قبله خود (مسجدالحرام) تردید نکنید که از طرف خدا مشخص شده است.

۲. مسجدالحرام را در سفر و در وطن، قبله قرار دهید.

۳. خدا شما را زیر نظر دارد، پس مراقب اعمال خود باشید.

آیه سوم:

﴿وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَا تَمْنَعِي عَلَيْكُمْ وَاعْلَمُكُمْ تَهْتَدُونَ﴾.

(بقره: ۱۵۰)

و از هر کجا بیرون آمدی، روی خود را به سوی «مسجدالحرام» کن و هر کجا بودید، روی خود را به سوی آن بگردانید تا مردم، دلیلی بر [ضد] شما نداشته باشند؛ مگر کسانی از آنان که ستم کردند [و دست از لجاجت بر نمی‌دارند]. پس از آنان نهراسید و از [مخالفت] من بهراسید! [و روی به قبله کنید] تا اینکه نعمتم را بر شما تمام کنم و باشد که شما راهنمایی شوید.

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. اگر قبله تغییر نمی‌کرد، از یک‌سو، یهودیان به مسلمانان اعتراض می‌کردند و می‌گفتند: «ما در کتاب‌های خویش خوانده‌ایم که نشانه پیامبر موعود آن است که به طرف دو قبله نماز می‌خواند و این نشانه در محمد ﷺ نیست». از سوی دیگر، مشرکان ایراد می‌گرفتند، «اگر پیامبر اسلام ﷺ مدعی است که برای احیای آیین ابراهیم ﷺ آمده، پس چرا خانه کعبه را که پایه‌گذارش ابراهیم ﷺ بود، فراموش کرده است و به طرف بیت‌المقدس نماز می‌گزارد». بنابراین تغییر قبله مسلمانان، زبان هر دو گروه را بست و به این اعتراضات پایان داد. البته همیشه گروهی بهانه‌جو و ستمگر هستند که در برابر هیچ منطقی تسلیم نمی‌شوند.

۲. این آیه به سه مورد از اسرار تغییر قبله و امتیاز قبله مسلمانان اشاره کرده است:

(الف) توجه به مسجدالحرام جلوی بهانه‌جویی دشمنان اسلام را می‌گیرد.
 (ب) تغییر قبله تکمیل نعمت‌های الهی و نوعی تکامل تربیتی بود؛ زیرا مسلمانان را با انضباط اسلامی آشنا ساخت و از برکات معنوی مکه بهره‌مند گرداند.

(ج) توجه به مسجدالحرام و کعبه، زمینه‌ساز هدایت است و مسلمانان را از برکات معنوی راه ابراهیم ﷺ برخوردار می‌سازد و بر هدایت آنان می‌افزاید.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. مسجدالحرام قطب دایره مسلمانان جهان است.
۲. توجه به مسجدالحرام موجب تکمیل نعمت‌های الهی، زمینه‌ساز هدایت و قطع بهانه‌جویی دشمنان است.

۳. احکام و قوانین الهی را برای مردم، تکرار و تأکید کنید تا بر جان آنها بنشیند و بدان عمل کنند.
۴. اگر خواستار نعمت کامل‌تر و هدایت بیشتر و دفع بهانه‌جویی دشمنان هستید، به سوی مکه رو آورید.

جنگ در مسجدالحرام ممنوع

﴿وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجْتُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِن قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ * فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ (بقره: ۱۹۱ و ۱۹۲)

و هر کجا آنان را یافتید، بکشید و از جایی که شما را بیرون راندند، آنان را بیرون کنید و [بدی] آشوبگری [شرک]، از کشتار [هم] شدیدتر است و کنار مسجدالحرام با آنان پیکار نکنید؛ مگر اینکه در آنجا با شما بجنگند و اگر با شما پیکار کردند، آنها را بکشید. سزای کافران چنین است * و اگر خودداری کردند، خدا بسیار آمرزنده مهرورز است.

نکته‌ها و اشاره‌ها

- در آیه اول اشاره شد که حفظ احترام مسجدالحرام در هر شرایطی لازم است؛ مگر هنگامی که دشمن بخواهد با سوءاستفاده از این حرم امن و مکان مقدس، خون مسلمانان را بر زمین بریزد که در این صورت، قاعده «أهم و مهم» جاری می‌شود؛ یعنی مسئله مهم امنیت و حفظ احترام مسجدالحرام، فدای مسئله مهم‌تر (حفظ خون مسلمانان) می‌شود و جنگ در مسجدالحرام جایز می‌گردد.

۲. خدای متعال در این دو آیه، وظایف مسلمانان را در برابر کافران و مشرکان مکه روشن ساخته است؛ مشرکانی که مسلمانان را از خانه و زندگی خود در مکه آواره ساختند و هر نوع اذیت و آزاری را برای آنها روا داشتند. این آیات به مسلمانان اجازه می‌دهد که کافران مکه را تعقیب کنند و هر جا دسته‌ای از آنان را آماده مبارزه یابند، بکشند و همان‌گونه که آنان مسلمانان را آواره کردند، اینان نیز آنها را از مکه بیرون کنند. هر چند این آیات درباره روش برخورد با کافران مکه است، اما شامل همه کافرانی می‌شود که شرایطی همانند آنان را دارند.

۳. فتنه، هر چیزی است که موجب اختلاف و اضطراب و آشوبگری شود.^۱ این معنای وسیع شامل هرگونه فریب، فساد، شرک، گناه و رسوایی می‌شود و مقصود از «فتنه» در این آیه، همان شرک و بت‌پرستی است که سرچشمه انواع مفاسد اجتماعی، اختلافات، گناه، فساد و خونریزی است.^۲ در واقع آیین بت‌پرستی و فسادهایش که حرم امن خدا را آلوده کرده بود، فتنه‌ای بالاتر از کشتار بود.

۴. در این آیات علت و فلسفه جنگ بیان شده است و این درسی برای همه فرماندهان جنگ‌هاست که علل جنگ را برای سربازان خود بیان کنند و آنها را توجیه نمایند. بیان علت حکم، نقش مهمی در

۱. ر.ک: التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ماده «فتن».

۲. واژه «فتنه» در اصل به معنای قراردادن طلا زیر فشار آتش برای خالص شدن است. از این رو به امتحان نیز «فتنه» گویند و سپس به وسایل امتحان و عذاب و ناراحتی که از امتحان به انسان می‌رسد نیز «فتنه» گفته شده است؛ چراکه موجب فشار بر انسان است؛ ر.ک: المفردات فی غریب القرآن، ماده «فتن». البته در قرآن کریم، واژه فتنه در معنای آزمایش (عنکبوت: ۲۰)، فریب (اعراف: ۲۷)، عذاب و بلا (انفال: ۲۹) گمراهی (مائده: ۴۱) و شرک (انفال: ۳۹) به کار رفته است.

فرمانبرداری مردم دارد؛ چراکه عقل آنان را قانع می‌کند و همراهی عقل و دل در پیشرفت کارها بسیار مؤثر است.

۵. خدای متعال در آیه اول به مسلمانان اجازه می‌دهد همان‌طور که کافران، مسلمانان را از مکه تبعید کردند، مسلمانان نیز کافران را اخراج کنند. البته این یک قانون کلی است و مخصوص اهل مکه نیست.

۶. خداوند در آیات قبل دستور داد که مسلمانان در اصل جنگ، پیش‌دستی نکنند و در این آیه می‌فرماید که در شکستن حریم مقدسات نیز پیش‌دستی نکنند و تا وقتی دشمن نزد مسجدالحرام با شما نجنگیده است، در آنجا جنگ نکنند.

۷. در آیه دوم راه توبه را برای دشمنان اسلام می‌گشاید و می‌گوید: «اگر مشرکان دست از جنگ با شما برداشتند و توبه کردند، خدا گناهان گذشته آنان را می‌آمرزد و با لطف خویش، توبه آنان را می‌پذیرد و در این صورت مسلمانان حق ندارند کینه‌ورزی کنند و آنان را بکشند».

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. نبرد با دشمنان جنایتکار اسلام، مکان و محدوده خاصی ندارد.
۲. با دشمنان مقابله به مثل کنید.
۳. فتنه‌گری دشمنان از خونریزی آنان خطرناک‌تر است. پس مراقب فتنه‌ها باشید و با آنها مقابله کنید.
۴. در جنگ‌ها، حرمت مکان‌های مقدس را پاس دارید.
۵. اگر دشمن حرمت مکان‌های مقدس را شکست و جنگ را در آنجا شروع کرد، در نبرد با او تردید نکنید.

۶. دلایل و فلسفه جنگ را برای سربازان اسلام بیان کنید تا توجیه شوند و با انگیزه بجنگند.
۷. پاسداشت حرمت مسجدالحرام، موجب سوءاستفاده دشمن و کوتاهی شما در جنگ نشود.
۸. کافران سزای کفر و فتنه‌انگیزی خود را در میدان نبرد خواهند دید.
۹. اگر دشمن دست از جنگ برداشت، مشمول لطف و آمرزش می‌شود. پس شما نیز به جنگ پایان دهید.
۱۰. راه بازگشت و توبه را برای دشمنان باز بگذارید و جنگ طلب نباشید.

پاسداشت مسجدالحرام

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا
الْقَلَائِدَ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا
حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نَقَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ
الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ
وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾. (مانده: ۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [نه مراسم حج و] نشانه‌های خدا و نه ماه [های] حرام و نه قربانی‌های بی‌نشان و نه نشاندار و نه قصدکنندگان خانه محترم [خدا] را درحالی که بخشش و خشنودی از پروردگارشان می‌جویند [حرمت‌شکنی نکنید و] حلال ندانید و هنگامی که از احرام بیرون آمدید، پس [می‌توانید] شکار کنید و البته، کینه‌توزی عده‌ای، برای اینکه شما را از [آمدن به] مسجدالحرام [در صلح حدیبیه] بازداشتند، شما را و ندارد که

تعدی نمایند و بر [ای] نیکو کاری و خودنگه‌داری با یکدیگر همکاری کنید و بر [ای] گناه و تعدی با یکدیگر همکاری ننمایند و خودتان را از [عذاب] خدا ننگه دارید؛ [چرا] که خدا، سخت کیفر است.

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. ایجاد مزاحمت گروهی از بت‌پرستان در دوران جاهلیت یا در جریان صلح حدیبیه، نباید سبب شود که بعد از مسلمان شدن آنها، بار دیگر کینه‌های دیرین را زنده کنید و مانع زیارت آنها شوید.
 ۲. نفی کینه‌توزی^۱ در این آیه برای زیارت کعبه است.^۲ اما از آن قانونی کلی استفاده می‌شود که مسلمانان نباید کینه‌توز و درصدد انتقام اعمال گذشته باشند. این دستور اسلامی از شعله‌ور شدن آتش نفاق میان مسلمانان جلوگیری می‌کند.
- گفتنی است تفسیر کامل آیه مذکور در مبحث احرام و محرّمات آن، گذشت. از این رو در اینجا به همین دو نکته اکتفا کردیم.

کیفر حرمت‌شکنان مسجدالحرام

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَن يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ يَظْلَمِ نَفْسَهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾. (حج: ۲۵)

۱. واژه «جَرَم» در اصل به معنای قطع کردن میوه‌های نامناسب از درخت است و به هر کار ناخوشایندی نیز گفته می‌شود؛ همان‌طور که به وادار کردن کسی به کار ناخوشایند نیز گفته می‌شود. پس ﴿لَا يَجْرِمَنَّكُمْ﴾ یعنی کسی شما را به کار خلاف وادار نکند.
۲. این مسئله هنگام نزول آیه، یعنی در آستانه رحلت پیامبر ﷺ، اهمیت فراوانی داشت.

در واقع، کسانی که کفر ورزیدند و [مردم را] از راه خدا و مسجدالحرام بازداشتند، [مستحق عذابی دردناک‌اند؛ همان مسجدالحرامی] که آن را برای مردم قرار دادیم؛ درحالی که ملازم در آنجا و [مسافران] بیابانی، یکسان‌اند و هرکس در این [سرزمین] انحرافی به همراه ستمکاری بخواهد، از عذابی دردناک به او می‌چشانیم.

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. در این آیه به سه جنایت کافران و مشرکان مکه درباره مسجدالحرام و مکه اشاره شده است:

الف) آنان از راه خدا و ایمان و اطاعت او جلوگیری می‌کنند.

ب) آنان برای خود امتیازی قائل می‌شوند و از زیارت مسجدالحرام جلوگیری می‌کنند.

ج) در این سرزمین مقدس، ستم و خلاف را روا می‌دارند.

۲. همه مردم در مسجدالحرام یا سرزمین مکه، یکسان‌اند؛ یعنی همه در انجام دادن مراسم عبادی اسلامی آزادند و هیچ‌کس حق ندارد مزاحم عبادت و حج دیگران شود. حتی برخی از مفسران از این آیه استفاده کرده‌اند که همه مردم در استفاده از زمین و خانه‌های مکه، یکسان‌اند و در احادیث اسلامی نیز تأکید شده است که نباید از سکونت مسافران در خانه‌های مکه جلوگیری کرد.^۱

۳. مقصود از «مسجدالحرام» در این آیه، کعبه و کل مسجدالحرام است که اطراف آن واقع شده است. البته برخی از مفسران معتقدند واژه

۱. از این رو برخی از فقهای شیعه و اهل سنت گفته‌اند که خرید و فروش و اجاره خانه‌های مکه حرام است. ولی این حکم از نظر فقهی مسلم نیست؛ ر.ک: جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۴۸.

«مسجدالحرام» در اینجا، به کل مکه اشاره دارد. ولی دلیل محکمی بر این مطلب نداریم.^۱

۴. «الحاد» در اصل به معنای انحراف از اعتدال است و مقصود این است کسانی که با توسل به ستم، از حد اعتدال خارج می‌شوند و در آن سرزمین مرتکب خلاف می‌شوند، گناه بزرگی انجام می‌دهند که کیفر انجام دادن آن در مکه، از جاهای دیگر شدیدتر است.^۲

۵. در برخی احادیث اهل بیت علیهم‌السلام آمده است که کشتن و زدن کبوتران مسجدالحرام و حتی تکبر ورزیدن یا هرگونه ستمی، به منزله الحاد در آن سرزمین است.^۳

۶. مقصود از «ظلم» در این آیه، «شُرک» یا حلال شمردن «محرمات الهی» است. ولی به نظر می‌رسد که واژه ظلم، معنای وسیعی دارد که هرگونه گناهی را شامل می‌شود که شرک یکی از مصادیق آن است.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. مانع راه خدا و مسجدالحرام نشوید که کیفر شدیدی دارد.
۲. مسجدالحرام یا مکه، مکان مقدسی است که برای عبادت همه مردم قرار داده شده است.

۱. در این مورد به آیه اول سوره اسراء تمسک شده است که معراج را از مسجدالحرام معرفی کرده است؛ درحالی‌که شروع معراج از بیرون مسجدالحرام حتمی نیست؛ ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۶۴.

۲. از این رو برخی فقها احتمال داده‌اند که اگر کسی در حرم مکه مرتکب گناهی شود، افزون‌بر حد شرعی، مستحق تعزیر اضافی نیز است؛ ر.ک: کنز العرفان، ج ۱، ص ۳۳۵.

۳. کافی، ج ۴، ص ۲۲۷؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۵۲؛ تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۷۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۳۳.

۳. انحراف و ستم در سرزمین مکه، کیفر شدیدتری دارد. پس در آنجا بیشتر مراقب اعمال خود باشید.

کعبه

کعبه، نخستین عبادتگاه مردم

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ﴾

(آل عمران: ۹۶)

در واقع نخستین خانه [و پرستشگاهی] که برای مردم نهاده شد، آن [است] که در مکه است که خجسته، و برای جهانیان [مایه] هدایت است.

نشانه‌های الهی اطراف کعبه و امنیت آن

﴿فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾ (آل عمران: ۹۷)

در آن، نشانه‌های روشن [از جمله] مقام ابراهیم است و هر کس داخل آن شود، در امان خواهد بود.

گفتنی است تفسیر این دو آیه، در مبحث مکه گذشت.

بازسازی کعبه

﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ (بقره: ۱۲۷)

و [یاد کنید] هنگامی که ابراهیم و اسماعیل، پایه‌های خانه (کعبه) را بالا می‌بردند [و می‌گفتند: ای پروردگار ما! از ما بپذیر که در حقیقت تنها تو شنوا] و [دانایی].

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. از آیات قرآن^۱، احادیث^۲ و تاریخ اسلام به خوبی استفاده می‌شود که خانه^۳ خدا در زمان آدم علیه السلام برپا شده بود و سپس در طوفان نوح علیه السلام فرو ریخت و بعد به دست ابراهیم و فرزندش اسماعیل علیه السلام تجدید بنا شد و از تعبیری که در این آیه آمده نیز همین مطلب استفاده می‌شود؛ چراکه خداوند می‌فرماید: «ابراهیم و اسماعیل، پایه‌های کعبه را بالا بردند». این تعبیر می‌رساند که شالوده کعبه وجود داشته است و ابراهیم و اسماعیل علیه السلام آن پایه‌ها را بالا بردند.^۴

۲. درخواست ابراهیم و اسماعیل علیه السلام از خدا که گفتند: «پروردگارا از ما بپذیر!»، نشان می‌دهد که کارهای عادی، مثل ساخت‌وساز و بنایی نیز، اگر در مسیر اهداف الهی قرار گیرد، عبادت، و مورد قبول خدا است.

۳. در هر عبادتی، ابتدا صحیح انجام دادن و سپس قبول شدن آن ملاک است.

۴. حضور ابراهیم و اسماعیل علیه السلام در ساخت‌وساز کعبه، افزون بر نشان دادن عظمت کعبه، اهمیت مشارکت افراد در کارهای نیک، مثل مسجدسازی را می‌رساند.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. کعبه چنان با عظمت است که پیامبران الهی علیهم السلام به ساخت‌وساز آن پرداختند.

۱. ر.ک: آل عمران: ۹۶؛ ابراهیم: ۳۷.

۲. ر.ک: نهج‌البلاغه، خطبه قاصعه.

۳. واژه «بیت» در اصل به معنای «مسکن، مأوا و محل جمع» است و از آنجا که افراد خانه در آنجا جمع می‌شوند، به خانه، «بیت» گفته می‌شود.

۴. ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱، صص ۴۵۴ و ۴۵۵.

۲. هم کار کنید و هم دعا.
۳. به فکر بازسازی کعبه و مساجد باشید که این روش پیامبران است.
۴. در ساختن خانه خدا و مساجد شخصاً مشارکت کنید.
۵. فرزندان و نوجوانان را در کارهای نیک شرکت دهید.
۶. بیشتر به فکر کیفیت کار و قبولی عمل نزد خدا باشید تا کمیت آن.

آماده‌سازی و پاکسازی کعبه

﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ شَيْئًا وَطَهَّرْ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾ (حج: ۲۶)

و [یاد کن] هنگامی را که مکان خانه (کعبه) را برای ابراهیم آماده ساختیم، [و به او گفتیم:] که هیچ چیز را شریک من قرار مده و خانه مرا برای طواف کنندگان و [به نماز] ایستادگان و رکوع کنندگان سجده‌گر، پاک و پاکیزه کن.

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. براساس احادیث، کعبه در زمان آدم علیه السلام ساخته شد. ولی سپس در طوفان نوح ویران گشت و آثارش محو شد. اما به فرمان الهی و به وسیله باد یا مانند آن، خاک‌ها کنار رفت و پایه‌های کعبه برای ابراهیم علیه السلام آشکار شد. هنگامی که محل اصلی خانه آماده شد، ابراهیم با همکاری فرزندش اسماعیل علیه السلام آن را بازسازی کرد.^۱
۲. طبق دستور الهی، ابراهیم علیه السلام مأمور شد که کعبه و اطراف آن را از

۱. ر.ک: الکافی، ج ۴، صص ۱۸۷-۱۹۰ و ۲۲۰؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۴۱؛ تفسیر

العیاشی، ج ۱، ص ۶۰؛ تاریخ یعقوبی، ج ۱، صص ۶ و ۲۵.

هرگونه آلودگی ظاهری و معنوی پاک کند تا بندگان خدا در این مکان پاک متوجه خدا باشند و به عبادت و نماز بپردازند.

۳. در این آیه، به سه رکن نماز، یعنی قیام، رکوع و سجود اشاره شده است؛ چراکه بقیه اجزای نماز در پرتو این سه رکن قرار می‌گیرند.

۴. امام صادق علیه السلام با اشاره به آیه فوق، فرمود: «برای بندگان خدا سزاوار است که داخل مکه نشوند، مگر اینکه پاک شوند و عرق بدن خود را شست و شو دهند».^۱

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. کعبه آن قدر مقدس است که خدا خود، مکانش را فراهم ساخت و ابراهیم خلیل را خادم آن قرار داد.

۲. مسجدالحرام را پاکیزه نگاه دارید که این شیوه ابراهیمی است.

۳. در مسجدالحرام به طواف و نماز بپردازید که برای این کارها آماده شده است.

مقام ابراهیم علیه السلام محل نماز

﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾. (بقره: ۱۲۵)

و [یاد کنید] هنگامی که خانه [کعبه] را برای مردم محل بازگشت [و پاداش] و

امن [و امان] قرار دادیم و [گفتیم]: از مقام ابراهیم، نمازخانه‌ای [برای خود]

۱. کافی، ج ۴، ص ۴۰۰؛ تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۹۸؛ تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۷۲؛ وسائل

برگزینید و با ابراهیم و اسماعیل عهد کردیم که: «خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان سجده گر، پاک و پاکیزه کنید».

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. کعبه، قبله عبادت مسلمانان، محلی است که خداپرستان به آن روی می‌نمایند و نه تنها آنان را از نظر جسمانی، بلکه از نظر روحانی به توحید و فطرت نخستین برمی‌گرداند تا در آنجا ثواب برند.^۱
۲. کعبه، پناهگاه و کانون امن و امان است. در اسلام، مقررات بسیاری برای دوری از هرگونه کشمکش و جنگ و خونریزی در این سرزمین مقدس وضع شده است؛ به طوری که نه تنها انسان‌ها، بلکه حیوانات و پرندگان نیز در آنجا در امان‌اند.
۳. مقام ابراهیم علیه السلام جایگاهی است که از کعبه حدود ۱۳ متر فاصله دارد و بر حاجیان لازم است پس از طواف خانه خدا، پشت آن مقام قرار گیرند و نماز طواف را به جا آورند. در آنجا سنگی قرار دارد که حکایت شده است حضرت ابراهیم علیه السلام برای بالا بردن دیوارهای کعبه روی آن می‌ایستاد. اکنون، آن سنگ در محفظه‌ای در مقام ابراهیم نگهداری می‌شود.^{۲ و ۳}

۱. واژه «مثابه» در اصل به معنای بازگشت به حالت اول، یا به معنای محل بازگشت برای ثواب بردن است؛ ر.ک: التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ماده «ثوب».
۲. البته برخی از مفسران نیز آن را به معنای حج، عرفه، مشعر، حجرات و تمام حرم مکه دانسته‌اند؛ ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۴۸.
۳. به مقام ابراهیم علیه السلام در آیه ۹۷ سوره آل عمران نیز اشاره شده است که تفسیر آن در میحث مکه گذشت.

۴. خدا جسم نیست تا نیازمند خانه باشد. پس مقصود از واژه «بیتی»؛ «خانه من» که در آیه آمده است، همان اضافه تشریفی است؛ بدین معنا که برای بیان شرافت و عظمت چیزی، آن را به خدا نسبت می‌دهند؛ همان‌طور که به ماه رمضان «شهر الله»، «ماه خدا» می‌گویند.

۵. خدا، ابراهیم و اسماعیل عليه السلام، دو پیامبر بزرگ خود را خادم کعبه گردانید و به آنان دستور داد تا آنجا را از وجود آلودگی‌های ظاهری و معنوی پاک سازند. از اهمیتی که خدا به پاکی خانه کعبه می‌دهد، می‌آموزیم که ما نیز باید در پاکی خانه خدا بکوشیم. بنابراین مکان‌های مقدس، همچون کعبه و مسجد، باید پاک و پاکیزه و رغبت‌انگیز باشند.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. کعبه را محل عبادت قرار دهید و در پاکی آن بکوشید.
۲. طواف‌کنندگان، پرستش‌گران و مجاوران کعبه را محترم بشمارید و به آنان خدمت کنید.
۳. کعبه بسیار عظیم است؛ به‌طوری‌که رهبران بزرگ الهی خادم آن می‌شوند.
۴. کعبه حرم امن الهی است. پس امنیت آن را پاس بدارید.

کعبه، خانه‌ای باستانی برای عبادت بشر

﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ * لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾ (حج: ۳۲-۳۳)

این [اعمال حج است] و کسانی که نشانه‌های خدا را بزرگ بشمارند، پس در واقع این [کار آنان حاکی] از پارسایی [و خود نگه‌داری] دل‌هاست. * برای

شما در آن [نشانه‌های خدا و قربانی] تا سرآمدی معین سودهایی است. سپس محل [و زمان] آن [قربانی کنار] خانه باستانی [کعبه] است. گفتنی است تفسیر این آیات در مبحث قربانی در فصل سوم گذشت. همچنین درباره کعبه، آیه ۹۷ سوره مائده و آیه ۲۹ سوره حج وجود دارد که تفسیر آنها ذیل مبحث زمان حج و حلق گذشت.

یاد خدا در ایام نورانی

﴿وَأَذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾
(بقره: ۲۰۳)

و خدا را در روزهای معین (یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ماه ذی‌الحجه) یاد کنید. و هرکس در دو روز شتاب کند [و اعمال حج را در دو روز انجام دهد] هیچ گناهی بر او نیست و هرکس تأخیر کند [و اعمال حج را در سه روز انجام دهد] پس هیچ گناهی بر او نیست؛ [این] برای کسی است که [خود را] حفظ کند، پس [خودتان را] از [عذاب] خدا حفظ کنید و بدانید که شما فقط به سوی او گردآوری خواهید شد.

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. این آیه، برنامه ذکر پروردگار را به دنبال مراسم حج تعیین می‌کند که حداقل آن، دو روز و حداکثر آن، سه روز است. این روزها با توجه به آیات گذشته، پس از مراسم عید قربان است؛ یعنی روزهای ۱۱، ۱۲ و ۱۳ ماه ذی‌الحجه. از این روزها در روایات اسلامی با عنوان «ایام تشریق»، «روزهای روشنی‌بخش» یاد شده است و همان‌طور که از نامش

پیداست، روشنی بخش روح و جان انسان در پرتو آن مراسم است. البته کسی که در خارج شدن از سرزمین منا عجله کند و بعد از ظهر روز دوازدهم بیرون آید و به مکه برود تا بقیه اعمال حج را انجام دهد، گناهی بر او نیست و هرکس نیز تأخیر کند و شب سیزدهم را در منا بماند، گناهی بر او نیست؛ اگر اهل تقوا باشد و خود را از کارهای حرام در حال احرام حفظ کرده باشد.

۲. یاد خدا و ذکراهایی که در آیه برای روزهای سه گانه گفته شده، در احادیث اسلامی تعیین شده است؛ بدین صورت که بعد از پانزده نماز، یعنی بعد از نماز ظهر روز عید قربان تا نماز صبح روز سیزدهم ماه ذی الحجه، این جمله‌های الهام بخش تکرار گردد:

اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ اللَّهُ الْحَمْدُ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقْنَا مِنْ بِهِيمَةِ الْأَنْعَامِ.^۱

خدا بزرگ است، خدا بزرگ است. هیچ معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگ است و حمد و سپاس تنها مخصوص اوست خدا را به بزرگی می ستاییم برای آنکه ما را هدایت کرد. خدا را به بزرگی می ستاییم برای آنکه از گوشت چهارپایان ما را روزی داد.

۳. مفسران درباره جمله ﴿فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ﴾، «گناهی بر او نیست» دو احتمال داده اند:

الف) مقصود آن باشد که هرکس ذکر دو روز یا ذکر سه روز را انتخاب کند، گناهی بر او نیست.

ب) مقصود پاک شدن حاجیان از تمام گناهانشان باشد؛ یعنی هر حاجی پس از اعمال حج که آن را از روی ایمان و اخلاص انجام می‌دهد و این ذکرها پایان کار اوست، همه رسوبات گناهان از دل و جان او شسته می‌شود.^۱

۴. حج، در واقع حضور در محضر پروردگار و مشاهده جمال محبوب است؛ گویی گوینده «لبیک» از خود بی‌خود می‌شود و جواب دعوت را تکرار می‌کند و به دنبال آن، سلب (نفی) شریک به معنای مطلق می‌نماید و حمد را به ذات مقدس اختصاص می‌دهد و این نزد اهل معرفت غایت توحید است... .

لبیک‌گویان برای حق، نفی شریک به همه مراتب کنید و از «خود» که منشأ بزرگ شرک است، به سوی او جلّ و اعلیٰ هجرت نمایید... و اگر جهات معنوی به فراموشی سپرده شود، گمان نکنید که از چنگال شیطان نفس می‌توانید رهایی یابید...^۲.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. ظرف زمانی ذکر و یاد خدا را رعایت کنید که اثربخش است.
۲. زیربنای احکام حج، تقواست.
۳. به فکر رستاخیز باشید و پارسایی پیشه سازید.
۴. در قوانین حج، پیرو وحی باشید و هر کجا به شما اختیار دادند، به دلخواه عمل کنید.

۱. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۱.

۲. صحیفه نور، ج ۱۹، صص ۱۸، ۴۲ و ۴۴. (با اندکی ویرایش)

مدینه (یثرب)

یثرب نام قدیمی مدینه

﴿وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا﴾ (احزاب: ۱۳)

و هنگامی که دسته‌ای از آنان گفتند: «ای مردم یثرب (مدینه) [در اینجا] هیچ منزلگاهی برای شما نیست. پس [به شهر] بازگردید» و دسته‌ای از آنان از پیامبر رخصت [بازگشت] می‌خواستند [و] می‌گفتند: «در واقع، خانه‌های ما بی‌حفاظ است» و حال آنکه آنها بی‌حفاظ نبود؛ [آنان] جز گریز [از جنگ] چیزی نمی‌خواستند.

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. در این آیات، واکنش گروه‌های مختلف در برابر امتحان جنگ احزاب بیان شده است. در آیات قبل بیان شد که جنگ احزاب آن‌قدر سخت بود که اعتقاد گروهی از مؤمنان متزلزل شد. در این آیات، منافقان سخنان تهمت‌آمیز گفتند و بهانه‌جویی و توطئه‌گری کردند. در واقع، این روش منافقان است که هنگام سختی‌ها، چهره واقعی خود را نشان می‌دهند و توطئه می‌کنند.
۲. گروهی از منافقان، مردم را برای بازگشت به مدینه تحریک می‌کردند و گروهی دیگر بهانه می‌آوردند و می‌گفتند که خانه‌های ما باز و بدون در و دیوار و بی‌پناه و آسیب‌پذیر است^۱ و می‌خواستند با این بهانه از صحنه جنگ احزاب خارج شوند.

۱. «عوره» به معنای چیزی است که آشکار کردن آن موجب عار شود. از این‌رو به شکاف در و دیوار و نقاط آسیب‌پذیر و خانه‌های بی‌در و دیوار «عوره» می‌گویند؛ ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۲۸.

۳. «یثرب» نام قدیمی شهر مدینه و در لغت به معنای ملامت کردن است. بعد از ورود پیامبر اکرم ﷺ به یثرب، نام آن شهر به «مدینة الرسول»، یعنی «شهر پیامبر» تغییر یافت. سپس نام‌های دیگری مانند طیه، طابه، سکینه، محبوبه، مرحومه و قاصمه بر آن نهادند. شاید منافقان برای آنکه می‌دانستند پیامبر ﷺ نام «یثرب» را برای این شهر نمی‌پسندد، از آن با نام «یثرب» یاد کردند تا مردم به یاد دوران جاهلیت بیفتند و در ضمن بگویند که هنوز اسلام در این سرزمین رسمیت ندارد.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. منافقان در هنگام امتحان و سختی جنگ، چهره واقعی خود را نشان می‌دهند. پس آنها را در آن هنگام بشناسید.
۲. نشانه منافقان آن است که به وعده‌های الهی ایمان ندارند.
۳. منافقان در جنگ، کارشکنی و تفرقه‌افکنی می‌کنند. پس مراقب توطئه‌های آنان باشید.
۴. از نشانه منافقان آن است که برای فرار از جنگ، بهانه‌جویی می‌کنند.

مدینه شهر احزاب و گروه‌ها

﴿وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُتَافِفُونَ وَمِنَ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَيَّ
 التَّفَاقُ لَا تَعْلَمُهُمْ خُنٌّ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ
 عَظِيمٍ﴾ (توبه: ۱۰)

و از اطرافیان شما، برخی عرب‌های صحرانشین منافقانند و برخی ساکنان مدینه [نیز] به دورویی خو گرفته [و سرکشی کرده] اند؛ درحالی که [تو] آنان

را نمی‌شناسی. [ولی] ما آنان را می‌شناسیم. به زودی آنان را دوبار عذاب می‌کنیم. سپس به سوی عذاب بزرگی بازگردانده می‌شوند!

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. این آیه به منافقان داخل و خارج مدینه توجه داده، و از مسلمانان خواسته است که هر دو گروه را زیر نظر بگیرند و از منافقان خارج شهر غافل نشوند. ولی توجه داشته باشند که منافقان داخل مدینه بر کار خود مسلط‌تر و خطرناک‌ترند.
۲. از این آیه استفاده می‌شود که منافقان چنان از حق عاری شده، و بر کار خود مسلط و تمرین کرده^۱ بودند که می‌توانستند خود را در صف مسلمانان راستین جا بزنند؛ بدون آنکه کسی متوجه آنان شود.
۳. مقصود از اینکه پیامبر ﷺ منافقان را نمی‌شناسد، شناخت پیامبر با علم عادی و معمولی است؛ وگرنه اشکالی ندارد که او از طریق وحی و اخبار غیبی از اسرار منافقان آگاه شود.
۴. مقصود از «عذاب بزرگ»، همان مجازات‌های روز رستاخیز است. ولی درباره دو عذاب دیگری که در آیه بدان‌ها اشاره شده، مفسران دو احتمال داده‌اند که براساس احتمال نخست، رسوایی اجتماعی منافقان در دنیا و کیفر آنان هنگام مرگ مقصود است و براساس احتمال دوم، مقصود از عذاب دوم، ناراحتی درونی منافقان به علت پیروزی‌های مسلمانان است.

۱. واژه (مَرَدُوا) در اصل به معنای «برهنگی و تجرد» است و به شخص سرکش نیز که به کلی از اطاعت فرمان خارج شده است، گفته می‌شود. اما برخی لغویان این واژه را به معنای «تمرین» می‌دانند. شاید این گفته بدین علت باشد که تجرد مطلق از چیزی و خروج کامل از آن، بدون تمرین ممکن نیست؛ رک: نمونه، ج ۸، ص ۱۱۲؛ تاج العروس و قاموس.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. مراقب منافقان داخلی و خارجی باشید.
۲. منافقان داخل شهر، مرموزتر و خطرناک‌ترند.
۳. منافقان در دنیا و آخرت گرفتار عذاب می‌شوند.

مساجد خوب و بد در مدینه

﴿لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ﴾. (توبه: ۱۰۸)

هرگز در آن [مسجد به عبادت] نیست! حتماً مسجدی که از روز نخست بر پارسایی [و خودنگهداری] بنیانگذاری شده، شایسته‌تر است که در آن [به عبادت] بایستی؛ در آن مردانی‌اند که دوست می‌دارند پاکیزه باشند و خدا پاکیزگان را دوست دارد.

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. به گفته برخی مفسران مقصود از مسجد نیکویی که در این آیه بدان اشاره شده، مسجد «قبا» است که نزدیک مسجد «ضرار» قرار داشت و نخستین مسجدی بود که در مدینه ساخته شد.^۱ البته احتمال دارد که مقصود، مسجد پیامبر ﷺ در مدینه یا هر مسجدی باشد که براساس تقوا بنا شود.
۲. هرچند خطاب آیه به پیامبر ﷺ است، مقصود، همه مسلمانان‌اند. در واقع، خطاب به آن حضرت از این‌روست که وی رهبر و الگوی دیگران است.
۳. واژه «أحق» به معنای «شایسته‌تر و سزاوارتر» است. ولی در این

۱. کامل ابن‌اثیر، ج ۲، ص ۱۰۷؛ تفسیر صافی، ج ۲، ص ۳۷۹.

آیه منظور مقایسه بین شایسته و شایسته‌تر نیست. بلکه مقایسه بین مسجد ضرار ناشایست و مسجد قُبای شایسته است؛ مانند آنکه بگوییم برای شما پاکی از ناپاکی بهتر است^۱.

۴. مقصود از طهارت و پاکیزگی در آیه، معنای وسیع آن است؛ یعنی هرگونه پاکسازی روح از شرک و گناه یا پاکسازی جسم از آثار آلودگی را شامل می‌شود.

۵. پیامبر ﷺ به اهل مسجد قبا فرمود: «شما در هنگام پاک ساختن خود چه کاری انجام می‌دهید که خدا شما را این‌گونه ستایش کرد؟» گفتند: «ما آثار مدفوع را با آب می‌شویم». البته روشن است که این‌گونه احادیث، دلیل بر انحصار مفاد آیه نمی‌شود. بلکه بیان یکی از مصادیق آیه است.^۲

۶. هرگاه چیز بدی را از مردم گرفتیم، چیز نیکویی به جای آن معرفی کنیم؛ اگر نماز در مسجد ضرار ممنوع می‌شود، بی‌درنگ مسجد نیکوی دیگری به جای آن معرفی می‌گردد. آری، این نفی و اثبات، روش و شعار اسلام است؛ یعنی اگر کسی از تفریح‌های ناسالم جلوگیری می‌کند، باید وسایل تفریح‌های سالم را فراهم سازد. اگر فحشا و بی‌عفتی ممنوع می‌شود، باید وسایل ازدواج آسان گردد.

۷. کانون مثبت دینی، پایگاهی است که افزون‌بر آنکه باید شالوده و هدف آن از آغاز پاک باشد، باید افراد و حامیان آن، انسان‌هایی درستکار و پاک باشند.

۱. افعال تفضیل در این مورد به معنای تفضیل یکی بر دیگری نیست. بلکه به معنای نفی اول و ترجیح دوم است.

۲. مجمع‌البیان، ذیل آیه؛ تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۱۴۰.

۸. برخی افراد براساس فرمان الهی و ترس از جهنم از آلودگی‌های روحی و جسمی پرهیز می‌کنند. اما برخی افراد پاک‌اند؛ زیرا پاکی را دوست دارند و این خود نوعی کمال برای انسان است که در آیه از آن به نیکی یاد شده است.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. پایگاه‌های دشمن در شهرهای اسلامی را تحریم کنید؛ حتی اگر آن پایگاه به نام مسجد بنا شده باشد.
۲. اگر مردم را از رفتن به مراکز فساد باز داشتید، مراکز سالم و شایسته را به آنان معرفی کنید.
۳. علاقه به پاکی نشانه کمال انسان است.
۴. انسان‌های پاک، محبوب خدایند.
۵. ارزش هر مسجد به پاک‌بنیادی و افراد نیکی است که در آن رفت‌وآمد می‌کنند.

مباهله

﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ آبَاءَنَا وَأَبْنَاكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾. (آل عمران: ۶۱)

و هرگاه بعد از دانشی که تو را [حاصل] آمده، [باز] کسانی در [مورد] آن با تو، به بحث و ستیز برخیزند، پس بگو: «بیایید پسرانمان و پسرانتان، و زنانمان و زنانتان، و خودمان و خودتان را دعوت کنیم. سپس مباحله می‌کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار می‌دهیم».

شأن نزول

در روایات اسلامی آمده است که وقتی سخن از مباحله بین پیامبر ﷺ و مسیحیان شد، نمایندگان مسیحیان نجران از پیامبر مهلت خواستند تا در این باره بیندیشند و مشورت کنند. نتیجه مشاوره آنها این شد که اگر مشاهده کردید محمد با جمعیت زیاد به مباحله آمد، نترسید و با او مباحله کنید؛ زیرا حقیقتی در کار او نیست و از این رو متوسل به غوغاسازی شده است. اما اگر مشاهده کردید که محمد با افراد محدود و فرزندان خردسالش به میعادگاه آمد، از مباحله با او بپرهیزید که خطرناک است و بدانید که او پیامبر خداست.

هنگامی که همگان در روز موعود به میعادگاه آمدند، دیدند پیامبر ﷺ فرزندش حسین را به آغوش دارد و دست حسن را گرفته است و علی ع و فاطمه ع نیز همراه اویند و به آنها سفارش می‌کند که هرگاه من دعا کردم شما «آمین» بگویید.

مسیحیان با دیدن این صحنه، سخت به وحشت افتادند و از مباحله صرف نظر کردند و حاضر به مصالحه شدند و با پذیرش شرایط مسلمانان، تسلیم شدند.^۱

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. مباحله در روز ۲۴ یا ۲۵ ماه ذی‌الحجه، در محلی بیرون از شهر مدینه واقع شد که اکنون داخل شهر مدینه قرار دارد. در حال حاضر، مسجدی به نام «مسجدالاجابه» در آنجا ساخته شده که حدود یک کیلومتر با مسجدالنبی ص فاصله دارد.

۱. ر.ک: مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۶۲؛ تفسیر نور، ج ۲، ص ۸۶؛ تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۲۵۷.

۲. در اصطلاح قرآن، مباحله به معنای نفرین کردن به یکدیگر است؛^۱ یعنی چند نفر که درباره مسئله مهم مذهبی اختلاف دارند، در یک محل جمع شوند و به درگاه خدا تضرع کنند و از او بخواهند که دروغگو را لعنت و مجازات کند.

۳. جریان مباحله پیامبر ﷺ با مسیحیان نجران، نشانه ایمان و راستی دعوت ایشان بود. اگر کسی به کار و دعوت خود و نتیجه مباحله ایمان نداشته باشد، اقدام به این کار نمی‌کند؛ چراکه اگر دعای او به اجابت نرسد و مخالفان در همان صحنه به مجازات الهی گرفتار نشوند، نتیجه‌ای جز رسوایی نخواهد داشت. از این روست که گفته‌اند جریان مباحله یکی از نشانه‌های صدق دعوت پیامبر ﷺ است.

۴. مفسران و محدثان شیعه و اهل سنت تصریح کرده‌اند که آیه مباحله در حق اهل بیت پیامبر ﷺ نازل شده است؛ یعنی مقصود از واژه «فرزندان ما»، حسن و حسین علیهما السلام و مقصود از واژه «زنان ما»، فاطمه علیها السلام، و مقصود از «جان‌های ما»، همان علی علیه السلام است^۲ و در این مورد روایات فراوانی نقل شده است.^۳

۱. واژه «مباحله» در لغت از ریشه «بَهَل» به معنای رها کردن است و اِبتِهال در دعا به معنای تضرع و واگذاری کار به خداست و اگر گاهی آن را به معنای «هلاکت و لعن و دوری از خدا» گرفته‌اند، به سبب آن است که واگذار کردن بنده به حال خود، این نتایج را به دنبال می‌آورد.

۲. واژه‌های «ابنائنا و نساننا و انفسنا» در آیه به صورت جمع است؛ ولی مقصود همان علی علیه السلام، فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام هستند؛ چراکه اولاً، شأن نزول قطعی در این مورد وجود دارد. ثانیاً، در قرآن و کلام عرب گاهی کلمات جمع برای مفرد و تشبیه به کار می‌رود؛ ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲، صص ۴۴۴ و ۴۴۵.

۳. ر.ک: صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۰؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۸۵؛ تفسیر طبری،

برخی این آیه را قوی‌ترین دلیل فضیلت اهل بیت علیهم‌السلام می‌دانند.^۱ این مزیتی است که هیچ‌کس بر اهل بیت علیهم‌السلام در آن پیشی نگرفته، و هیچ انسانی به این فضیلت نرسیده است.^۲

تویی که نفس رسولی هم از کلام خدای چنان که هست در این آیه مباحله دال
۵. این آیه با تعبیر «أبناءنا» که حسن و حسین علیهم‌السلام را فرزندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خواند، در حقیقت بر یک تفکر جاهلی عرب خط بطلان کشید؛ چراکه آنان فرزندان دختر را فرزند حقیقی انسان نمی‌دانستند و تنها فرزندان پسر (نوه پسری) را فرزند خود می‌دانستند.

۶. دعا، سلاح مؤمنان واقعی است. بنابراین اگر کسی برابر منطق و استدلال و معجزه تسلیم حق نشد، می‌توان از غیب کمک گرفت و با او به مبارزه‌ای معنوی برخاست. اما رتبه دعا و نفرین در مبارزه با دشمن، بعد از منطق و استدلال قرار دارد.^۳

۷. این آیه فقط به مباحله پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مسیحیان نجران اشاره می‌کند. اما مباحله در برابر مخالفان، یک حکم عمومی است؛ یعنی چنانچه

ج ۳، ص ۱۹۲؛ مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۵۰؛ مفاتیح الغیب، ج ۸، ص ۸۵؛ کشف، ج ۱، ص ۱۹۳ که همگی از منابع مهم اهل سنت است.

علامه طباطبایی در المیزان، ج ۳، ص ۲۵۷ می‌نویسد: «ماجرای مباحله را ۵۱ نفر از صحابه به اتفاق نظر نقل کرده‌اند». قاضی نورالله شوشتری نیز در کتاب احقاق الحق، ج ۳، صص ۴۶ - ۷۶ نام شصت نفر از بزرگان اهل سنت را می‌برد که این جریان را نقل کرده‌اند.

۱. این سخن زمشخری، از مفسران بزرگ اهل سنت، در تفسیر کشف است.
۲. این سخن از امام رضا علیه‌السلام حکایت شده است که حضرت آن را در مجلس مأمون فرمود؛ رک:

عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۳۱.

۳. تفسیر نور، ج ۲، ص ۸۶.

استدلال‌های افراد باایمان و پارسا بر دشمن تأثیرگذار نبود، آنان می‌توانند مخالفان را به مباحثه دعوت کنند. در این‌باره، روایاتی نیز در منابع اسلامی آمده است.^۱

۸. در این آیه، فاطمه علیها السلام کنار مردان مطرح است. این نشان می‌دهد که زنان در مواقع حساس تاریخ اسلام، حضور داشته، و به سهم خود در پیشبرد اهداف اسلامی کمک کرده‌اند.

۹. این آیه و شأن نزولش نشان می‌دهد که در مباحثه که نوعی دعاست، شخصیت افراد مهم‌تر از تعداد آنهاست. از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله تعدادی اندک، اما بسیار بزرگوار و باشخصیت و عزیز را برای مباحثه به همراه برد.

۱۰. واژه «لعنت» به معنای «دوری از رحمت الهی» است و از این آیه استفاده می‌شود که دروغگویان مستحق لعنت الهی‌اند؛ یعنی از رحمت الهی دور می‌شوند.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. از مباحثه (نفرین دسته‌جمعی دو طرفه) می‌توان برای مبارزه با دشمنان اسلام استفاده کرد.

۲. در مرحله نخست، با دشمنان، مبارزه منطقی کنید و اگر اثر نکرد، مباحثه کنید.

۳. پس از روشن شدن حقایق و استدلال منطقی، جای بحث و جدل نیست.

۱. رک: نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۵۱؛ تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۴۷. از علامه طباطبایی رحمته الله علیه نیز حکایت شده است که می‌فرمود: «اگر مخالفان اسلام بخواهند، مسلمانان در این عصر نیز حاضر به مباحثه‌اند». رک: اعجاز قرآن، ص ۱۲۸.

۴. در مباحثه، از نزدیک‌ترین و باکیفیت‌ترین افراد استفاده کنید.
۵. علی ع همچون جان پیامبر ص، حسن و حسین ع فرزندان او و فاطمه ع خانواده حقیقی اوست.^۱
۶. دروغگویان سزاوار لعنت الهی و دوری از رحمت خدایند.

غدیر

«الْيَوْمَ يَبَسُ الدِّينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مانده: ۳)

امروز، کسانی که کفر ورزیدند، از [زوال] دین شما ناامید شدند. پس از آنها نهراسید و [از مخالفت با من] بهراسید! امروز، دین شما را برایتان کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و از اسلام برای شما [به عنوان] دین راضی شدم.

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. در این آیه، سخن از روز «اکمال دین و اتمام نعمت» شده که روز ناامیدی کفار است. مفسران شیعه براساس روایات زیادی از شیعه^۲ و اهل سنت^۳ گفته‌اند که مقصود از «الیوم» روز غدیرخیم است؛ یعنی هنگامی که پیامبر اعظم ص به طور رسمی علی ع را به جانشینی خود تعیین کرد و پشتوانه محکمی برای آینده اسلام فراهم ساخت، دین خدا کامل شد و کافران و دشمنان اسلام مأیوس شدند؛ زیرا مشاهده کردند که اسلام قائم به شخص

۱. با توجه به شأن نزول استفاده می‌شود.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۹۳؛ غیبت نعمانی، ص ۲۱۶؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۷۷ و ج ۲،

ص ۶۷۵؛ کافی، ج ۱، صص ۱۹۸ و ۲۹۰.

۳. شواهد التنزیل، ج ۱، صص ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۷، ۲۰۸ و ۲۵۶.

نیست و فردی عالم، عادل، پارسا و قدرتمند جای پیامبر ﷺ را گرفت. این گونه بود که با تکمیل خط رهبری، اسلام کامل شد و با موهبت الهی امامت، نعمت‌های خدا بر بشر تمام شد و در آن روز بود که پروردگار از برنامه کامل شده اسلام اعلام رضایت کرد و آن را آیین نهایی بشر دانست.

۲. در روایات فراوانی از اهل سنت و شیعه، به ارتباط این آیه با غدیر خم و ولایت علی علیه السلام تصریح شده است. برخی از دانشمندان و روایان اهل سنت که بدین امر تصریح کرده‌اند، عبارت‌اند از: «ابن جریر طبری» از زید، صحابی پیامبر ﷺ، حکایت می‌کند که این آیه در روز غدیر خم و درباره علی علیه السلام نازل شد.

همچنین «حافظ ابونعیم اصفهانی» از ابوسعید خدری، صحابی معروف پیامبر ﷺ، حکایت می‌کند که در روز غدیر خم و پس از نصب علی علیه السلام به ولایت، هنوز مردم متفرق نشده بودند که این آیه نازل شد و پیامبر ﷺ صدا به تکبیر بلند کرد. حتی خطیب بغدادی از ابوهریره نقل می‌کند که پس از جریان غدیر، عمر به علی علیه السلام تبریک گفت که مولای او و مولای هر مسلمانی شده است.^۱

از دانشمندان و روایان شیعه، در کتاب الغدیر، ۱۶ روایت^۲ و در تفسیر صافی،^۳ برهان و نورالتقلین، ده روایت از طرق مختلف نقل شده

۱. عمر گفت: «بِئْسَ بَخَّ يَالِإِنِّي طَالِبُ أَصْبَحْتُ مَوْلَايَ وَمَوْلَا كُلِّ مُسْلِمٍ»؛ ر.ک: تفسیر فرات، ص ۵۱۵؛ امالی صدوق، ص ۲؛ اعلام الوری، ص ۱۶۵؛ بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۳۵؛ الهدایة الكبرى، ص ۵؛ الغدیر و از منابع اهل سنت: تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۲۳۴؛ من حیة الخلیفة عمر بن الخطاب، ص ۱۹۴.

۲. الغدیر، ج ۱، صص ۲۲۲، ۲۳۰ - ۲۳۳، ۲۷۲، ۲۷۵ و ۳۹۲.

۳. تفسیر صافی، ج ۲، صص ۹ و ۱۰.

است که این آیه، درباره علی علیه السلام می‌باشد و در روز غدیر بر مردم ابلاغ شده است.^۱

۳. دو آیه از سوره مائده درباره ولایت علی علیه السلام در غدیر خم است: یکی آیه ۶۷ و دیگری آیه ۳. فاصله زیاد این دو آیه بدان سبب است که قرآن طبق ترتیب نزول آیات جمع‌آوری و مرتب نشده است؛ گاهی آیات مکی در سوره‌های مدنی آمده است و گاهی به عکس.

همچنین نقل شده است که جای آیات به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله تعیین می‌شد. در ضمن، احتمال دارد که بخش اول سوره مائده یکجا نازل شده باشد. سپس پیامبر این بخش از آیه سوم را به همراه آیه ۶۷ در روز غدیر خوانده باشد.^۲

۴. درخور توجه است مطلب مربوط به ولایت علی علیه السلام در آیه سوم سوره مائده، احکام غذاهای حلال و حرام قرار گرفته است تا از دسترس تحریف مخالفان در امان بماند. مخالفانی که از هرگونه تهمت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اسلام و مبارزه با ولایت علی علیه السلام کوتاهی نکردند.^۳

۵. از این آیه، با توجه به روایات، استفاده می‌شود که قوام مکتب اسلام به رهبری صحیح است؛ به طوری که با وجود او، دین کامل می‌شود و مورد رضایت خدا قرار می‌گیرد و نعمت با او تمام می‌شود و کافران ناامید می‌گردند.

۶. همه امید کافران به نبودن رهبر اسلام است. پس با وجود رهبری لایق همچون علی علیه السلام در جامعه، مسلمانان نباید از کافران ترسی داشته

۱. تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۶۶.

۲. ر.ک: تفسیر المیزان، ج ۵، صص ۲۰۹ و ۲۱۰.

۳. تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۷۰.

باشند. در واقع، خطر کافران وقتی زیاد می‌شود که مردم از خط ولایت فاصله بگیرند.^۱

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. دین با وجود رهبر الهی کامل می‌شود.
۲. رهبر الهی از نعمت‌های خداست.
۳. با نهادینه کردن رهبری الهی، دشمنان را مأیوس و دوستان را ایمن سازید.

برائت

﴿بِرَاءةٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾. (توبه: ۱)

[این آیات، اعلام] عدم تعهدی است از طرف خدا و فرستاده‌اش به کسانی از مشرکان که [با آنان] پیمان بسته‌اید.

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. طبق نقل بسیاری از مفسران و محدثان و مورخان اسلام، هنگامی که آیه فوق و ۲۷ آیه بعد از آن نازل شد و پیمان‌های مشرکان را لغو کرد، پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این فرمان را برای ابلاغ، به ابوبکر داد تا در مراسم حج بر مردم بخواند. ولی به فرمان جبرئیل آن را پس گرفت و ابلاغ آن را به علی عَلِيٌّ واگذار کرد تا در روز حج اکبر برای مردم بخواند و فرمود: «این سوره را تنها کسی باید ابلاغ کند که از من است و من از اویم».

این ماجرا، فضیلتی بزرگ برای امام علی علیه السلام به شمار می‌آید؛ به طوری که اصل واقعه، در بسیاری از کتاب‌های شیعه و اهل سنت از راه‌های مختلفی نقل شده است.^۱

۲. این آیه به سال هشتم هجری مربوط است که مکه فتح شده بود. اما مشرکان همچنان برای انجام دادن مراسم عبادی خود که آمیخته با خرافات و انحرافات بود، به مکه می‌آمدند و گاهی برهنه به طواف کعبه می‌پرداختند. تحمل این وضع برای مسلمانان ناممکن بود. از این رو، آیه مذکور و آیات بعد از آن نازل شد و به این وضع نامطلوب خاتمه داد.

۳. در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله گروه‌های مختلفی بودند که برخی از آنان یا با مسلمانان هیچ پیمانی نداشتند، یا اگر هم پیمان داشتند، به صورت موقت یا دائمی بود. اما این گروه اخیر در صدد پیمان‌شکنی و یافتن فرصتی برای حمله به مسلمانان بودند.^۲ این آیه نیز پیمان مسلمانان با آنان را لغو، و تعهد نداشتن به آنان را اعلام کرد^۳ تا فرصت پیمان‌شکنی، توطئه و شبیخون به مسلمانان را پیدا نکنند.

۴. با اینکه اسلام به وفای عهد بسیار اهمیت می‌دهد، از این آیه

۱. ر.ک: مسند احمد، ج ۱، ص ۳۳۱ و ج ۳، ص ۲۱۲؛ خصائص نسائی، ص ۲۸؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۳۲۲؛ جامع الاصول، ج ۹، ص ۴۷۵؛ ذخائر العقبی، ص ۶۹؛ طبری، ج ۱۰، ص ۴۶؛ احقاق الحق، ج ۵، ص ۳۶۸؛ در الغدیر، ج ۶، ص ۳۳۸، نام ۷۳ نفر نقل شده است که این ماجرا را حکایت کرده‌اند. همچنین ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۲۷۵ به بعد.

۲. از آیات چهارم، هفتم و هشتم این سوره به خوبی استفاده می‌شود که مشرکان در صدد پیمان‌شکنی بودند و از این رو، پیمان مسلمانان با آنان لغو شد.

۳. واژه «برائت» به معنای قطع ارتباط و برداشتن آمان و اعلام نداشتن تعهد به دیگران است؛ ر.ک: مجمع البیان، ج ۵، ص ۲.

استفاده می‌شود که هرگاه نشانه‌هایی از توطئه و نقض پیمان مشاهده شد، مسلمانان حق دارند پیمان را یک‌جانبه لغو کنند. ولی باید جوانمردانه لغو پیمان را اعلام نمایند.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. خدا و رسولش در برابر مشرکان پیمان‌شکن، تعهدی ندارند.
۲. از مشرکان بیزاری بجوئید و برائت خود را اعلام کنید.

ذکر و دعا در ایام حج

﴿فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ﴾
(بقره: ۲۰۰)

و هنگامی که اعمال [حج] خود را به‌جای آوردید، همانند یادآوری شما از نیاکانتان، یا با یادمانی شدیدتر، خدا را به یاد آورید و از مردم کسی است که می‌گوید: «ای [پروردگار ما! به ما، در [همین] دنیا بده» و حال آنکه برایش در آخرت هیچ بهره‌ای نیست.

نکته‌ها و اشاردها

۱. از امام باقر علیه السلام نقل شده است که مردم در زمان جاهلیت، پس از انجام دادن مراسم حج، اجتماعی تشکیل می‌دادند و افتخارات موهومی که از پدرانشان نصیب آنها شده بود و شرح حال آنان را برمی‌شمردند.^۱
- قرآن کریم در این آیه یادآور می‌شود که پس از مراسم حج، به یاد

خدا باشید و دست‌کم، خدا را با همان شور مخصوصی که در فخرفروشی به پدران خود دارید و حتی پرشورتر و عمیق‌تر یاد کنید.

۲. در احادیث از امام صادق علیه السلام نقل شده است که مقصود از «ذکر الله» در این آیه، تکبیرهایی است که از ظهر روز عید قربان تا نماز صبح روز سیزدهم خوانده می‌شود: «الله أَكْبَرُ اللهُ أَكْبَرُ، لا إِلَهَ إِلاَّ اللهُ وَالله أَكْبَرُ، اللهُ أَكْبَرُ وَاللهُ الحَمْدُ، اللهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، اللهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ»^۱.

۳. مردم درباره دنیا و آخرت سه دسته‌اند:

الف) گروهی فقط آخرت را می‌خواهند و از دنیا می‌گذرند و با گوشه‌گیری، به عبادت می‌پردازند.

ب) گروهی فقط دنیا را می‌طلبند و آخرت خود را فدای لذت‌ها و منافع مادی دنیوی می‌کنند.

ج) گروهی هم نیکی در دنیا و آخرت را می‌خواهند. اینان از مواهب و نعمت‌های دنیوی استفاده می‌کنند و آنها را مقدمه آخرت قرار می‌دهند.

گفتنی است اسلام، گروه اول و دوم را سرزنش و محکوم می‌کند؛ در واقع، این آیه، دنیاطلبان را سرزنش می‌کند و احادیث نیز رهبانیت را سرزنش کرده است.^۲ بنابراین اسلام راه سوم را پیشنهاد می‌کند که همان خواستن نیکی دنیا و آخرت است.

۱. کافی، ج ۴، ص ۵۱۶.

۲. عن النبی صلی الله علیه و آله: «لیس فی أمتی الرهبانیه»؛ زک: بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۱۱۵. عن النبی صلی الله علیه و آله: «ان الله تبارک و تعالی لم یکتب علینا الرهبانیه» همان.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. با انجام دادن مراسم حج، وظیفه خود را تمام شده ندانید. بلکه با یاد خدا، پیوند خویش را با پروردگار استمرار بخشید.
۲. بیش از نیاکان خود به فکر خدا باشید.
۳. هرکس به دنیا قانع شود، از آخرت محروم می‌شود.
۴. در دعاهای خود سطحی‌نگر نباشید و به زندگی دنیا قانع نشوید و دعای ناقص نکنید.

کتابخانه

۱. احقاق الحق، نورالله تستری، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.
۲. ارشاد القلوب الی الصواب، حسن بن ابی الحسن دیلمی، اول، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ ق.
۳. اسباب النزول، ابوالحسن علی بن احمد الواحدی النیشابوری، بیروت، المكتبة العصرية، ۱۴۲۵ ق.
۴. الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، ابوجعفر محمد بن حسن الطوسی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ ق.
۵. إعلام الوری، ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (امین الله)، طهران، دارالکتب الإسلامیه، بی‌تا.
۶. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، المكتبة الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۵ ش.
۷. البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، اول، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق.
۸. پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی، تهران، شرکت سهامی انتشار،

- ۱۳۴۸ ش.
۹. تاج العروس من جواهر القاموس، محمد مرتضی حسینی الزبیدی، دارالهدایه، بی جا، ۱۴۰۰ ق.
۱۰. تاریخ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، قم، مؤسسه نشر فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام)، بی تا.
۱۱. تحریر الوسيله، امام خمینی، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۶ ش.
۱۲. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، الطبعة الاولى، ایران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱ ش.
۱۳. تفسیر البغوی المسمى معالم التنزیل، حسین بن مسعود الفراء البغوی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ ق - ۲۰۰۴ م.
۱۴. تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن، ابو جعفر محمد بن الحسن الطوسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۱۵. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ ش.
۱۶. تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، نشر دار احیاء التراث العربی، بی جا، ۱۴۱۵ ق.
۱۷. تفسیر فرات الکوفی، فرات بن ابراهیم کوفی، مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق، اول.
۱۸. تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن)، محمد بن احمد قرطبی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق.
۱۹. تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، فخرالدین رازی، بیروت، دارالکتب

- العلمية، ۱۴۱۱ ق.
۲۰. تفسير كبير منهج الصادقين، ملافتح الله كاشاني، تعليق ميرزا ابوالحسن شعراني، دوم، تهران، كتابفروشي اسلاميه، ۱۳۴۴ ش.
۲۱. تفسير نمونه، ناصر مكارم شيرازي و جمعي از نويسندگان، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۶۴ ش.
۲۲. تفسير نور، محسن قرائتي، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۴ ش.
۲۳. تفسير نور الثقلين، عبدالعلي بن جمعه العروسي الحويزي، المطبعة العلمية، قم، ۱۳۸۳ ق.
۲۴. تهذيب الاحكام في شرح المقنعه، محمد بن حسن شيخ طوسي، چهارم، ۱۳۶۵ ش.
۲۵. تهذيب التهذيب، احمد بن علي بن حجر عسقلاني، اول، بيروت، دارالفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۰۴ ق - ۱۹۸۴ م.
۲۶. جامع الاخبار، محمد سبزواري، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۱۴ ق.
۲۷. جامع الأصول في أحاديث الرسول، أبو السعادات المبارك بن محمد الجزري، تحقيق: عبدالقادر الأرئووط، اول، مكتبة الحلواني / مطبعة الملاح / مكتبة دارالبيان، بی جا، ۱۳۹۲ ق.
۲۸. جامع البيان في تفسير القرآن، ابوجعفر محمد بن جرير طبری، بيروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۶ ق.
۲۹. جواهر الكلام، محمد حسن نجفی، با تصحيح شيخ عباس قوچانی، نجف، افست بيروت، ۱۳۷۷ ق.
۳۰. الخصائص الكبرى، جلال الدين عبدالرحمن بن ابی بكر السيوطي،

- دارالكتب العلميه، بيروت، ١٤٠٠ ق.
٣١. الدرّ المثنور في تفسير المأثور، جلال الدين عبدالرحمن بن ابى بكر السيوطى، دارالفكر، بيروت، ١٤١٤ ق.
٣٢. روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم، شهاب الدين سيد محمود آلوسى، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤١٥ ق.
٣٣. سنن النسائى، احمد بن شعيب بن على النسائى، بيروت، اول، دارالفكر، ١٩٣٠ م.
٣٤. شواهد التنزيل، حاكم حسانى، تحقيق: شيخ محمدباقر بهبودى، اول، تهران، وزارت ارشاد اسلامى، ١٤١١ ق.
٣٥. الصافى، فيض كاشانى، مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، بيروت، الطبعة الثالثة، ١٤٠٢ ق.
٣٦. صحيح مسلم، مسلم بن حجاج نيشابورى، تحقيق: محمد سالم هاشم، دوم، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٩٩٤ م.
٣٧. صحيفه نور، امام خمينى، وزارت ارشاد اسلامى، ١٣٧١ ش.
٣٨. علل الشرايع، ابوجعفر محمد بن على بن بابويه (صدوق)، انتشارات شريف رضى، قم، ١٣٦٤ ش.
٣٩. عوالى اللآلى، ابوجعفر محمد بن على بن ابى جمهور احسائى، اول، قم، انتشارات سيد الشهداء عليه السلام، ١٤٠٥ ق.
٤٠. عيون اخبار الرضا عليه السلام، ابوجعفر محمد بن على بن بابويه (صدوق)، تحقيق: شيخ حسين اعلمى، بيروت، مؤسسه اعلمى، ١٤٠٤ ق.
٤١. الغدير فى الكتاب و السنه و الادب، عبدالحسين امينى، دارالكتاب

- العربی، چهارم، بیروت، ۱۳۹۷ ق.
۴۲. الغيبة، محمد بن ابراهیم النعمانی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران،
مکتبة الصدوق، ۱۳۹۷ ق.
۴۳. فقه القرآن، قطب الدین راوندی کاشانی، کتابخانه آیت الله مرعشی
نجفی، قم، دوم، ۱۴۰۵ ق.
۴۴. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، سوم، تهران، دارالکتب
الاسلامیه، ۱۳۶۱ ش.
۴۵. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه،
۱۳۶۵ ش.
۴۶. الکامل فی التاریخ، علی بن ابی الکریم الشیبانی (ابن اثیر)، الکامل فی
التاریخ، دار صادر، بیروت، ۱۳۸۵ ق.
۴۷. کتاب الخصال، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه (صدوق)، قم،
جماعة المدرسين فی الحوزه العلمیه، ۱۴۱۶ ق.
۴۸. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود بن عمر زمخشری، نشر
دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۴۹. کمال الدین و تمام النعمه، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه
(صدوق)، قم، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۵۰. کنز العرفان فی فقه القرآن، مقداد بن عبدالله فاضل مقداد سیوری،
ایران، محمداسماعیل بن علی اکبر خوانساری (چاپ سنگی)، ۱۳۱۳ ق.
۵۱. لباب النقول فی اسباب النزول، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر
السیوطی، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۲۳ ق.
۵۲. لسان العرب، ابن منظور، نشر أدب الحوزه، قم، ۱۴۰۵ ق.

۵۳. مجمع البيان فى تفسير القرآن، ابوعلی فضل بن حسن طبرسى (امین الله)، پنجم، تهران، المكتبة الاسلاميه، ۱۳۹۵ ق.
۵۴. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، میرزا حسین نوری، تحقیق و نشر موسسه آل البيت علیهم السلام، اول، قم، ۱۴۰۸ ق.
۵۵. المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۰ ق.
۵۶. مسند احمد، احمد بن حنبل، داراحیاء التراث العربی، الطبعة الثالثة، بیروت، ۱۴۱۵ ق.
۵۷. مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)، ابو عبدالله محمد بن عمر فخر رازی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۵۸. المفردات فى غریب القرآن، راغب اصفهانی، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، اول، دمشق، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۵۹. مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسى، انتشارات شریف رضى، قم، ۱۴۱۲ ق.
۶۰. مناسک حج، امام خمینی، دفتر نشر فرهنگ اسلامى، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۶۱. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ابن شهر آشوب مازندرانی، مؤسسه انتشارات علامه، قم، ۱۳۷۹ ق.
۶۲. مناقب اهل البيت، ابن مغازلی، المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلاميه.
۶۳. من حياة الخليفة عمر بن الخطاب، عبدالرحمان احمد بکری، الارشاد، بیروت، بی تا.

۶۴. من لا يحضره الفقيه، ابوجعفر محمد بن علي بن بابويه (صدوق)، قم، مؤسسة النشر الاسلامي، ۱۴۱۳ ق.
۶۵. الميزان في تفسير القرآن، سيد محمد حسين طباطبائي، سوم، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۷۹ ش.
۶۶. نمونه بينات در شأن نزول آيات، محمد باقر بن محمد مؤمن محقق سبزواري، تهران، اسلامي، ۱۳۵۹ ش.
۶۷. نهج البلاغه، صبحي صالح، مركز البحوث الاسلاميه، قم، ۱۳۹۵ ق.
۶۸. وسائل الشيعه، شيخ حر عاملي، قم، مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، ۱۴۱۴ ق.
۶۹. الهداية الكبرى، حسين بن حمدان خصيبي، مؤسسہ الصادق عليه السلام، للطباعة والنشر، ۱۳۸۰.